

۵۷

نشریه امنیتی نفلاتی

۱۹۵۹ مر

دستور امنیتی
وزارت امور خارجه

نشانی امنیتی نظامی

مهرماه ۱۳۵۶

مقدّمه

مرتفقا!

این درسی ممکن است نظر بر اینستی یافته‌ی آن در مرحله حبیب و با مسئولیت.
گردد، مانند سهیور بخش مرکزی شاست.
بجای پیرداشت، هرگز نه مطلبی را بینجا تعبیر داشتیم علی‌الله از اخلاق.
داختی مرد طبیعت را نمی‌دانیم و نموده بسیار کم. جملات این بخش نیز خود
تا اندازه روشنی لازم‌گرفت هم‌زمان با مردمیه و نثار آنکه انت را این سری از نظر برای
محترم مردم نظر را از این ساخته، بیان کنونه و عبارت گم مسئولیتی که را به درود
نظر بر اینستی در پیش‌بینی خود را در تنفس شنیدن این نیز را بر عده نماید و برش مبلغه
دانه‌گرفت گیرید و ضمیمه‌ای را که در مرقد در جست‌درستی داشتیم آن دارای است.

بسیار نکروه است.



امّت نظر بر اینستی ملطفی از چه حضور و رسی دیگر کی می‌کند؟

آن خود را بدو دسته می‌دانیم تیم برد:

- I - خود را بر عالمی نماید و از شش نیز راست و صاف نظر بر از اینستی می‌گفت.
- II - خود را بر خصل این بوده را مشترک در این نظر.

خرد زندگانی را می‌دانیم تعبیر است زیل بیان مفهوم آنگردد آن در اخبار و در آنها می‌دانیم
نهایی، بجزء و بجزء همچنین
هاندله‌اند و راضی شدند راهنمایی همچنین همچنین همچنین همچنین همچنین همچنین همچنین همچنین همچنین
را همراهان و همچنان باشد و دیگری ای اینستی و توانست و توانست که مردم را با ملیتی
و از این روحگذار اینستی زیان ندارند بلکه اینستی که مردمی بگرد و درده تهست
و از این روحگذار اینستی زیان ندارند بلکه اینستی که مردمی بگرد و درده تهست.

- دوین کجه اور مکمله بہر سیم

دوم: ضرورت رخانی سوالہ اس:

درودهار کہ جنین لنسی کا زمانہ ما فرمات سمجھی اور اپنے افیروں میں نہ ہے، درودهار کے تغیرات اتفاق دی۔ اجتماعی جو سب سے تغیرات سمجھی اور خوف سی سیکے۔
الستہ اتریں مادہ اڑاہ تاکتیلی ہی کہ جنین لنسی (و کھنڈیں درایتی مفترضہ جنین)۔
نہیں کوئی سنتی نہ است) بڑی پیشہ بھفت نہیں کھر باید کچھ بڑا اڑاہ آدمی سختہ۔
است۔ ریوچلہائی اور درمان کا کور انسٹیب لوزیم سوبہ ہمہ سینی یا نہ وہاں مار جو علاج
منفی آئے جو درفع جامد و پورے رفع جنین لنسی میں ہے میکنیم، ریٹروبلی اور
سازمانی خود ما فرمات سمجھی را لزستند کا بھم بہر زمانی سنتی ریوشندر ان بیداروا۔
لیبرالی ہے خود ما دو صرف سازمانی سیوٹسی ماچا نہیں بہر زمانہ همہ سندھ است و ہمہ رحم
آنے والے انتہی میں است، سلیمانہ۔ نفعہ قدرات منظم آئندہ جنی لیبرالی کا خادم
کو شہزادہ زمان دوڑہ میں کار مخفیت بھیں ملکہ رہ، اسٹریٹری اسنتی یعنی
ضرورتہ رخانی سیاہ کہ مسلک الغاس سنجھی، ہماری مخصوصی ملکوں لفڑیہ ہذا ہے اور جو
این ضرورتہ را میں ان بصیرت، حمایت زندگی کر رہا ہے:

۱- ضرورتہ را ایسا ہے جنین کوئی نہیں نہیں کوئی نہیں :

بیلی ہے فرمات سمجھی اور دوڑی دو سندھ افیروں بہر کہ جنین کوئی دا ادا نہ ہو
ھلکاں جسیں بھی لزیز پریزدزیں ہم سندھریں و معدمریں غصہ کر رہیں آن لزست
ریغہ ایسے دیجیں کہ ملے تھکر کر رکھنے بہر سازمان ما بعذاب خطرناک تریں،
نہ برازیریں و مشریق تریں نہیں رخانی اور راجھی پریزدز اسکے رکھنیں ہیں و جو دلماج
گراہیت ایجاد کر دیں دیگر دیگر اسکے رکھنیں ہیں و جو دلماج
پیشہ رفع ہائیں گراہیت سے ایسا ہی خاید، خلقہ نہیں اسی لزفیت سے مسلکہ کی۔

- دستگذی و ایجاد سرطانی می‌شود. لذا همچو این روش در مهله به عذران نیز کمی تا لقیتی جایت -
دستیابی به این شرکاره مساعده نشش و زیرهای احراز خواه کرد.

۲- فرودست اصلاح و پنجه داشته، بازی نمایند، ناسیبی و... ما را شریعت اسلامی نهادی
که در آنست، رئیسین رئیسی را اخیر و جدید داشته است. درینه این این و پنهان
آن رفیق مسلمان خواهار عداویل همچنان رعیت و احترام فرمایست و از دری مسازیان، ایجادهای تاکتیکی و
... و خدمت داشته و می بخشم نهاد این و پنهان عداویل مسائل احتجاجاتی نظری که هر چیزی
نشایه احیت حسی و بخوبی را میگذرانند اسلامی - نظری و رئیسین رئیسی درین
حال نیز روحیه پسی طبقه ای رئیسین رئیسی در خدمات و... و مکتبهای خارجی برای دیدار احرار
مسنون استادی از اخراج طلب نهاده این رئیسین رئیسی رعیت و احترام دارد که درین روحیه مشترکیت همیقم.
شور این نظریه را به عدهه را داشته، در جنید، پاها همیز یوره داشت.

۳- خود رئیس کرسی و نیمیم میزه ایرانی در میان علیه بندانه هر دوستی سایر ای لعنتی
اصلی و زن جویی اکثریت این درجه، درینه مسائل امنیتی بدین زمانیه ما باشد این شخصی
از خود رئیس کرسی و دوستی اخراج صدای طلاق امنیتی آذنه دسته دیگر زمانیه است اینهم. و هنچه
آذنه و ناپیغمبر رشیر امنیتی در زمانه خود را که از خود که از خود رئیس کرسی
درینه مسائل امنیتی- تعلقی است.

۳- خود را راست رفته و تکینی ای که بر راههای همراه باشد (یا درگردی کو
ت فه که ~~متوقف~~ می‌باشد) سبق زاده داشتند از بسط مسیر، فعل و حلقه‌ها را
به دلیل ممکن همچنین سیده همراه می‌نمی‌شاند که در هم زمانی که می‌جذب زمانی که
رسانی و تفاصی عیوب انتقال خبر بگیر و درست درون را بطبع زدن می‌بنند لازم است که
ارائه نمایی درین نیکیتای از جمهوری اسلامی تفصیل گیره کنیم.

۵- در علوم انسانی مدلین جنبش ایگر که استراتژی بر سرمان بجهت حل مشکل خالص، فضای رسانی -
تکنیکی ای که در این طبقه بحث نموده ای همراه میباشد (فارسی این بحث با این نام باعث شده است).
حل مشکل، علاوه بر این که مسائل مدنی و صنعتی پیمانه کاربری همراه با آن مدل که باعث میشود -
مشکل ای که در این بحث مدل کار میکند ...) لطیف در این اقتداری برای راهنمایی است پیدا شده است و
مشکل ای که با این ترتیب روش های معتبر میشوند را با این مدل کار میکند و این از توانایی های فرازین
و باید این مدل هایی با تقدیر و جذب برخواهد شد و این حل مشکل و فرم زبان دهنی را ایجاد
و مخفی کنی را داشت. حق تسلیم میکنیم میتوانیم و مدل کار میکند ای که در این راستا
با مخفی کاربری میباشد، لیکن دارای قدرت محدودی محدود در این زمینه است زیرا میشه این
از خود راهنمای است که روش ای این روش را اینستی - مدلین و مدلین این را میتوان راهنمایی کرد.
۶- در علوم انسانی ما همچنانه هم دارای راهنمایی ای هستیم و دوستی داریم با هم از
قرار تائیگی از مدلین عکس چشم داشتیم. در اینجا بدی و مخفی کنی که از خود راهنمایی است مدل
کار مدلین مدلین ناودانی و سریزی برای دسترسی به مدل زنگنه است بیهوده زنگنه
و خود را در این ایجاد آورده و از خود میتوانیم و مخفی کنی که این مدل را در این راستا
سازمان خود را ایجاد میکند ای که این مدل را در این مدل را در این راستا (در این راستا) میکند
جزئیات خود را در این مدل
آن این ایجاد است که این مدل را در این
تمثیل را ایجاد میکند.

این آن مدل را در این راستا در این مدل را در این راستا در این مدل را در این راستا در این
که این مدل را در این مدل را در این راستا در این راستا در این راستا در این راستا در این
مشکل را در این مدل را در این
مشکل را در این مدل را در این
مشکل را در این مدل را در این

~~عنه کنکر و بجهه زیر نشانه طور زدنی متن اینستی اخراج در میانه آن که در شرایط اینستی -
اگه باره ایم ماید فرموده باشیم هفتم ریز خود را مبتدا نهاده و قابل تأمین رفته بمناسبت
له تمریده باشد اما بحال دلیل شنف نمیزد امده .~~

و من هفتم میگذرد و میشل را از نظرات تحقیقی ، تطبیقی و انتقادی برآورده رفته -
و برای این اجنبی است نظری و چه لطف و حق داشتم ریز و دوست هفتم عالم را بر این حفظ خواهیم
نمود . پس از نظری ماضی میگردید .

فصل اول:

ریشه مابعد عمل تاکتیکی صنعتات

عیسی ریو چنی است که نزد ملی لازر ده، و بده از ملک کار و صرف امری
کل کینن تنه ره نشیده امین - نظر سایه نشیده از آنجا ه تنیں خوب درجیع
اول زن جم بدر و قصیں تائی ایی است که لذت دارد سر چنی را داشت
۱۵۰۱ آساد افیر ره سازن برخودهاست و همین به سل خودست طرح فدر آن
برخط همین رهی و بخود شام رفت و آن دایی تینی راهی و دیگر همینه تنه را
نهایا داشت و نظر داد ... دایی شاهد نزدی خوب بردیم ... برآمد روحانی
بدبر نشسته ... نظرات خود را در مردم این نمیں همراه نظرات استفاده از اعلان
پنهانی پنهانی و سر ... رفت و همچنان خدا هند کرد و بدهی به سبده آینه
آنی (خوب خواهیم گرد)

گردانشی امین - نظر س

جلسی خوبات اخیر از دیدگاه تا تلقی

مقدمه: سمع قرآن و تفہیت از سویه در روز بیست و سی ایوان شهرو
بی روده ای شش سال اخیر، با این گذشتگون - دهماره شکایت و میراث زر-
لای مسد استناده رسی قرار گرفته است.

در این یه وقت رسمی از طبقه تاریخ، والد مراد بیانی مختصر سمع طرزها
باشد کرد. به تفہیت طریقی میر حرصه صاحب شهید ناصر صادق - رسیده هم رفتار را
برداشت و از این طبقه بیان مردم از پایتیاه لای دست داشت. صریح اول شهود را
نتیجه این جزیک برداشت.

علی بودن رفتار آن زمان - غیر ملح برداشان و تصفیت تکنیکی شد - همچنان
حال می رفاقت این را ندان و کار آسی تفہیت دستگیر شده و می داشت و به سمع اینها
منداده بخطاط را اسرده بودیں تتفہیش را مدنظر طریق اداره داده و تفہیت اطلاعات
همچوینه سرایل آنها هم اندک هزار ایام بود که روزه داشتند شده.

حقیق شدن نتیجه از دیدگاه این زمان فرموده اند شهود را داشت از میان هفت
بیان رسمی در دست گشته اند این سمع قرآن و سمع از طبقه آنها و هر دو داشت
برای این دستگیر - عصر متعارف در بود که کثر از دنیا بست داشت و هر چند همچنان
با از سر بر جودن سمع خود را میر از نهاده بگردید. و این مجب تفہیت عصر متعارف
و تکنیکی بود و دادن از دست دشتر سوزده و گلهی سمع دیگر را اجراه داشت. در
اوایل هزاره تیکیه در راه - عصر متعارف - بیان داشت بود دستگیر - اثنا هشت
بیان رفتار تکنیکی نیز از دعوهای میر از نهاده بگردید که مخداده در بیان مدعی
تفہیت مجدد داده که ته مدت عصر متعارف داشت - ده هیضه هم داشت که در اوایل آغازه

وتنی نظر سه داشت ملی از پنهان خود علی سازیان - نظر الدا اسما علی زاده - والرس (۲۷)

نر - اور ای اسرقرا امیر - بمحابه سپاهی مردم شدین فاتح تیکیب می کند - پیر از (۲۸) این
رام - رام - دشمن زاره - را رسکتیک رتفیک سپید شکن خواهی - که مخفی دفتر
پیغ مرده - ادا می دهد - لاین تیکیب هف ف نهادیاهی شکن خواهی رسید و دسته
نمیست سپاهی عده - پائیاهه طبیعه عنصر برخورد ره آن - پیغ نفر - را دستگیر می کند

هزار کش موضعه تحریر رتفیک دستگل را در ادب اسلام ایا می بینیم - دفتر
جذت خپر روز رفتار سپید عصی رهبر را بد مردمی راهیت گنگل می برد
و در همین جدت دز آن به ره اسرقرا ایشان - و دشمن سپید به امام اکرم عذر می برد -
هر صیغه ایشان درون دیگر رئیسه داده شده بشر - از جو سرمهی تیکیب رفتار
مشروع گردسته جویی تیکیب رهبر رئیس سپه را است و هم احوال زندگی رهان
فقط و قی رفتار سرمهی جویی شده و ردادر خود را یاف می کند شه - ایپ دفتر
واهمه راه خدا رهبر نهاده رفتار خلال تیکیب شده همانه در رساندن تردید آن را که باز
هم ره خلال تیکیب شده - حالت می دهد و در این جویی رفیق سپید رهبر
و خداخواه دوباره خود را دران رش - برخورد می کند و در رفیق دوم رسکتیک رسید - دست
و دست ایران دستگیر را در دستی رهبر رزیر - ایپ دفتر خود را کرد و سپید رسید -

پیر از این جویی - دستگیر نهادن خود را از تیکیب عنصر مخفی را درست نهادیم - ده
ماچیم ایران خردت - ما زنگو رهی دشی آنکه همین دستگیری که رهی دشی رهی رش
که رش - ره آن طبق از تیکیب هیز - تج دشمنی را رسید - نهاده تیکیب کند و بالبرت
تیکیب را - که نسبت به امرداد بینا ایله ایمی بود - در می بایسیم و به توصیه هر سمع
لودن - می بینی را قبول راست خواهی ایشان رش - زاره آزاده - و از تمرهای بیخ نوی

نیستند از ادای این بدهی دستور معمول است که عذر مخفی برقرار گردد و این نیز
که این ایام حاضر تهدی فیض بین نهاد آنست و تائید لزوم داشت در زیرین
تفصیل دارد و صدق تأثیر است.

از بین راهنمایی ۵۵ دستور عذر مخفی برقرار شده اسرای امداد و دارمی کشور
آن ایوب ؟ مرثی است در عهد امیر عذر مخفی برقرار شده اند که دستور را به
کام نهیش جلد ای از دارای ایمه در راه آفریدند از این نهاد مخفی بسیار
نه از آن حد ذات داشت و شیر سید تا اینکار از این نهاد مخفی بسیار
بهره از این مخفی داشت و شیر سید این رفتارهای بسیار مخفی برقرار داشت
و نیزی را در بحث این دشیر سید این رفتارهای بسیار مخفی برقرار داشت
ظرفیت ایوب نهاده از این نهاد که باعث صبح همان را نیزیم که در این مخفی
درسته - بیشتر در درجه این داده که باعث صبح همان را نیزیم که در این مخفی
خود را در مخفی برقرار کرد و مسلط خواسته از این کیمی.

در طول سال ده راه ۵۲۰، ۵۴۰، ۵۶۰ میلیون خانه دستور مخفی برقرار شده اند
میتوانند در این مخفی برقرار را آنرا در دشیر سید این رفتارهای بسیار
مخفی برقرار کرد و این رفتارهای بسیار مخفی برقرار داشت و دشیر
مخفی این نهاد است.

دشیر سید ایوب را در راه ایمه داشتند و دشیر رفتارهای بسیار
مخفی کاظم ذدلاخواره هر سهند خواسته ای این رفتارهای بسیار داشت
و دشیر سال ۵۲ عمر نهاده ای این جهت هستند.
در طول این ساله نهاده ای این رفتارهای بسیار داشت و دشیر رفتارهای

از پی رستگار در زمان ۱۵ میلیون دارایی به بانک ایران آبی داده است
که از هفتاد و سه هزار ترمه کردند که، آسی آبی (داین مدت در سردار سپاه) پیش از زاده
داده از دست قربانی خود است باور را نمایم. هر دو روزه دغیرنگ میباشد که
ترمه آنها را برخاست در برابر ۱۵ میلیون دارایی دارد.

تمام بود خود دو مرد فناور زدن باشد رسمند در سال ۱۹۵۶-۱۹۵۷ از زندگی
آنها تفکیب رئیس رجیسرا فنی دهد که دستور. همین مدت رسمند تفکیب
با عذر خواهی و سمع خواهی برخاسته و بعدها این بخش عذر خواهی بیدار است اند این سه
ورد برادر زده است (۱) آن دفعه جنگ علی این مدت برادر داده بود است هنوز

نمایا که این سه بودند عذر خواهی و سمع خواهی زندگانی:

۱۴ - خوشبختانه بازدیده است ۱۵ هنرمندانه عدالت اند در بر را از زده است بیان آذار

(۱) - هنرمندانه و دوستی داشتند بین جنگ و تفکیب فراموشی همیشرا داشتند
که خود را بفرود تا طلاقه رفته بدر و جیب در هنرمندانه بفرود دستور و در مرد
تفکیب میخواهند آنها را فرار و مخفی ببرایم که همه رفته وارد قدر شده بودند دستور. (زاده هنرمندانه
که تفکیب را در عالم میخواهند هستند که افتخار آنها بسرمه دستور. از ادعا میشوند که در زندگی
نامه خود را در کرده است و آنرا احیان نمودند نیایش است. این تفکیب بفرود مکمل
الهی و سرمه. قبله هم بزرگ داشتند سلاطین فرود بروز و در زندگی احمد رضی و آنرا
گذاشتند که از زندگانی خود را از ترمه و میاده توین آزادی تھا که را بخود رفته بیرون نمیخواهند
هر لذان و لذتی را فرضی کنند میر فرود صادق از زندگانی خود را میگذرانند. تفکیب ماسنر بفرود میخواهند
میخواهند او را همچنان میخواهند که از آنها همچنانه صفوی برگشته باشند. اندام بر رشیدر- خود را بری دندند

در بادین رهبر همیسر - رهین صدیقه - لرمی دهد - پلیس سفنه فرا - راتخت نتند
 سپی پرید و پلیس رهین صدیقه وارد سفنه شد - عبدالله از متفقی با هژرانا هم خرد دران
 از سرگشتن می دهد - دشمن بی راستی درستی رهین صدیقه او - الغفتی می کند - رهین
 هر آن اجرای راهن فراز که رهین هدیدن عبدالله نشده به سرگشته دیر رهین هر همیسر
 بیرون فرجهت آزاد - می خرد - در سرگشته فراز نیز درستی رهین هر همیسر
 همان تجسس - تجویز - رهین از غفتی عصر عصی وضع است - با بر قیمت انجام می خرد -
 درین تجویز دشمن دایی خدمت رهین ۱۰۰ ده در رایشه: محمد شاه رهینی خان
 امورت می خورد .

۱۰ - فراز رهین سپریں صاحبه بترطیب سپه است لرمی دهد که رهین از سرگشته
 مرغفتی و نیز صاحبه می پردازد - رهین ساصله که مدنی میدین سپاهی نکوه هم
 از هم فراز هم رهین مرغفتی احمد اسدیس هر سپاهی درین مرغفتی از طلاق
 پیش از لور میز - فراز سپریں نفع شده و فرد را بسته داشتند - همین راه طلاق اد
 بندیم - امداد رهین - هر ده رهین را تفتیب می کند که سرهم نسبت شدند
 که کوئند خود را از زیر رخاب مازنند - همچنان امیر غصنه - و فت از هم جدا می شوند
 که دشمن رهین صاحبه را درستی دستیب از رهین مرغفتی را ادامه می دهد تا بتراند هم
 ده بیمه روزت داید - همچنان رهین مرغفتی برتر می شد - هر دوی همیسر
 راه را - هم از مرغفتیت بیهوده دشمن دایی خدمت می خورد .

۱۱ - این تفتیب که خود دو تجسس دشمن از زیر مرغفتی وضعی همچنان مازنگانی بر
 مکرر ده تراورست - در واقع سپاهی دشمن در هر چند رسما برازدند می (ترانسی
 اولتیمی او دگر از سرتی دنگی) و در صیه ترنسی عذر فریش - تناسب است از این داد

سال ^{۱۴} که عذر داشت. از نظر آزرودی می‌بینیم در برجه ^{۱۰} تسلی و در حجر ترکی در رفع پاسخ
 بجهش، تعقیب عناصر غصی دلخواه را. ^{۱۱} بحث خضرانی می‌بینیم در جهات آن دارد
 تا خوبی نمایند لذا به عصر خوارج ده میں عنصر بساده ترین و سرمهترین راه - عمل اول
 اموره - سه میسد. رسم بیو دویل بیهوده در خلاص پر ایش خد عصی می‌گذر
 تراز می‌علی تعقیب می‌پسند عذر را کب کرد است. دیگر این رایت را چنان
 داشتم خطرناک نمایند و شرمندی همچویه آن رفع مجدد می‌نمایم
 شیوه این تسلی که در برجه ^{۱۲} تعقیب رین صدیقه ^{۱۳} را کنیتر تجویه دکنند
 خود بردازد - سرخ از سرمه ^{۱۴} کاد در در خان ^{۱۵} خمیده در تر جان و فرد دیر رینام مستعار
 می‌خوردند - سرخ که سرمه ^{۱۶} را همچنان می‌خانند این است - مستعارها از زرب سرمه است
 اما شدائد لشتر و اهست خوبی این تعقیب را با مردم - بیوان می‌گزینند و
 می‌خواهند سرمه که در صده بینی از رن دهد
 می‌خواست و بفرود بسته شمع با قزان می‌کرد که درست آیینه ^{۱۷} در رین می‌گردانند تسلیم
 و لوت ^{۱۸} از سرمه ^{۱۹} و محمد در کردن و لوت ^{۲۰}. استفاده از سرمه نسبت داده اند از مکار
 کاد محمد در بودن آیینه (از نظر آن) محمد در بودن را می‌خانند آنها را سبد ایم درون تجویه
 آنکه از سرمه تو رو در صحیع دست صفت ^{۲۱} را می‌آیند آیینه ^{۲۲} در رین می‌تران دنت
 خود کاریم آنکه درسته جانی عذر نمی‌کنی (برضی خوب می‌علی) در خلاص سایر آنها و آن
 شده این ناکامی داشت. با این طرح نظر می‌گذشتند خواه گردانید و داد. در دیگر دین طرح
 واکه استلزم هر فرشت و سر زادان بزوده در میز خال می‌گذشت فشار می‌گذشت از راه بتهار و رسک
 در رفع می‌بینیم این دید می‌گردید. بجز اینکه بستانه از این راه می‌گذرند. همین را در
 آنکه در دین می‌گرفت.

ساده این طرح در سالی هفتاد و دو این نظرات نزد کارشناسی که ملاقاً صدهم مناسبتی را داشتند
نمایند. هنوز آنرا داده بودند. مُجذب تر کمال انجام سید روحانی در سال ۱۳۵۰ این طرح را آنرا بخواهد
نمایند. و از اوس سال ۱۳۵۲ تا همزمان با این نتایج ملکه مادر پیش از زمانی رسمی ترین تعیین داده
نمایند. نتیجه این اتفاق از این که دستیقین ایلیپ (در لشتن نمود)

۱- تکامل تاکتیک تعقیب در سال ۱۳۵۲ :

در زمانه تعقیب عدو تکمیلی در طی سال ۱۳۵۲ - بخود رساندن خودمان نمایند
بسیاری از در مردم رسانیدند و ملکه، برخانی از این رسمی از این جزو در دست است که دستور
نمایند. هنوز آن نتیجه نبینی داشتند. فرانز پائولیا از قزوین از همان دریاندند. پائولیا در رو
آتش را می‌داند. دلیر ده قزوین می‌داند. (عذر بر کارکردهای زیرین) از این طبقه مسمیه بلدهم ای
هر روز دستور رسانیدند. این میان میان سال ۱۳۵۲ محق شده عمومات زاده رسمی از تعیین
نمایند. همچنان همراه دارد و این این فرمان (عمر ما متوجه پائولیا) بود. و همچنان مسمیه پائولیا در
نمایند. همچنان از این که تبعیج در این مکان نموده، هجرت می‌گرفته است.

بعد از هر مینه و نیم رسانیدند. این همچنان صدای تازه ای این فرمان دستور می‌گردید. این از
نمایند. اتفاقی نداشتند. و یکباره تصریح و تحسیں به حده سراسی و تقویت سازه و فنادمه

نمایند. الان همچنان این می‌گردید. این سیاست نه تنها رسماً رسمی رسانیده بگردید
نمایند. در حقیقت صدای تازه این اتفاق نیز اعمال نموده است. و این در صورت تجدید صدای تازه نموده
نمایند. همچنانی و همیشگی این اتفاق نمایند. کیمیه همچنانی دلیل می‌بینیں می‌گردند. این اتفاق
نمایند. همچنانی زودتر. قبل زمانه آن فرمان نمایند. کیمیه همچنانه برقرار رسانیدند. و از آن پیش
نمایند.

و بیگانه را تصرف کردند از همان از عمل صریح محدود نمودند و این میان شد. برقراری دستور
 نمود و آنده دستور اینکه امر را با پایه ایستاده می خواهد درست داشته باشد. می دهنده نیز از این دستور
 این مدعی فسیحت طلاقی می نسبت آنها پیرا نشده اند. صرف نظر از این حالت ملکیتی غرضی
 نمایند اما این سند ۴۵ که همچنان تعمیم آمده از این دستور این دستور را برخوبی دارد
 ششمین ۵۵. اخبار مدعی درست داشتند مبنی آنها متفق همان ملکیتی غرضی می باشد
 از همین روز قبل تئاتر مدرسه ملیس بوده است و کاملاً در کاربری روزگار
 هم تبریز اخراج شده بودند درین خبر را سیمین هزار میلیون به جایه هر یادداشت، همین میلیون در
 اقدام این افراد از تئاتر مدرسه ملکیتی غرضی می باشد که اینها این اتفاق را می کنند.

بیشتر صریح تجویز رفزین می شوند که همچنان دشمن درین امور می باشد و مدت زمان ۱۹۶۹
 از آن آرام نمایند این امر را شامل رکن شدن را دارد. این دستور این ۴۵ که دستور را
 باید راضی این تجویز خوشی است. از تعمیم بکرین یعنی تئاتر مکانی و مدت خانه
 یا ملکیتی این اتفاق می بوده است. همان ملکیتی غرضی را تئاتر این این سازه می باشد که این تئاتر
 نکشیده و رفاقت از تقدیر تبریزیه می باشد. این دستور - تئاتر و ماهیت از این دستور
 باید اطلاع داشته باشد این می شود و لذت این دستور را که در کارگاه داشتند می باشد این اتفاق عینی از
 شیوه این کار که از زندگانی این اتفاق را داشتند می باشد و مصلح این اتفاق را داشتند

تلخ شدند که - همچویه غرضی که دشمن در سازه ملکیتی این اتفاق را داشتند شدند و همچویه این دام
 هر چند که همچویه این اتفاق داشتند - دشمن دشمن دیدند و درین راه این تبریزیه تکرار شدند - سبقتیم. بر اساس این
 هر روز خلطاً و سیمین تئاتر این اتفاق را دیدند و درین سازه ملکیتی غرضی ندانند و همچویه هر چند
 خیانتی از این اتفاق را داشتند

باپیاه دولت را تراحت لکن زلگ فتحه را نگاه میران رسانید و پس از رسیدن روز راه حل
اعظمه از که بخوبی را با شفاه مأذونیم داشت با شفاه - در هزاران سر بر تبر را در کرف
نهاده - صد هزار تنه.

۳ - افزایش کمی و تعیین ایام برای تحقیق کمته:

رسانی ۴۵ هزار از این کمی و تعیین ایام برای تحقیق کمته به لکن زلگ فتحه
از مواد آن بمنظر راستایی به عنوان معمولی هستیم. از این رو در فاتحه رساله بر طبق ۳۳
تفصیلی پیغام فتحه از این معاط نخواهد ایم، رساله ۵۴ در پیغام برادر سعید فرموده است
که تحقیق کمته با لکن زلگ کفر خواهند این ایام ایپ (بهرده) است.

دستور فاتحه منی دز فویی در فروردین - سهندت رفتن ساده شیوه
ادبی است. دستور و منار سعید از احتمله رفاه سر بر سردار ماه، سهندت رفتن
که بعین پور دزدیز مردمی آرام لر دزدیز خیابان شیوا (ارگلار آذربایجان) و سهندت
که بعین واو ده او افسال، همی ده رانیه، لکن زلگ کفر خواهند این ایپ (درستی) هست
که تلفته است خواه کفر دزدیز که در رساله ۴۵ خوده ایم را میں روابط خلاصه مینمودم:

۱ - تا سر کفر خواه مردم همی: رفتن حرم سیان (الله)

۲ - خواه سیانهه مرآت ده: رفتن ایام برای تحقیق کمته این حرم دلت رفتن

۳ - فردادن که باض خدمه دم رهاست تائیب کر ادیه بر جرد رور

→
سهندت - ولر ده پیشتر مسوار کفر را پیغام دزدیز استوار کردیم به نه. بنتیم
دزدیز ملیه رفتم ایلکن زلگ کفر ده بود رسانی لقمانی بر مصالح دزدیز ایامی این از همه بر سر خود رفته
فردا مدد رسانم ای ایلکن زلگ کفر دزدیز که را ایلکن زلگ کفر دزدیز است.

از زدن از لدر میکنند و قرار این است که در روز بزرگ خلاصه رسیده در
کشور نمایند و رسیده از هر کسی معرفت نداشته باشد و همه میگویند
نه بخوبی بخوبی - رسیده خارج شده ... حاج محمد غیرزاده و همسرش ...
و ... رسیده بخوبی ... رسیده خارج شده ... من من درست نباشد
و شاهزاده نبوده است نظریه تحقیقی نبوده هنگام آنکه پائیاه را خوش بخوبی داشت
و بعد از مدتی از نظریه تحقیقی نبوده هنگام آنکه پائیاه را خوش بخوبی داشت

علل از نظریه تحقیقی از سقطه از

در این مردم خواه رسیده همکالیدی از قطعاً از نظر اینکه را در خود حمل دارد و در
آن شهادت داد رسیده را درین مدعی - اسنی و سیدل در فرمی اینجا رسیده میگویند
نه ذکر کرد.

و من اسنی را بپرسیم پیرازمودیت - عذر ننمایند که من از زدن از لدر رسیده زاده
نمایند و از این پس همچنان که همکالیدی و نکت دار درست است و این رسیده از علاشه میگوید طالعی که
باشند پس از مردم از این خواهد باشند و این علامه رسیده نکت رسیده اسنی
که این خواهش نمایند که رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند
که رسیده اسنی جو پیش بینی از سیر تنه نداشته - (این نکت است) همان‌وقت
نکته از نکته داده تا این نکت برآید است اسامت اثبات همچنان که مدارف از این نکته
خارج شده و باین پیش از این که رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند
میگویند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده
رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده
رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده

رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده از این خواهش نمایند رسیده

۵ - خواهش نکنند رسیده ... رسیده نخواهش نمایند رسیده علی چهی - رسیده

نقدانی رین حقایق و دستور رین تهیه سفر بخایی دستور رین طایف الالم
این بود صفت بدر ماده از خوب است مارسال ۴۵. سقدر از درست
سفر رین آن قطع صفت است که از آنجا خوب و بد هم باشند. با مرکز فرق سفر بزد
فرستاد راه راهی هر چند شفته از تبریز آزاده شده باشد همچنان
نهایت پیش بجهة ده این خوب است. از این کامی آبی هار لئوت است. دیگر
از این نیز رعنی ۵ دسی. بر این کام سرگردان است باز هم خوب است. از این
ظاهر است.

فرستاد رین از این نیزه سفنه که دارایه سفر آبی هر لئوت و شاهزاد
آن قطع بزد دستور رهیه بعدم همی و مدنی (از این قبیل بود) داشته در محبع
به سفر نهاده آبی هر لئوت. سرمه دار سفر داشت که این نیزه سفر را شده
که ده می دارد آن دن خوب است که شدن بود زمانه بر اینکه بیست. از این دو دسی
چنان که این دن خوب است دنیز را بجا سفر کردند و خوب است. علاوه بر کام پنیده ۵ تردد
که این دن خوب است دنیز می داشت.

دوفونی از صفحه بیان
* - طبق «نقدانی» بود این خوب است جان سیست که سلاستن از انتها
ملکیتی رفعت صورت رفعت باش. انتبه تکنیک است. این دلیل رهیب نداشت است. آن
که این دنیا در تمام سبب برگراشانی از زرع خوب است همین دلیل در آن سیست که در فریاد
نکنی همچو شدید. خواسته دستور رین بخایی شد و دلیل در آن دلیل است آنها
که نکنی که این خوب است را که در صد نهد است در آن خوبی بالات است. این خوان سفر نموده ام
که دلیل این خوب است رفعت بدان سرمه.

بررسی تأثیرات جنسی در سال ۹۵

از آستانه ارسان ۹۵، روزیه با صحنه برگزار شایع تتفییب دستور در راه به پریمیک در
نمایی از راه مان ناچیز آنیپ کار شافت رفت مانند عناصر صنعتی ملخ و... ایلانه برش
تطفیلی و... تأثیری و کار آزاده دلخواه داشت، تتفییب میگردید و در همه پهلوهای ترازو در
تفییب انتلاسیدن مراد ترسیخ نهاده طبق نفاذ متفییم و غیر متفییم باقی ماند، عناصر
آنکه داده... از آنها پیدا می‌کند، استریلیزه شد.

بعد از مانند تیرید در بزمیه رانندگی در روزه قدر راسته خود را می‌شترد و مادر
ساز آن عمره دار از این تفاوت لذت داشت غیر تکمیلی بود، آن روزه تیهار سو زد... هسته
دوچه و گرد هلاکتی پول کرده سیزده روزه داده شد و همین پوسته در رخت همان زیسته
سقراست که در همینجا رسمی تیرادیه از مادر را بر اتفاق بجهان بیان نموده است.
هر دو رایین زیسته اندیمه سرخ در از دیگر از سازه رانندگی ملخ پیدا می‌کند
و گفتگو، تتفییب طیای دیگه و آن سرخ زدن روزه در رجیمی و مسد این روند در
پیش ۵- هر روز تکمیلی اسرا می‌شوند پیدا کرده شست بزد و در نوره عمل می‌کند،
بلکه مطری از زمانی افسر در تتفییب نموده، تمام تلاشتر بعده این نکته است که
نوره "ضیام" نشود و ببدانه از دیگر سرخ ۲۰ درجه در رهیمیه راه همین گردد.
لهم درین است ۵ می سیم راه نکنی و باید از دین سهیمه بگیرم از عذر غیر مفعه بر این
این سلطه استفاده می‌کند پوکه و شتر تصور این روزه ای افراد از این میزان میزان
لشتن در در تام بجز در بزم و قرارداده ناچیز آن می‌گیرد و خوبی این راسته و
نایمه و کند موارد آن در دلخواه می‌گیرند از تکنیک نظر و کار راه بر مدد در پریمیک
مطلبی بعد دوسه منی است بگشت نه از همین رو با سر نکنی و باید از دین سهیمه بگیر

می استفاده می کند تا دفتر اکت شدن کنترل را - در لیست از زمان مضر
بوده - تجھیف دهد. در واقع دستور پر از متفقیت در فناوری از مدرس - کسون
بوده - از متفقیت در صدود مرخصی در این آمر دست خوبت برآورده و محدود برآورده
نمی باشد - در این دفتر را بخط ایندازد. فرد دادرسی در زاده - مسنه را بستره می نشاند:
و در درجه هیچ یک سرزنشی هنر رفته این را نیز در روح از پیش سرخ با سرخ دیگر می نماید
و دستور را سرخ کرد^(۱)، آنرا زدنی را بله آنها کروه بپسی - می نظرد سفیم و با...^(۲)
یک نکته را می بینیم که در آمر دسته ای خسرو در کنترل را بی دستور می داشت
که کامران هر قدر را رفته و سرخ بپرسی این را بسترن می دهد. مثلاً اگر عذر فرزن بینه
آنکه هفت هزار ریال را در ماله را برآورده کنید - آنرا که در کنترل
شنبه و میانی زدن و سه تراز هم - بیمه خانی علنی شوند! ارتبا هاست
ز دیگری همچویی را سمعه (در همان زمان بینی بردن) بطبور کند از جلو - مینی خانه
آنکه قزوینی، سه نیزشان را زیرین عداصی خود را برداشت و هنات دهن اذکر
آرزوی سوسی همچویی علنی دهند (...). از بعد افزایش در این دسته - هر کدام سایه به

۱۱۳-۲. اراده بیرونیت ماه میانی بیمه سرفی از پیش بینی رنده بینی پیشبرد و ترمیمه ایام در
پیشنهاد کنترل (آزاده) تجھیف می کنند و می گویند میله خود مسدود کی را اوات ناکنایه می بینند با این تقدیم
و سیم میمیدند که این اراده بیرونیت نیست بینه داده باشند بازی روزنه را برآورده کنند از این اینسته هر کدام را
بعد این میمیدند میانی صدارت را سنجی این می سیند. دستور لزدن - شفته میانی بیمه سرفی ناکنایه داده
باشند و آنها از این کنترلی بر درین طبقه باشند میانی از سرخ دستور را دستور دهند

نامنوع این است.

بودندل، باز زندان را سُنتَه دنالا فره هنوز خاتم نیمه علیه - نیمه مخفی داشته در زیر

گروهیت نهیت که نه هیز عنده هرج یاد شد، رسید.

آنکه روابط ب تنهایی کامیت درست از این راه دشمن بود. که درین حکم که
دانی همیزدم هدیش بیارزه ایله کارهای در درون سازن - فهم رئیس احمد در درون
پیش از این راهیت سازش، درین درین همیش هم درین پیش برخیز آن بود است و به
نهاد... شاهدیم - درینه تکنیک این راهیت بیش که رفتار خدا این تقدیمه هم شر
نمیگذاشت که درین آنها در دینها راست قشیک کافی داده و تکنیک در خوبی را اینها سپاه
آن از تعاویر دهنده صفت در خود را بین سنه و محل آنها داده... رسیده دشمن؛
استفاده از سهی دشادیه، هی افسوسی نیست، بعد از اینکه از این دشمن و فرقه ای داشت
دویچ از این اکام بیش میگذارد آنکه تقدیم را درینکه در خود را از سوزان آورد. آنکه
کیوهه هفده طبقه برخیز برخیز مردانه دارد آرد داده از این دیگر تکنیک در خود را بدیده

(۱۵)

قد از هم رهبر پیکلا از هر چه سه افسوسی باید رهی دانست که این زمان
ترن پندر - در حقیقت آنکه ایله دلوره از این روز را از این راهیت همیز کار میگند - رسیده دشمن

(۱۶) - آنکه از افسوسی باید هلا اینه در این مرحله مرد سنتها به رئیس ایشان دشمن. و از این رفتہ بودند
با اینه دانیت رسیده صیده ایشان دلوره بود. دشمن بجهود تکنیک که از من خود رسیده ایشان را داشت
من ایشان از این مردان و در از خود ایشان دزدیده بیرون آمد و همه چنانه ایشان را با کمی بیش بودند
ایشان را همیز راهیت ایشان خطا شدیه با همار دشمن و دلیل است ایشان سه راهه هموم تکنیکی
درینه میگذرد و لطفه ایشان ۲۰۰ - ف - غ اثنا سی دهند

میل و ملت خود را باره از نظر قدرت را تجربه داریم. برخود رهبر در مرح عالی سُسته را نیز

چشم خدابد

برخهدی مژده است از دیگریست. آنرا ماه و نیز نادینی پیران از خد را تیره و رفتار مذاقی داشته و دیگر در خرد از همین دلیل برخیار آنده. رگو شد و کنار شور بین خود ران دشمن دایین رفته و در میان رده ای صریح داشتند که در ادامه صیغه همان خوبین ترد فیروز نتفیع موده. باشد دامنه تین همراه اعظم آنها را که ظاهر آغازی نقداری داشته اند و نتفیع را در همین اجراء از قرار بوقت و شکر تتفیع ... هم اند افتد بازی بر لعله از

اد دشمن

و سپس آن فریب از دیگریست که وقت رفته اند. عدهه بزر و دیگر را در در خود بگزین مگزین دشمن و تتفیع سرگزش رفته را زنست (مرغیه) و اسراره است کاملاً دامنه ایست متنی ای ایپ (رامه) از دشمن استیغیر عرض و مظنه ایست لکن این درگزین محدود داشته اند از قاره ایاده لرد می خوب بر این دیده این آنست (را اصلح کرد) بیان (تعداد اندام و مقدار) دچیزه ای این ایپ که در دشیز رعنونه نموده اند. بازی این همه جو نسبه در دایم برگزینند و توه جاریکی می بینند نقدیم کردند و به از دست نفت. سرمهه (دیگر) بمحمل افتادن کل طبع می خوردند، پیر از خود همچنان داشتند که در چشم کار رفیع یکی را منداز کر شده می بینه اند.

(۱۱) و مکنت ایپ در فیضان: برخهد خربت ایز اندام، عمل در ریب عصر نهضن شاهد
دان که این نهضت چوی بوده و در روزه ای این مکنل است. این اندام داشت میزد که اسوزه همین
مسخر نمودن خود را از دست نموده سبله ره نفت ره بیانیا هم و بر ریبار فشار ریز خواه داشته
لئن اندامه بجانب (دست داشت) مکنل است سرتیا اندام همچنین می نامند و در همین صورتی



بخار شمیں خوب کر رہیان اسرائیل کا رشتہ را بیدان میں زستہ۔ اینتہا
پکو وہ تھہ کارائی بی بی نظر ایسے رہا تھا کہ در راستہ پھر ملے رہا ایسی هستیم ایکتہ
بیت!

پھر از فرم ارد بیت ۲۰ آیت ۵، ہدف کی تحقیر، عین دود دینا تشریشہ اور
دوفیونہا وکٹ میں لئے۔ ان آیتیں کہ در حلال جوں تحقیق ہوئے بسا مرزا نصیل
خواہی رائے نہ ملتے واقعیت کی ریاست ایسے ایسے در میں در خردان رفتہ۔
تو بازہم در حلال تحقیق شناختہ شدہ۔ کمیں کردہ درستگار ملکہ کراں قدر مدد

نظر ڈالہے۔

تھے میں آیت ۵ کا زخمیہ وہ
حمد و شکر صفتہ علی۔ سیہ در تقدیر دن تمام شکر سکا کہ دندن حدت دعہ
تشفیر میں دھی عصر ہمیں ایک دن درست ہوں، علامی است کہ بیت ایسا ایسے کہا
آئی آپنے درست بدے بارہتار میں شدہ است۔ سبقہ ازان ہو رہتا رہتا میں جو طا
طہ است داشتھی کہ رہنہ ازان بخود میں بھیتہ ہے۔ تو کہ راد و شکر داشتہ باللہ د
ایسا خروشیتہ از ہر زمان اور در میں در خود ہے در سر۔ قدمیں پیدا نہ کر دھیں جو ایسے نکتہ
پڑو دھیں۔ سیہ دندہ پا اور نیہ اعلیٰ سیہ ۵۵ عیر ختم وہت ذرا را ۴۳ درستگار دنیا است
شنبیہ ایسے کہ رہیں دست، خرم ایک دنہ ایم دیں اسرائیلہ بر راستہ دھر بنھتہ

درستہ ایسا بیتیا ہے لہذا میں ایسے کہ ایسا کہ ایسا کہ ایسا کہ ایسا کہ ایسا کہ
خابج شکر میں تحقیق ہے ملے دندہ در صیہن، خالی تحقیق ہے احتیال زیاد رک نہ ہے د
ہو در پریمی انجام کہ بہ صلی صیہ نہتہ مدنیت ہزار رُزہ ہے سچہی گردہ۔ میرنا، ہمیہ جانہ
دھیں۔ باسی دل پر سمنسی سمجھے جی ایسے درخیل دیں کو درستگار۔

میانیل چند در شناخته شده در سیر در شناخته شده است و نزد خواهد بود به لئے
باشیده استهشید یه چکت بشد، وست بیند لازد (۱)

ظرفی اردی هشت ماه پیش برندس و بینال آن درود فعال ایپ (در صحفه نو) رهنه پایان ملود ده کاخ از نصیب و نتیل سازن و ملاست. و قریم بیار رسید
بیانعا همه رسته زدن باماردار آمدن بف خز نداشتن که نهاب رید
دویم دنیان ایپ (را وارد مردم کرد تاریخ اهیز تغییه یا نیا هد و برقراری بده ارتقا ها
دویم بیان اندزاده دی خارج خواز کار در رسته لایه مهر حمید اسرف) باز از زمانها
له غمی ماندن نیتر زیر آن رفتار مصلو رخایع از نزد رسته بیت میشد و افراد غیر نم
همه مستقیم و محنت، هم تعلیر سنه که بگ نایجا مدد لذا دشمن محمد روزی سرخ پر
نمیزد و رافت ده است. این استنباط و فتن فتن است میشد و ده تاریخ گنین عل ایپ د
آنکه نتیز ترومن است. لذا باید بیند بزم که دفن ایپ (لکن راحی وارد صحفه
نهاده سی بیرون او تیر ساه آنکه نتیز ترومن است و ماده اصلی روز ده رسته کما رسته دار
میگرد و نیزه ایپ دشمن همینه که نتیز ترومن اس سر زدن چون عمل رشی است، دیگر ایپ ا
شده است میگنند رسته می بین از فرهادی اردی هشت بقیه برندسی و فتن زدن
ایپ دشمن ده بینه اهل سال ۵۵ که دشمن اسکنون ترکانه اداره آن بود در داشت مدت عیون
هزاره دشمن رسته هیچ وارد داشت ایپ (ندانیم)

برخانی دشمن بیار آنکه هذیه که هر کده این مراس هر دشمن رکونیست بس زدن العقبات
که این بود و مرن میشود از زرسخی از پیش بگدا به است آورد لشای هم هنر سرخ دشی رز
دان داشته (دشمن نصیب و از زرسخی از پیش بگدا به است آورد لشای هم هنر سرخ دشی رز
دان داشته) که این دشمن نصیب و از زرسخی از پیش بگدا به است آور که این تمر؟ رفیع
اصحه که تهر دنیز که نصیف (در این کار لذت میگیرد) رسته برندسی ت

چه مدد حمیق بوده دست ترسی خوب است هم سر انتقام حبیمان آنکه با هدایت
سی هشتاد بازگشته و بر آن دارد که با این پروردست بیشتر، سین هشتاد و پنجم
بجای پرورداصتر، بهم آنکه کاربری رخواهیانه و خودست داده از ازانه فتح عدهم صد هشتاد نیست
جهنمی حق و حبیش، همچویه ترسی دعیایی ترسی مغلات سازان خود را
حقیقی داشتند هست عیش خوب است بیگانه از زندگانی از این دور راهیم اقدام محمد در قریب به نیاز
پیش بگیره و همان کار برآیده آخراهم دید که در مردم سازان ما هم زبان دست
نیزه) نان می دهد که درست و لذت خوشی را نمی خود همینه راه را بسیار خوب
شکننده رعنی رحیم ریلا یا یحیی شیخ صفاتی افسوس از سازان فیضیه رفته ای خون داد
و الدرم و نبله رم (اسنی استاده) است.

در چیزی این روزگار و تعییب محمد را هم بر سازان چویلیه سزا می خوند یکی
نهاده میشود در هشتاد و هشتین پیش از ایام خوبی فیضیت خود را از کانال الیپ در گشتنی می خاند
لواء می دهند.

فیضیت بورس تائیی خوب است و اندی بر سازان چویلیه سزا می خوند در همین اول سال
۵۵۵ هیله رویه این اسری است. خط سیمی کی درست را در بیمار زده همینه در سیمه اول سال
فیضیت بورسی کیمی:

۱۳۱۰ ایز: در هفتاد و هشت دسیم دهه که دست از ایز از سر برادر سیاره داده
چویلیه سزا خوب است دستیخانه ایز در چویلیه دعیت امداده میگردید و در هر زیاده هم خوب است بیانه ایز و مخدوه
قدادنی که عموماً شیلی ناچیف زدن و خدادت فدر را دادند. یا همی دهد و لذتگیر را زد
این ایز: پیغمبر سیمی خط سیمی همچویه سلطنت داشته است.

۱- سرخ تپر لانگزد متفهم باشید متفهم هم سرخ تپر آرد و خمر
مشهود شده ...

۲- تعقیب دنترل سرخ خود را متفهم باشید در رسیدن به مردم در سرخ هارهای
گفت باشید، بخواهد و سرید در تردد داشت ... (رسیدن فرود آن و آغاز نیمی در رسیدن)

۳- وارد آوردن بک فرج شدیه به کمک نقاط انسانی شد.

۴- هجوم ایک دلتان کمیته ب خوبی به تبعید برادر آوردن فرج در هنگام

وقت و تغییر و ...

این ایک با استفاده از شناختی که از قبیل رفعت و سرید در تردد آینه در فعل تعقیب
ایک بوده و مدرکی هم از رفتار قبیله نموده اند. دنبالی هدفی از سفر، محدود و مشهود شده اند
لهم محدوده نهان (نهان) هستند و این تحقیق برداشت راهنمایی برادر آوردن هدف را محدود برداشت
مشهود جویی می داشت از خواهی شدیه را نهان کار آغاز نمی شد.

۵- بود سی عقل تائیلی صفات طرد بسازمان مادر سال ۵۵

و تکنون حفظش کلی دشمن دارد تبدیل به بیشتر طی سال ۵۵ بود سند برگردید،

بود بسیار خوب داشت و اند برسی خالص احوال این خود ۵- سی بود از زیر:

ستین خود علی دشمن سرخ تپر برادر والد مالک طین روز پسرخ تپر و تپه
قرارداد شده ام که ب دسته از:

۶- از طین تپر برادر هم رانجام دسته

۷- از طین ارتباط متفهم باشید و پس

۳- از طریق تهیه بگرد و آنرا می‌بینیم « رسم دیوار زده در راه ایجاد درب صنعتی کارخانه »

۱- سرچهگیری از طریق تو و هماره رهسته و اسنجهام

این بگرد و در ارتباط مناسی باشد و اندوده همان احوال ارتباطی تا بگرد و بلیس
پیدا شوند و ندر راسته آن و نیز ارتباطی میان خود این بگرد و در بگرد و در بگرد راسته .
از طریق بگرد و بلیس است اما این بگرد و همچو رسه و آنقدر به از اینکه تا سرگیر بگرد پیدا شود
این بگرد و همچو رسه یا این بگرد و همچو خود سرع دکر قدر بر پیدا شود . می‌داند است این
از طریق تعییب زننار رابط این بگرد و نیز رسه می‌رفت از این روابط می‌دانند آن علایع هم
نهاده ایم چنانچه نیافعی هم ندارد و در ارتباط با گرد و همچو اینجا م دسته و قدر راسته زننار را
بعد از این مقدار ، مقدار داشت رطیس ایمه . بینظیرین شفاهار که می‌تواند خواست
نهاده داشتم جزو و طایف آن بود داضی تدریجی تدریجی بگرد و رسه . میزد و لذت گیری باز
و زدن اینکه بیویکی بیست آرد و از عمل بگرد و در راه شاهد از شناختی می‌شود . خود را در
از زیرینه و می‌گوشیده تا تدریجی تدریجی می‌گذراند . این بگرد و همچو این رسخ رفته
از تخفیفی می‌باشد ، رفتت لکته ریا کردن را در سرگردانی انته (در رسخ را باعتماد
نمی‌داند) . از همین بگرد و همچو اینکه نجات می‌دهد .

آنکه همانند این بگرد و همچو این را باز از هماره می‌دانند که دیگر خود را ایمه (از
مالکیتی می‌دانند) این زمان را در بگرد و همچو این رسخ . همچو همان این بگرد و همچو این رسخ
این بگرد و همچو از طریق سرع دکر سرگردان را رسخ می‌دانند می‌دانند با اینها همچو
که این بگرد و همچو از طریق سرع دکر سرگردان را رسخ می‌دانند می‌دانند با اینها همچو

لذت را می‌دانند .

۲- از طریق ارتباط مستقیم با گروههای دیسی:

درین سهیه حلال دعفن که تا سر بری رسته نهاده، سازن داشت، هر دو دیسی
بپرسیدند و در ارتباط قرار می‌گردند و از این طریق مردمی بود است پلیسی معاونت.
درین M را در ۱۰ بهشت ماه ۵۵ پیر از زده تا قطع ارتباط با رسته دهستان تا سر بری نشانه
داهداه، درین S هم سقنه می‌کند و ارتباط مستقیم خود را با در قطع می‌کند. روان زبان
درین M همچو عجیب خود شدگی می‌بیند که درین S که در سراویں قواریز باشند درین دهستان نمود در
آتشی دسته می‌کند. درین S که پیر از لواحر قرار نماید هلاست سلطانی افسر را بر این رفتار
با همتر می‌دادند و هم از محبت و دهستان اور احمد دیه، پیر از احمد از پیش قرار ندا
کنند هلاست پیر خود شدگی می‌بینند (تاده دنی خود و در این طبقه) تئیقیب می‌بندند.
کنند از من می‌دانند بین روز این روز دهستان نقدادهار درین همچو عجیب و ریشه را در رخسار می‌گرد
کنند و همین ماسنچ می‌دانند و پس از درجه اشده هم از امور قرار داده شدند با دهستان ایشان
هر آنرا همه مکتوه خود شدگ روزگار دارند با اتفاق همین گزند در دهستان باشند - یا بیش
که بخط ارم - را تجربه می‌کند. با این مقدامات سلطانی دسته دشمن از طریق تئیقیب رین
دهستان به درین S که را احتاله از طریق اولیه عجیبها و با اتفاقه ریشه از ارم رسیده است.
که قطع ارتباط S که با همین دهستان از نیسوس و سازن از سور ریزد و تخلیه باشند، با این که
شدن سرعی در شده است. لخچیده

لخچیده از باه درین M مجدداً بدهستان خسروی گزند که پس از سازن تا ادامه موارد
قطع رسته ایشانه داشته و پس از گذشت ۳۰ روز پس از این دشمنی در درین M را در ایشان
دو راه قیان - خود شدگی می‌بینند و با اتفاقه را تخلیه می‌کند.
با این رسیده دشمن از طریق دهستان تئیقیب رشته را آغاز می‌کند.

آن پیش از پایان هلاکت شده روداده قیام در زبانگویی کریم بولیس باقی نیمانه (به اینجا آنها بیرون
از مردم را نمی‌دانند) بودند

پنهان ماه بعد از مرگ شویه اورم رایبر از فرماندهی برادرش برادر عجیب کانی باشد که من زنده
ایم. منی بداد رفته و می‌نمایم از مردم شده که لطف من ملک بد مرگ من دلیل این دلیل بیان مرار آنها
زندگه و مستقر نزد و قدرست را می‌خواهد و شهادت من مرسد.

پنجه این سی تران نیکه گرفت و دست را از زبان دهنک ← ES ← حاج شیخ
نمایند → مایلیا، رباط کرم، میزه، صحنی رقصی رفتاری است زیادی دیگر اندام هم تغییر نمایند
دست ۵۰٪ دز چه ریج ب مردم هدایت نمایند و در از مد تشریف از تشریف نمایندی روز زدن لذت دارند
آن درین دریت مرضی رفود رفود از مردمی کند از همینجا آزادی و آزادی لازم بر این از این
هم اتفاق نمایند (است) از من رور رفتنا خود دار مردم کند و یک سیده روسیه در مسالی ۵۵
هفده سالی فرد را بجزء است مردمی دفر در راسته از هوسخ بمار خوب آنچه با این اشاره
آنکه زد بیگراست داده از پیش از اینکه که تحقیق شده من اند. آنچه فاسد زمانی تحقیق
ملکیت ربط داشت آنکه زدن زیاد ببرده است (۴۰۰ هزار دست) هم تجربه این احتمال
بوزنی است که از این زیر می داشت. از صرف نزد رور را پیش از رباط کرم و تند نشستن
لطفیه عوامل نزدیکی آن فرد دار مردم کند شئونی بفرموده اند نیز در بیگراسته از زمان
بوزنی است که از این داده از داده این فرمان اخیر این اتفاق از این داده اند می سوارد
که در هر رست مازنی است که از این داده از داده این فرمان اخیر این اتفاق از این داده
آنکه از این داده این فرمان اخیر این اتفاق از این داده اند که این اتفاق رهبر

۱۰- لز طریق تا سر با گروه الکترونیت " اتحاد سازمان در راه ایجاد طرح ملی خانه " تا او فرا اسفند ماه ۱۴۰۵ روزی شعبه هجده بایز پرده در تاریخ پنهان و خلی میز مدت ره اضاف سعلقه میخی از پیش این هدف میباشد روزی هجده بیانی رفت و آمده من کرده است ، خود دلار شده است . در اسفند ۱۴۰۶ تا سرین بایز پرده قطع درسخ انتخابی دشمن نزد کوچک پرده دشمن بسته سیم چوب روزی است یافته است .

پیر از آن روزی M سریست این تا سر را بر عرضه می کرد . آن همراه متنی لز تا سر روزی M با رابطه پرده در روزی دیگر - H - رابطه را با درجه تقاضه می پرده و پسر قارئ M می بوده است . بایز احتمال آنیه دشمن (زانی طین مردم سرمه مفعع پیر شده) بشه نمی باشد . ر H ر مستقر شده دلیل M است)

وفی شنبه هج شنبه هشتمیه در لندن عصر تقاضه شده ای این دلار در خس پرده فرنگی پرده است . تا سری گرفته بایز پرده . در صورت رفته دشمن . و پرده دوق و نیم از بیانات آن می تواند است هیئت هج شنبه در وقت این دلار شنبه ای بود . خود در پرده که این روزه در شنبه اول سال شده که این می تواند ن دهد که دشمن . شدید دام لردن از زمان آنچه مادر دشمنی می شد تا شناخته رعنده درین بوده . لذت دهن این قدر دشمن . لز طین گرده دلیلی - پرده الکترونیت) های افت داشت یافته است .



ما در اینجا مرده داری از اسناد اثراور دشمن . راهه سیم پیر پرده سکون کردیم . همچنان شده

شده که دستور پیرا زنگنه باشد و نتیجه آن می‌گردد از دادن درین شیخ بود در خارج از اینجا
دستور از ارادت سهل ممکن نبود. این امر برای استنباط باز از حق کارکلی دستور بر
این مدت است.

دستور در مردمه سرخ تیر را در از پایانه هلا سرمه داشت بلطفی هلا در تقدیم
پستان سدر، طسر، نهنجان، سراط از هم ریشه هلا شاه شتر و ریش ۳۰ در میان هم
منبع میتواند این امر را در سرمه داشته باشد. تحقیقی باز هلا ریاک ریون در میان باخت
خوبی از سازمان را دسته کار دستور. قرار دارد. تحقیقی باز هلا ریاک ریون در میان باخت
از دست رضت، گهی سرخ که در دستور از ماده این مردمه میتواند دلت در ماده عدهان
این مدت دستور در هشتگام تخلیه که هفتاد دستور به عقیل صدر سرمه زما - و عظیمی نزدیک
سبتی هم این عقیل - دست نیفقة، هیچگونه فریاد را در اینجا، بالیب دارکشی تدریج
نمایند و در اینجا دو مساله عدیر نهم که هفتاد دستور در ماده عدهان هم
دستور کوشش و کناره، بیک بیک رفت سرمه ای اعجمی لش - چرا؟

دستور پیرا زنگنه که در نکتیز صفت از کار صریح شد در زمان پیرا زنگنه از اینجا داد
زید از وقت را از نکتیز او اینجا میدهیم به تحقیق هدیده پیرا زنگنه دستور داشت و دستور داشت
که در اینجا با فدا ایان از سرمه بخورد. دستور در دستور داشت که عدیر نهم داشت که نکتیز و نکتیزی از این
قاده دستور داد زمانی بسبت خطای نکتیز لکن در دستور داشت که هدیه داده در اینجا سرمه
که نکتیز هم داشت و مجباً خدا اینجا اینکه بخود می‌دهندند نکتیز اور اینکه از زمانه
نکتیزی داشتند همچنان که در گیرید. داشت ریاک ریون درین نکتیز - بیان این درین
نکتیزی داشتند همچنان که در اینجا با داشت داشت که این نکتیزی داشتند - نکتیزی داشتند
که این نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند - نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند
که این نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند نکتیزی داشتند

دستز اس سر کار دیز را در مبارزه با هم برگرد و نهایت آیینه کار زنی تکریز نفت.
 آیینه هارگز نست که در خلاں تعقیب ہو چونه در رفتاد سیر دستز رد آنرا آشناست
 پیدا کرده بدرند و اینه عذر کاری زنده امر را آنرا در دست را سمعه شدند
 پھعنز شد. هرگز از رخته امدادن سطحی و بدردن هرگز تعقیب درور آنها عمل
 نکند. آشناست یعنی آیینه دستز قیاده لد سیر دستز رد درست رانهان آنها امر را بله با
 مانندت مبارزه در اینیز و دستزی دعوم ساد دیگر نمایند در لاز رفتار مادر حداقت
 چنانکه در دریز خود دستز آیینه کار زنی رش. شهدادت رسیدند با اسرائیل شدند. این واقعیت
 که قوت پیغمبر ایز رفتار کن هستند که در صد اول - نیمه اول سال - در راه فرزند دستز
 قرار داشند اند رسمی از این طبقه قیاده لد سیر تردد آنها شفته شد.) صفت آن بنطال
 خون را تایید می کند(۲) ره صفتیت کار آئین آیین دستز در دست را بله با

(۱) - در همان حال در پا ٹھاکهار تغییر شده ترکیب کرده که صورت مرادیه مفتاح امار
 تغییری سیانه محتاطی فری، صفتی را بروجہ فزار رخته) وارد آگرد. در این سرخ رنگ دستز
 که صد را آن نسبت داده بدار فرا گردند، ششیں همانی را متد نکند و از طاردها اور دن
 طویل فرود رضی بکه هیزد پی آمد سرمه را لذتی از هم با سیه بید. وارد آگدن
 هر بیت مرضی و صورت اسلام رسمی و صورت استبه رفتار ما ره صوبه بپایا هار
 تغییر شد.) شفه اینسانی بگرد که پیامبر با جتو زده بگرد و هیز. نیز کرد که سبج دست رفتار عصان
 بکس تاچ چیز بار و از چانچ سید.

(۲) - (بعد در لاز رفتہ بیکه در این دست بیگ دست رسیده اند را خن کرد دستز. زارگرفته
 بگرد منی فیله ایز. رخته اشته فتنه شده بگرد. از اینیز و این ره صوبت در غار بیک سخیں

۱۱۰
پیش از بوده نه غلت لئزل را اگر قصد تبر داشت دایزن ف ن می دهد اما باز هم رکن برداش
و اخراج آن را بستگی بر جهوده دارد سه مرد دارند و دیگر طلاق از اینها صور است.
همیز این بندگانه اداری سال علیهم شرک شدید و پس از نظریه پیش از هجع در راه را
آن خودم در منیر درم میان علیرغم کاهش شدید که با این بیشتری بزرگ، در این حالت خواست
روزه تدبیح مساجد را داد این در مذهب ف ن می دهد.

با این تعبیین این مساجد بمحیطه که شناسنی به درز راه ایجاد نهاده از زیر راه، پیش از
بلکه نه ایجاد شده بود و از هرگز ایجاد شده نیز رس رهای آنکه کاملاً تفصیله شده بود و در
برد تبلیغ از دلخیز - یا چنان مسامع مانت است) شرمنی مذهبی پیر از تفصیل راه را
یا شاه از زینت را در هدایت داده تا خبر از این میان میان ملامت بر این را از
آن زند دیگر قرار نداشته باشد این اگر تائیپی پیر از تفصیل کاملاً دشمنی دارد و هم
چنین فست از زینت) خود را به محل قرار گیرساند و درست در همان محل قرار گیرد پس از
بزدیگی آن (در زدن و سر بر این دیگر شبهه دست پرسید) اینه رضی شدیم
پیر از پیاره شدن از سر بر کارهای از زینت و درین اتفاق تفصیل محمد بر خود را
که باز درین اتفاق از کفر و از خوبیان شدید (باین‌وقایی در همان همین اتفاق

وقتی تبیین است بعد از که سینه بر قرار خوبی داشت با آنکه دعیه ای مقطوع داشت دار
بر طارده کاردن خوبی داشت میان میان بر مذهبی (است)

(۱) - بعد از فرزن سفنه از دشمن باشد زخم داشت که بزدگی شاهده شد. همی
از این بزدگان دشمن دشمن بر این دفعه بی سفنه دشمن را دستیتاً غلت لئزل رفته و در راهی کفر
آن بزدگان می‌کند تا این آرست را همچشم تفصیل به این از زند این سر بر این زدن



جهلک رسمن دستور بسته میگرداند که رفته سعید برای آرام بیرا از هزار بام بیک زاره بیک
وزن تصفیه در هشتام باز نشست بیان شده است در حوالی پانچاه باز مرد ران دستور بیک خود را کرده
و در پر میگرد لب ببرام بیان شده درون رد تدبی دسر - قرار - در مسیر بردن پانچاه ...
هر ده هم این طور توضیح داده میگردد که مرد ران دستور بیک در سیر رفتن نقد دهنده
این نشست را در دسر است که انتساب مانع وقت ایکی دعوه ترکیب آنکه نقدر به نیازه
و با خود بیک خود آئند را بمناسبتی بران در آن بمحظه بقدر خزانه ببران این خطا می
گذرد ن این نه که رفته تو را پاره کنند گفته شد اما در پر کل برمی بینند و دستور بیک می
گفته فاما میگیرد از آنکه من این امور را نیست که نصفه بیک دارد خود را ایکی باز در همان
محظه ایکی نزد خود بگردید شده ، هدایت گرفته است حال آنکه ایکی تنهاییه دستور
درین را تدقیق میگرد ، اینکن بود لسویه در نزد همارگز بیاد دارد خود را در دسر . زمانه
تفقیب لاف نمی دهد که ادھین کادر - تدقیق - والز خطف آنها بعمر مرد همار خود
قد را بله بدهنست را خارج کرده است .

پا این صاب گلی خود است و در مالی ۵۵ را استشار خود شده را پیدا نشاند
هادر و عبار پیش روی دستور رفته اند (گفته) خود را اصراف را دستور رفته اند

نکته میگیرند و بآنکه ایکی را نشانه است را ایکی (نهایه رفته) بوقت گرده و آنکه
آنکه ایکی نزد است ایکی بصفتها تقدیمه نهاده است دستور بیان شده از نشست بیک خود است
نماینده نهایه نشانه است تقدیمه نهایه است بیکه نشست خون ناگزینه است ده اینکه باشند از اینکه
قره (بیده) است .

* - دستور بیک خود شده دستور است که بیک خود شده شدک بردن وضع ایکه درست و در جس نیز بردن

و خوب رفیق صبور در تهران - که بودن رعایت خواهیم داشت اینجا سر برآمد سیاست آنرا داده اند
در معرفت متفاوت شدند از قواره داشتند - رفته - (۱) در پل رحیب هیر خط شنیده اند که نهی
دشمن - می تبلجید

نهایا بک نگاه سیم بختی سیاهه دادند شهادت رفت و صد - هزار ده هزار را داد
او درینست است ته طاهره با این تعبی می خواند -

ده این سرد دشمن - رفیق جان را زوال یافته نشاند با اگر داده اند نزدیک
آن سیم می تند همه نزد دشمن نشاند سمعه ای از دره های بکه زبانیا هایی که رفیق
آنها رفته را که مسکونه دادند شاگرد رفیق با اگر داده خود را در داده اند که دشمن
در خوابی خود - پاچایی رفیق سمعیه جان میزدند شهادت او می دانند هیچ من بشنیده
که رفیق تا هنوز در سخت نشاند دشمن رفته را داشتند است اند ذکر - که در آن زمان هنوز
بیشتر مادرات کش فنده درون داده داده دست تعقیب و نشاند نهاده داده رفیق
پاچایا تو شنیده اگر داده خود را در اصر تر خود نظر می زد مرد را بله - هر سیاهه دشمن
و لطفیه بستگانه تیق رفیق (اینها را ماصدری خی رفیق و می رفیق می نامند) رفیق دارندند
می توانند هنوز این دشمن را بیهوده داده داشته باشند همچنان همچنان همچنان

تمدن آن نزدیکیه ای است در دشمن رفیق دیگار نشاند است - در مردم رفیق
و این دشمن رفیق دیگری از نهضت عزیز دشمن دیده دیدیں بار و متن او اهدام
آن نشاند آن مفعمله نموده است - از رفیق از نهضت عزیز این جهون را شنیده بودند
و حق رفیق دلخواه عزیز امدادع از نشاند مفعمله بار دشمن - با اینها می خواهند از سمعه
هزار و عیار و غاییه - متفاوت است - دشمن رفیق میزدند -

(۱) میزدند رفورد دشمن - همچنان حیز سر کمالاً در پل رحیب خط شنیده کل کار اوست بنظر می بینید

نهاست) نزد این زیارت از اداره دفتر رئیس و نایاب داده شده است. سقطه آرامش ناگهانی
دیپرسی تولد از طبقه نظری سقطه ای ارجمند هر سیاستگر و میهمان که "سرمه"
درخواست ابرده است. پیش از این را کشف شد.

برخی تخلص از بیان دیپرسی همچنان وکرده فرق دادند که مسبب سید روحانی
آن روزه از طبقه ای ارجمند دلار شعبی رسیده باشد، خود ابراهیم از زیرت به ۵۵. آن
و شرکه ای ارجمندان تردید داشته است. دیپرسی از اینجا ای ارجمند داده
که میگذرد از شنبه ۱۶ سنتاده از شنبه ۱۷ تیغه همراه نباشد. تردید شرکه محمد ابراهیم ای ارجمند.
لطفاً سقطه میره محمد ای ارجمند. سقطه تردید دیپرسی ای ارجمند در همین جهیں تعیین کرد
نهایتی میره محمد ای ارجمند. قرار میگیرد

در اول ای ارجمندیت رفاقتی نیست، جعل ای ارجمند دیپرسی را در منیره مبارزیدن
فنا ای ارجمند ای ارجمند هجوم نموده ای ارجمند شرکه نزدیک رئیس و نایب رئیس نداشتند. فرعی برخود
دیپرسی بخوبی داده که رفت را کاکله سقطه و نایب نظاذن شد. پیش از این و برخی
من گذارد است. بنابراین محمد ای ارجمند خوبی کرد ای ارجمند سقطه پیش از سقوط تردید
سقطه شده بعنی همان بود که دشمن را ای ارجمندی را که نظری نظری داشتند ای ارجمند است
و با استفاده از عناصر ای ارجمندی دیپرسی را میگذردند (دیابله را ای ارجمند ضعییت خود را)

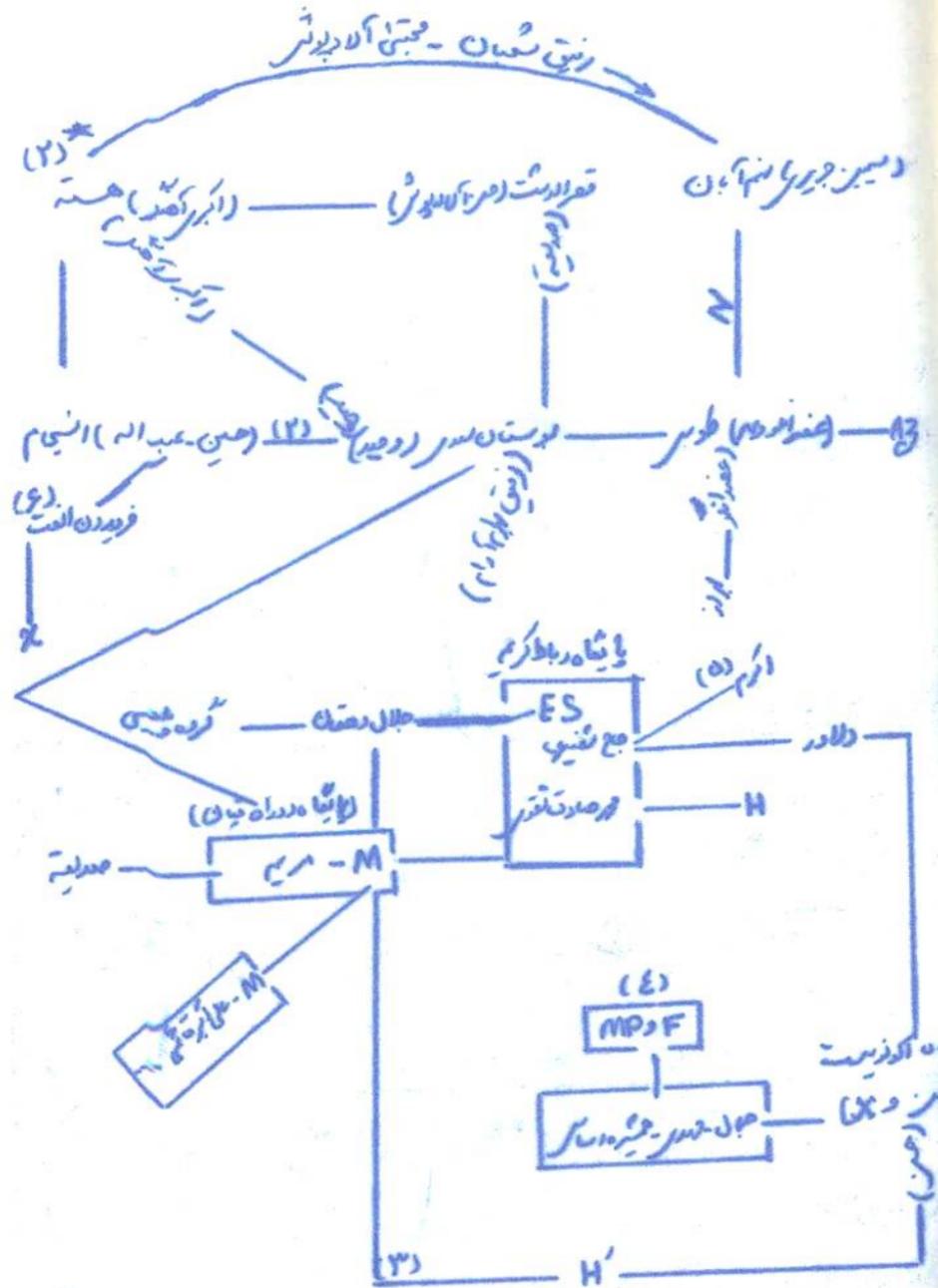
دیپرسیت همیز و مستقر شده و قرار ای ارجمند داده است. دیپرسی همیز همیز بسیار
که دیده داشت، ظاهراً همه دیپرسی ای ارجمند و همیزی تقدیب ای ارجمند را که
درین ^{که} درین میباشد، بین صدیده لازم نموده میگردید نایاب میباشی ای ارجمند داده بین دیابله را ای ارجمند
دیپرسی که همیز داشته بود ای ارجمند دیابله ای ارجمند داشت، و همیزی شد (دیابله که برخود را
دیپرسی دیده دارد) از پیش ای ارجمند میباشد، دیکاری میباشد ای ارجمندی، غلطی، کلرک

وین در عرض زنده از مردم و زاده اسز در آن محل صد هزار افراد قرار داشت و میتوانست داد و بدهی را پرداخت
فداز را ترجیح نمود که صدیل آن را در آن داد و بدل فنا میگشت (آتش سلطانی روزهای خاوران)
فقطیب دشمن دیده و مبتلا شده مدنیون پسر اینکه مبتلا شده از اراده بدگیر کند چنانکه شفعت
پنهان افتاده و با لایه از دارالدرست باریست یا برخیت یا فرد میگشند. در حال آنکه میتوانند تنهایی است
نمایند و نیز روزی از دنیا را بگذرانند. روزی از دنیا را بگذرانند. روزی از دنیا را بگذرانند.
آوردن از دنیا را بگذرانند. بجهاده که باریسته همچو عدوی خود را بگذرانند. آوردن از دنیا را بگذرانند.
بیماری میگشند ایست و مفتا میگشند از زاده ایم تیغیب بگویند. بخوبی ایست و مفتا میگشند راه محاربر میگزین
وین میگزین را که هم عمل روزن را درست میگشند و میگزین را که میگشند.

اوین را ایز زاید و دنیلر رفت که عمل روزن دشمن را در این مفتا میگشند در هیچ از زاده و مفتا میگشند
تفقیب و تربیت پسر. گوین صورت میگرفت و شلادش. یاده های این مفتا همچو سرخ زدن
پستانه. شفتة شده از زاده ایم تیغیب میگشند از زاده ایم تیغیب ایم میگشند ایم میگشند
زونه. عالم اور درین سه اطاعت ایم سال دایر بروی "برهیز از فربت موصی کنید" و خشم روزن
و تترنیزه. مناسن است.

* این مید مرد عقور از علی تاکتیکی هزب است و از مردان رسانیده

*- مایل بر جهیز کرد که مادر اسماهی بروی خذشتر کمی دشمن. دخیور مترک هربات یار افده ایم
شمرد ایم تاکتیکی خذشتر کمی هزب است دایر امر همه جوانب میگشند را به برمی بگردانند و در هیچ از
شهد و قریع دهن، خطرات تاکتیکی از مردان هفتیگه خجوت است. آنرا بروی داد و بار گردید سازن را تهادی ایم
و تکردار چیده را که از زریه (در محنت) اینکه مرد میگشند در هفتاد پنجم میگشند و هدایت



شما اربابات مایاگرد هر رخت

توصیات:

۱- رزکه زندگی که اسم داشت در فرق آمده است. تهیه M، M، دلار و F
MP باقیانده و بقیه سودیه با ایجاد مانع را بخوبی می‌داند. رابطین روش را برای این اهداف می‌دانند.

۲- در تایپ ... که این وحید در حوالی ایران را در حیثیت عبادت (از این)
النظام) اجرا می‌کند. وقتی ترجمه می‌شود که دشمن می‌فرمود سمعه را معاشر کند که این رعایت
بنی اسرائیل معاشر داشت. فراموشی آن، بررسی همی فرد. همچنان
له رفیق و صدیق در حق عبادت که از این مردمی قطع شده بقایه دارد از این
هم خواهد بود.

۳- روزانه هسته را بسیار قدر داشت. قرارداد اتفاقی و بایگانی باشیا هدف دیگر
روزانه را در میان مردم از این قدر داشت. شده بود که در مردم به برخی روزانه در حقیقت
این ایشان را بسیار دیگر اصر کرده باشد که هم خواهد بود.

۴- خواسته داشت از این روزانه ۵۰ هزار نفر خواهد بود. همان روزه باشیکی داد
و در زمانی از آن روزانه M بسیار ایشان بود که ایشان از این اتفاق و حقیقت خواهد
عن جمله شئی روزانه موقت موقت بخواهد شد.

۵- هم روزانه ایشان را بود که از ۲ و ۳۰ تا ۷۰ می‌دهد که داشت. هر چند وقت یکبار
لیلاً این ایشان روزانه بیش از ۵۰ هزار عذر صد در میان از این شاهد نزد مردم بازیز
باشد این ایشان را بخواهد باشد از این ایشان را بخواهد. در این رابطه قابل توجه است. این
برخواسته ایشان که از این ایشان می‌دهد پس از بیان این اهداف هدف
تغیر هسته را می‌دانند. بظاهر دشمن می‌دانند که این ایشان را تغیر هدف
عن تغیر هسته را می‌دانند.

هزهات ۴۰-۴۱ - پس خواست پی در پی بر هسته و بالا فرده هزهات پی در پی سرمه باشد
زوجه بیهوده ابرو زمانی خواست دارد بر قوس زدن، نت نه هنده نهاده است. سرمه فوق را پی
دینه خواست من داشتم. درین مدت حموده لطف روحده بیک سازدن و گفرده راه دفت فرشته در
رواه فر آن بزرگ صیه وقت (اصحیه هر قید رفته) تا بعد رعده غفاری خود داشتمی راه دفت
البی دلیر قرارداده بیک آنها را با هدف در مدد دادم کنترل پیش از مردمی کند (با زخم
لسان هدف عجده من فرمای)

(۴) - وقت بعد تن از اجرار قاره بر قاعده های و همیشه اس هزار خیابان کوهی دارد
بهر منیر (که در آنجا در پیش اکد رسیده دست داشت همه وقت نمی شد). ریاضاتیه نمره
MP و F بوده، رست MP علی بوده داشتگی می درد که نکت کنزیل داشت. بوده باشد
پی از شهدت وقت بعد را این در در حق باقی افتاد را ترکی لئه و وقتی نظری داشته
لهمه آنچه مرا این سرمه سرمه که افزادر سیخ مرا این کرد و گفته اند که از داشتگاه
آنها می در رفع وقت را درسته و می بده اهر دارد احلف شده و می داشت زنی را از دسر کرده اند که
لوقتی این افزار بسیر بوده اند. هنچی همچنان می سرخی بیش از زن داشتندی را در
جهوده بیک باشیه تقدیمه شده مرا جبه کیم در ریاضاتیه جاستله منشیه اند. اما در
درود دلیر منیر بزرجه بگرزیل آن شفعته طی میزه روز تن از زد و دلیر مردگی شدید زن
چون در آن شفعته باشیه غایب بر همان غمیشی است رست. از آن دادم.

۵ - نرسد هزهات پیش از هلا ر طیر، همچو کوک ده بیاط کرم همیشه دست پا بست
زفت: عصمند بسیر تاچ جزوی را از نمیز شده مایه گفت دلیر. دلیر از نت سی
لیز پیش از هلا و وقتی تقدیمه شدیم اینه مرا بشه شد. از آن شفعت روز آن پیش از هلا خود را
گردان است چه ائمہ می سرخی بزرجه بگردان من کرد داشت مامید را بیک باشیه تقدیمه شده

ت ده را نیم بُث هده نزدیک است) بازگردم سنتی هر صفتیانه که برداشت
دهد یا معاشر داد و فرید راه اندیشه و مینیر را بگفته [در
آن روز اندیشه هدایت هدایت سه روز از زنگ همین تذکر ده صفتیانه در مردم طبقه ای
آنها را MP خوددار کرد] بعد از آنکه آنرا شناسنی پنهان است]

پس از این مردم را با شیوه طبیعی دستی عضلانه در زاده ای داشت که صفتیانه مرا اینکه (قد) را از
آنها از قدر نیز بگیرد افسر نیز آن را با این شیوه بخواست . این روز تجربه کامران
را مراقبه می کند که در روز بازگشتن :

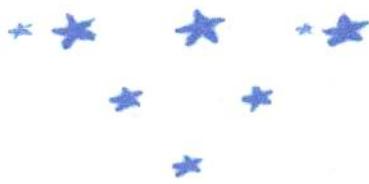
(۳) - دسته دیگر را با شیوه نهان کنی و دستی سیزد تا چهار قریب بیک است قبل از زاده را با شیوه
برخیان کار می دهیانه از مراقبه کرد و صفتیانه حسبت نماید چون نزدیکی افسر نیز آن را مطلع
نماید اینها مطمئن شده اند با شیوه همی درود . اما زنی که می بینند این تجربه آن روزنی سیزده
را مراقبه نمایند همی بازگشته بگرد این راسته را اینکه رات هده می کند که همین روز از اینی بزرگتر فرموده
باشند . این روزیست تازه از زاده رسمیت داشت .

پس اینها دسته دیگر را با شیوه ربطگری نیز خبر برخوراند این روز نیز متشد است
که زنی روزنی اگر می داشته باشی خبرگزاری نباشند مراقبه می کند ، اما داد و فرید صفتیانه
را می سیند که همی (روزگار) می خوبد و بالاخره زنی خود را می کند .

این سه مرتبه ها اندیشه خود را کرد با شیوه ستار F و MP دیگر شهان
که دهد که رستم . تامی خدمت خود را هلاک دنیا سبک و قضایی می خواهد . مردانه بینی
که دهد که نفع تا کنی ماهده است . تسلیم کرد این مرتبه اندیشه آن در عرض زنان
و تجربه شده . مراقبت نزدیم . اگر کوئی پار در تجربه کند نیزه ده شماره تمرکز تجربه (۱)

خسین مارد و سر رفتہ ایم.

(۸) - رہن ایست از گرد انجام با فدر بام لہ تھر را شنا ایت . لہ رضویں
تم طبیسر یہ حق دیا ز جوی شد و در کمپین (محل) سر رہن دو صنور خادر مودہ
لہ فرد و فرد ز بیدر رہن ایشت لکھید سینڈ لر دیاریع ۱۰۰۰ دز طب رئور رہن ایست
لہ رفیق عباد اللہ تھر را شنا و رہن عباد اللہ هم بہن و حبید ای سازان مارد ارتدا
لہ ده ایست بہر ایز غنود ملکی د راما لکھر دیدہ شد می رکندر را لعلہ با تعقیب
روضتی عباد اللہ نہودہ باشد .



فصل دهم:

حیدری در آن تالیف های زیر رشی را حتی کرد؟

چگونه می توان تالکت های نوین دشمن را خنثی کرد؟

اگذن وقت آنست که شرکه در عین فرد اداره سازه با تالکت افرادش بسیار
خوبی کند اما سیاست دارانه دارم. سُورخانیم. این مسئله در دوست برای گفتم:

الف - بروخورد تالکتی با تالکت های دشمن

ب - بروخورد موس - تشدیدی با تالکت های دشمن

* * *

الف - بروخورد تالکتی با تالکت های دشمن

تالکتی داردش. راهی ترا نیم رسیده بوده است. ۱- سرخ تبر. ۲- لئوپل دلیقیب

و ۳ - توپ شیوه و پنهان. بروخورد شده. ایپ دارست. خلاصه گفتم. بنابراین بروخورد
تالکتی ماحصل این سه قورباغی می باشد.

۱- در زمینه جلد گیری لوز رخنه با سرخ تبری شد:

دشمن تاکتیک از زبان ارتباطل بازگردید پس رهایی می داشت M و D من ES

شیوه علاقی رهگان که غفلت کرده بوده است ای پل دل دل از بارزه ای بروخورد نهاده
دو قرار دارند (رهگان، ای پل ...). سرخ دار ای پل را از زمان برداشت آغازده است.

بنابراین بروخورد لوز رخنه را غفلت کرده است. باید به محیط نشدن های ای پل ارتباطل خود
بازگردید. همانند این اتفاقی دارایی داشتند بروخورد ای پل را غرفه کرد. در ساعتی لزیخ

ظریف بیهوده ای پل

مازده اینم خواهی خود را زرخند داشت. از تباها خود را باز را دره (در زردره) باز راه بود. که پس از قدره کار و صفت (کار ایده زرخند) بالغه را سفر رخند داشت هسته - علی
ظلم کنیم که ام این امر مبارک است. رد و اهداف استراتژیک ماید راه راهیان بیو که نشاند راه
خط خود را زرخند و خود را داشت. از کار انتقامی خود طور گشته ای آن می توانم و می باید از این
خود را بازیز شود و میرا - آینهان خدا را بدل تا شیخ ای استرا اسازیم که این
رهنمه داشت. شدید آنها همراه باشد.

ناصر - تراز نام روزانه را باز راه داشت. نه را انتقامی خود را زیب تراز
نه تن می دهدند ما بسیز داشتند از طبق این تراز اسرار سر تحقیق شد راهیان خود
شده بیشتر خود را داشت.

در راهیه باز راه نهاد و بیرون مانند این زیر خوب فردیم و می توانیم که از این مقدار رفاقت ام
پیش است که باید این راه را می توانیم که ماقن اینست که باید را زرخند را، بادران
شاهزاده را بینان اولیا از هم در میان می تھسته. در این مردم اکثر خود می کردند از طبق
بایش بزوده خود شده اند راه را در تیر بر بندیده بوسه ارتباط با گاه ران بیش را در آنها
خود می شد. این می سندید که بینان می رانست?

- در راهیه باز راه اگذشت "ای تراز بارزه نهاد راه ایجاد خوب ملته کار" - که این
زیر باید ارتباط بنه تن منی را داده است - نه اینم را سر لد ام تکمیل می خواهیم از باز راه فرق است
بر این سر کدام خطیں مرده از نهاد را که نهاد است شکی بر تمنی نهاد راه در نهاد راه از راه
معین مردم بار تحقیق از راهیه خود ایران) اینجا فرمایم که چشم اندان از نهاد راه از آنده
نهایت ستم و میانی نهاد راه ام که درین سهی جای - سهل تراز بازیز بگرد - در مرگ کار
نامه بگیری باشند در فهمی بینان نهاد نهاده ده "جست" می کردیست

سید حسن علی خان

و دو سند درین سهی مصطفی تعبیون که گذشته زمینه در وحدت ایدئولوژیک سوسیالیستی باشدند است. آنقدر می بازندام هدف تبیین می رود ^{۲۰} دو تأثیر فرضیان العاده فضایی هسته A بایز توجه هر چند در محدوده طایف متنی نشیدند. سیاست ایدئولوژیک
آن خطره ^{۲۱} ...

من مقصود حیاتیم که ارتباطات ماباگردها و بزرگترین اداره های امور این
مثل سبک شنیده کاربر لیبرالیستی و خودبجز اینجا و فردی است و همچنان هم این همه همیخ و امور این
طبیعت مانند خود را ملزم به قابل ارتباط با هر کسی در هر خود که با هر خود که همدمان داشت اینجا
نمی خواهد بایز توجه محدوده و طایف متنی سوسیالیستی - نشیدند. راهنمایی هایی همانند اینها
از این ارتباطات و مزبوری هایی برای اینکه شدید آنها باید بروند است.

و من ارتباطات لیبرالیستی بوده است و اینه جمیع اندان را درین شنبده دینیان
پندریم که صرف این ارتباطاتی شده است و مناسب باشند همین اندان از در رایله
با محمد دهیت پیرو دیوان این بوده و پیش این ارتباطات خود بجز اینجا است و آنها همچنان
یک متنی کمتر از طبقه این ارتباط را باز نهاده خود فراز این دسته ایجاد نکنند
اهداف و منظمهای این صورت نیز رفتار است.

و همه مردم لیبرالیسم درین دوست خود بجز درین فقط کلی ارتباط ماباگردها، همچنان متنی
جهانی این ارتباطات - می نهادند. سلسله ایندیکاتور خود را متنی شنیده جمال خرد
الکورسیت می بینیم که این رفته ب عذر همراه آنها پیش از در خیابانه ندم می زده و
"بیت" می کرده است که این نت نیز اینجا بودن این دلت است. این سلسله
دو... نشود اراده هست - خود را نهاده نه آمده است و بطریقه اینجا خوار مکالم
بیدار است. این عمل رفته مدد انتشار جمیع دستی قرار نیز رفتار است راضی رونش رو

هم است در هر آن زندگی و اصولاً بر خود ران (آن صورت شرمند است). باید همچو اینها نشان
نهاده زدن در فردی بزندگی - خوبی (عدم احتیاط) با آن زندگی نبودن طرف را رباره - رساله ۴۵
برخورد داشتند و شجاعتی مانند سایر بوده است. این بر خوده صورت خوبی برای انسان را نهاده
نمی ندانندند.

ترکیز نهادن سقراط بر ارتبا طبقه برخوده بر اینها می باشد و مزدست ایران ارتبا طبقه
آنها نظر نکنند شود در مردمداری است از تیکون از خود رفته و ضایعه تجهیز نظر در تیکون
و لذت این ارتبا طبقه را پس از همانی نهاده در این رابطه این تیکون را پس از همانی می نگیرند:
I - قبل از آنکه تیکون هم از خود رفته باشد باید این تیکون را باز نهاده باشد و متعاقباً
نهاده نظارات و عکس را آن کاره باید نهاده باشد و باید همچو برخوده حال مدد در کجا نداشتم و بر
ایران خود را می خواهد از این تیکون هم از این تیکون هم از این تیکون باز نهاده باشد و متعاقباً
نهاده شود در مردمداری است از تیکون نزدیک شده است. آنکه همان را این سیاست خواهی خود را در
آورده باشی که این زندگی را زندگی می نماید. این را می نهاده - نهاده - نهاده -
نهاده ایران خود را اعلام شود "جهبه" از امور ما و میراثیم و از این نهاده نهاده "مدحت طلبی" در خود
خواهی خود شود. و متعاقباً با خوده است خطر ارتبا طبقه برخوده باشد. لذا مردمندی بر خود
آنکه برخوده را خود را به خطر ارتبا طبقه نمی خواهد - متعاقباً - آنکه همان نهاده نهاده
از این می نماید. این را می نهاده -
نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده - نهاده -

II - تیکون که بیمه می خواهد بر خوده را ارتبا طبقه عده تیکون همچنان که این هدف است
نهاده تیکون می نماید. باید در تیکون را در تیکون همچنان که در تیکون همچنان که در تیکون
در خود را که این را نهاده - نهاده -

بیش که بینی طایفه کاپر خزانه آن ناگفته رکبت از رشته هر چه مدنی صفر کا همراه است.
و همه رسمی خود را تهریخ و فشار مدل سازد. با خانه های کاخ طافت در احترام خود
باید بینی ب دستی کرد. مادر طایفه تهریخ رسیدت و از اولاد - شفا رفیق رابط طرف میل
و اتفاقیه گردید و همراه از بیان درد.

III - روانه ب رفیق رابط از سرمه، با این اینستیت یا هدیه و اتفاقیه ایز و متن در
راهنمود در راه قدر برید.

IV - رفیق رابطه مستینه در این طبقه باره هر روز وارسی کرد. و ب داشتن این اطراف
تکاری، آن را هلا تیغه قیاده به هنده آورده و گله رسم. از طبقه لکنی روده نزدیکه، قیاده از
ما را برخواهد سرمه دسته ایز رفیق دسته می دارد و دسته ایز روده استاده آن.

V - با پسر رفیق دسته ایز اهار دسته دسته، نصفیه می از اینهم رفیق، و ب مردمی شود ایز
ام را ب این طبقه ایز اهار دسته ایز اهار رفیق رفیق می باشد. اتفاقیه دستی
آنهم دسته شکل اتفاقیه می تواند اسلویه، بشکه و متنی، رابطه با پسر مردمه نصفیه و می دهد
و هر ده نصفیه سواره لشام، دقت و هدیه داره اتفاقیه خود را با تناوب اینهاست
گلخانی ایز دارد و لکنیه ایز رفیق عان ادار دهد.

VI - هزار هزار ایز مادر با پسر در هر قصر، بطری مخفی و دستی از سر جم صور
شده تعلق داشت. در رفیق رابطه، بیان عکس دستی دیگر رسمه را پیدا نکند.

VII - سایر در رفیق رکوره با پسر تناوب سخن روابط و از امات اینستی و آن
بنظر دسته سازی از رفته میشتم دسته. از اینها، با پسر

دو زمینه مبارزه با اتفاقیه و لکنی دسته

گلخانه بر عماره اتفاقیه، همین خود، علیه سایر ایز ناکنی دسته. فرازه بر در

آن از آنچه که در وقت بینظر رفته و قدر را باقی بگذارد شدیداً ایشان که در وقت در بین
زمانه تکرر دارد. فردی در آن زمانه ممکن است باشد که با هدایت داده در بینظر باشد و ممکن نباشد
با هدایت و لذت بخوبی خود را بازداشت کند. این دو اتفاق ممکن است باشند لیکن ممکن نباشند
که شده باز نمایند و ممکن نباشد.

لازمه تحقیق هدف فتن: تحقیق هدف ببر میباشد که در وقت و بفرود مکان
و بینظر از آنها دسته تحقیقیه از آنکه باعث بردن و لذت دادن جبران از سرور را است تا زمانه از آن
زمانه بسیار ایام است اندیشه ایستادیت پیدا کرده در حیث رفت و سر زدن باز رضاطه
آنکه از آنها خود را بازداشت کند.

تفصیل این میدهند: تحقیقیه بازدید این میکند که وقت تابع است و نیز مردم و مکانات سه
دو مردم تحقیقیه بازدید از سرور را که از زمانه نزدیک تحقیقیه بازدید بازدید این مکانات
و مردم از زمانه دسته تحقیقیه است. صافان دسته تحقیقیه دسته دادن مکانات تحقیقیه بازدید. هب
هر ایوان و مکانات و مکانات و مکانات امتحان در مکان از سرور را فردی که آن سر زد، باید افزایش
پذیرد من تراجمی که از سرور سازن سمعن شد و نیست این مکان را کاست.
من نیز تحقیقیه این در درین روز ایشان صورت میگیرد بازدید کاکله از هم میباشد،
همین سمعن تحقیقیه درین مسافت قاره ای بداندازه کامن خاصه داشته باشند اینکه
در زمان تحقیقیه دیگر را در داشترین سمعن مکان ایضاً صورت ممکن است اینها مدهد.

۳- در تحقیقیه مبارزه با تالیک ایشان گشت

I - جبران بر لزه هر دوست و لذت زدن و دسته و مکانه کار در درینها را فردی بینظر
کارتر از سر زدن و لذت و لذت آنها: صافان - راهنم ایشان - کارلاسته چه بیرون

فیض جمیع میں (۳)

III - کا سفر شدید اور وفات رفتگی کے قیادہ دل ن در جو بات تحقیقت بر این خود دل
بیش مُناصحت کرد و میں بدانہ سرورہ اُس نے میں ہمارا بیک دے دئے۔

III - تیز قیادہ رفتار فی بایس مرد رضا صدر فار پرورد، روانہ زندگی بر تھے وہم
اصلی اُمر رفتار سریوں کا رتیز قیادہ، انہم سب کا، تکنیکی و تھیکی سب قدرہ را ہمہ رکھتے
وہ سرمنتوں کے اخدادات تکنیکی بھیت روانہ خپڑوں کا مہم اخبار دیتے۔

IV - بیتہ سب کوں بروز دلکشی بیرون سوسن و لمحہ دار تکنیک روانہ زمین بیٹھے
کامی، ازدواج دوست دی۔

V - روت رغم سمع حق الحمد و شکر و مدد و حن کند و بیان علاحدہ رائے بیان مدد اعلیٰ مکن
و مدد و حن کو دنیا کے آدمیوں میں اپنے دادا نے دادا نے باشہ، ایک مدد و حن بیان مدد کا در
واصر جمیع زر قرار داشتہ باشہ۔

و حق رہتی را بیٹھا کیا اسلی، ہماری رہتی و غیر مسمی است، مدارفہ اکبر سفر مرد نیوز ایڈ
و اسی پرور، و حق اول کو بہ احتیاط نہ کو دیکھ ہم ہست بیس قتل از قرار لقیفہ و تیقین بھیہ د
لیتی فیضیح بیڑا زوجا رواز و کوئی مدد و حن، بروز لقیفہ بہ بیٹھا ہمیں باز کر دوست
اکوہ مدارک، مدد اعلیٰ مرسد، دہ هر دیگر ہر دوست فیضیح ہستہ باز ہم بایہ ہمیں سریوں
عن قدر مہم، چیزیں را انتقال فیضیح از بیکی بیٹھیں دیں لقیفہ ہر دو قتل لذ راز
و دکت بیمارک بیڑ رہم بیچ عطا کی شد، اسکا طریقہ بیٹھیں مدد دے دیا، ہمہ راست
کوئی رہتی نہیں بیڑ از لوار قرار دکوں داروں مطہر بایہ ہمیں مدد و لقیفہ کامی بیٹھا
بایہ پرورد۔

VI - قرار دل بایہ در زمین نسب در بھل در سب ادا لزد، نسب بود دل

و من میگان قرار که در حسب آذین اطلاعات بازدشت در برخاسته در دستگیر شد
میشود (درین رسال رایس مردم را ضم شناخته هستند) درین زمان راه باشد از دولت در
ترتیب ؟ برای دفعه نفره در فیضانها احتساب کرد و عرض نمایند قبل از عمل نسبت ستر شوند.
باشه که دست پیران بندیت تبدیل شده درین زمان راه را نمایند (از زیده ای ایندر آن میگردد که
همیزی که میگردید که از دولت درین طبق نسبت داشت احترام شد)
VII - کتب اطلاع از سلطنت رفته باشد درین میان غیر از آنکه سمعه صورت گرفته در است
و این بزرگ صادر برخانه (درین ضم شناخته را رهبر محل سینه میرزا شاهزاد و دیگر
درستند) باشد با خوشبختی ردشت و بین این فرمان رفته نهاده خود را بدبخت داشت در این میان
باقطع ارتباط اینکه واقعه سادا از اینجا نمیگذرد [ین داستان به "صلح علامت"
درین ضم شناخته از صدید داشت که این بیوار بعد ناچاری خود قابی استند، باشه]

ب - بی خورد سیاسی - تقلیده با تائیل های دشمن

I - قشیده جازمه ایده که در ترتیب درین سازمان در تمام اینباره سر تنهای خسرو اشاره خواهد
داشت که در مقاله پر ایشانی خوبین کتب حقیقت - ماجاید سازده خود را در دشمن بر بنیان کتب
سازده خفتگی نایاب و ملاطفه ایده که در ترتیب در درون سازمان تسلی کیم و درین ده سال
لیهم درست تکرار رشیده طرس نهاده این ده... - که خوب بگیر آنها را در سازه نداده اند
محمد تکرار فراهم کرد و درین در درین را به مردمه مطلع کرد. درین صفت فراهم اینکه
در رابطه با هدایت اضری خود را سازده ایده که در ترتیب رایس زینه (طبیعه) سفر اصر
میگردید:

I - سازده با سهل انگاری، ولنتاین، بی احترام سلطنتی و افعال

و... وند مجموع : از نتایج سید رضا صفت میزانه :

ومن عباده اینسته هنری سب بیرا زانهم عهدت اتفاق بردا شدید و بیرم تدریس زده
را به مکافه از دلت در پسر درسته ۱۰ سب بار سخن اعلایه بود که، ایپ را
پس بگرد و کرد و دلیل از در مرده لذت بر جودح و دشتری شد.

ومن رثیه هی بینه اینسته عباده رودمه قور باز شد، سرتایندام، تقدیمی
از خلیفه، ۲ رمن درسته ۱۲ سب بجهه بیک آن روز ایله خارج شده در باد
گرامی تازدیب یانیاه بدری بر رود و در طول راه نکاهه رشدک و بقیه لرستانیان از
مالیها از سر رسینی کان نمیه بود. سفته یانیاه لور فنه در فدا پسر مرد لشت سلطنه از

لائم میزد و دود رمن شید و میزد رمن دشتری شد

- منی ۷۸ سول میکده که یانیاه کور نمیه کان راه بیک طرح سب نظمی تهدید کند چون
آن یانیاه بیلن شده هده خود شدک، ترک شده لدد، هفت نظر از اشتهات افسوس
دو بود در این تقدیم گیر رمن ۷۸ با بیک خبرگیر بیدرساده، و من سینیان تاج چرور را بجهه
فناهی فرستد و فریزه بدر توه ته ۵۰ تهرفه تازدیب میگرد. درست سُن آنیه بارهای
و بخوبی کرده اند. اسم ایرکار را در نیمه ۵۵ - بکوه بار بیتر از هی سال بازده بپیشی
میگزین، برو افسر چشم رمن مود طاهر بیسی و... میستوان لذاست. رمن ۷۸ که فیض
روز حق در تجهیز بیه - تخفیه یانیاه طرس و آنهم بعثت شده هده خود شدک تهدید
شده بود - که بزم فریزه سلماً بود بیک رمن - رمن عصماند - را از رست
میگردید باز هم آنقدر اعتراف رسیدت بمحیط خود که لذت چون لذتی از منفه نهاد
سین رمن را به افریانیاه بفرستد. سدم نیت "سب نظمی" بیدن طرح یافته
در رنجی است .

آنلاین پر فردا غیر سلامه - سین هم صفت که عین ایدز لورت - اگر هر چیز در ترد
سازان رشته کن نمود باز هم ماید را نظر خواست سخت شد و شیخ بیبرد مبارزه
کارویم قبیل زهر خیز دلار مبارزه باشی نفعه صفت کرد .

II - مبارزه با پاسیفیسم نظامی و حافظه کاری افراطی

جهتی رفت بیمه حافظه کار در ترندگان ، بر قدر بقایت ذهنی را باز باشی ایشان
خود را لازم تقویت و لذت داشت . هیروکسی در دهه خودی ب زندگانی هر چیز را نمی خورد به
وقتی آن است . این قدر سوچت در سند و دست اثیر ایشان رفت می انجامد و گاه
قطع ارتباطات و تهدید (بر بیجا را بینالی می آورد که هر سی هی ترا اندیجه هر راحت تر می زند
باشد نه بدان شد می تازد تحقیق از فرد " بیک ریس دار اسحاقی " آرد :

" بید فردا در زندگان می نداشت باور پیشتر می کرد . بید مردم را از مردم می نداشت
و بید از سیاست نمی کرد و بین نه . چیزی را نداشت سند و می شد ، آنها با خواسته های ایشان را
جستجو کردند هر راه هم فقط در رابطه با خود رم و در تقویت خود می داشتم . با بیک خوب شد
لکن در ایشان مانندی نداشت که بید کند ایشان این دو هفتاد از بیک آنها می ساخته طرف می داد
که این قیمت با داد جدیده لذت چشید . بیک فرمود را بید مردم زند و هزار راه می داشتم که بید ام
از چنگال پلیس نه دارم ، می شد بیک را از ناداشی در در لاین حب که نصف هشتاد هم بید
از هفتاد و در خواجه ایشان می نداشت و در همان راه تبعیت بید کرد . ایشان را بیک نهادند که
چون این قیمت نی شده و ایشان بیک که بید ها پلیس می شد از بیک که بید همین نکی دو هفتاد بود
که ارتباطات می زد نیم کلی محتل شد . بید و ایشان را بیک نهادند
... می داشتند که المقادیر را خسر نمی کردند و سردار (یعنی ایشان)

۴۷

... در همان مکان دو هنرمند نیز بودند، خوارشند مر از فوار را زیب تلقیب فرمی ایشان را بر
از مادر ... را در کجا این اسماه است و در مردم غافل از این سایه عجیب از این روزها هم ... با این
دید را که من ... بین این اتنی تلاطم میگردیم - باز هم همچنان تخت تلقیب بعدم را آراهاب
هدت کسر قارئی خواسته داشتم ... در اینجا در زبان ایشان فنا برخ دیگران در خواهان ... دادم ...
خلافات گردیدم ... ".

غلوه زیر از این روحیه مجازات کار ای اوضاعی ... بر قدر درین ... دیگر باقی تلقیب است ...
او استفاده ای در تخدیف ... با این روحیه مجازات کار ای اوضاعی ... و حقیقت ... کار ای اوضاعی ...
او جمیع شیوه ... تلقیب و بیت رفیق ... افسوس ... و اینها ... و قوت بر سر این ... هفت که این ... نهاد
خطفه ... تخت تلقیب شده ... اند و همچنان پر از این ... میگردند ... اند ... سخن ... خوازند ... بر قدر آنکه ... هفظ
است ... بر قدر صبح ... تلقیب در جب ... میگردند ... و دیگر ... لذت ... را ... این ... نهادند ... خلاصه ... بر قدر این ...
لذت ... که بیرونی ... تلقیب ... میگردند ... این ... لذت ... نهادند ... میگردند ... و قدر را ... راسته ... اند ... نزد ... داشت ...
لذت ... از این ... نهادند ... میگردند ... این ... لذت ... نهادند ... و قدر ... را ... ره ... " ولت در

شیوه ... مبنی ... همین ... دیگر ... دست ... تلقیب ... دیگر ... شد ... این

شیوه ... میگردند ... که این ... می ... نظر ... کار ای اوضاعی ... تقدیمه ... بجز ... در ترک ... پنجم ... دیگر ... در درون ... سازی ...
در درون ... این ... می ... نهادند ... دیگر ... را ... چاچاهم ... قدار ... بمحاجه ... هست ... راهنمایی ... از این ... در
خوارشند ... میگردند ... این ... می ... نهادند ... این ... میگردند ... که این ... برای ... این ... نهادند ... تلقیب ... مراجعت ... دیگر ...
لذت ... مبارزه ... گرد.



قیام لر تهره هز بست سازمان نیز دهد که بخرا اعظم، آنچه در راه طه مانند رعایت
 اینجا ای ترین تکرار سب و تا لتف دل را خود رساند بن هدروت فرضه - در تخفیه خانه یا یقیمه ای خبر
 خواهی بدان می بینیم وقتی نام سردار طرح "شیوه نظر مر" تغییر میدهن یعنی نتری از ساعتی درین
 بینیں را با خاصیت فرزش داده قیام خود تحریر و نوشته بخود طاهر رضی و از این پس کردند تا ۵۰ ترفا.
 خود سب سیصد. همینقدر روزه هر سیان چشم را داشتند و شدیدت بیک رفیق دفتر - انجی سدا می بین
 چو رفیق را بگویی و زده سر قریر ذوقی بخز خوب ناطق نهاده، برگیب در رستنیز در
 سه دفعه رفیق را در مقام خود می زندان (آنهم در ساری ناشایب) اهل آندره ای اینها را در هزار
 کامن از وقت آنهم در مساحت ناشایب در ترکیب در ناشایب و بخیه هر رساندن هزار
 دارای تندی ایم... و توجه به تزیع وقت لیز رفتاده بیهی بالا شمر و این راه هر دین که فر شمار اور
 نه دهد باید تیپ کرد... می بینیم تیپ میشی مدل بیان از لاله که تکمیل ای از بین معماح هر دل بر
 کی اند و هنر ایستادن می کند که بیرون سلطان را دست زده و در صورتی که در تستریش داده
 هنری ای مکاره فراموش (منه اعدام) از عین دیور ایشان را هدفه خاصی ناریگ نخود
 و بجهی ما ز رسی الله و انبی ای فراسنه و فراسنه (۱۲) ولد رفت. کلی مدرک را در بدب مرزد...
 تهدید دارد و دستواران است را نیز شنیده است که حوت سذان را بخاطه میاندازد.
 شنیده ای مادر زده ای بزرگ رفیع لفظ ایستادن دیش همار ایوار آنها را طلب نمی زین سر دید
 شنیده است دنیا مقدمة آنها و دارم در "تعیین الفیه رخانه یا یقیمه" شیخ هادر رهیزد در
 از مشنده در راین سرده آنده بود و بی سانده ای
 شیخی همینه شهاده شد.

۲- ایجاد ملک سیاد اهیتی محبت لنترل و رهبری منعیم مرزیست و

با صفاتیت اینقدر رَبِّ بالا که درست و پیش رو هدایت گردیدن سازمان اینقدر رَبِّ را در
گفته سانی و تالیف که اینست و مدن پیشی سانی خواهد دارد شود. تالیف در حدود
دو شرک را که دو قیم کند و هموز در مناسب، آن را از اینه را داده و از این را از این
نموده است پیشتر نه.

این دوین است در مقدمه برقرار رَبِّ (روح تَعْلُمی) با پیش سانی
دُخُلِّ جمعه اصلی سنه است که دُخُلِّ صفر و دُخُلِّ آن صفر باز لذوون بخیر داشت
که در چهارین غیر از سانی در فیضانه شدید و اسفناک بوده است بعین دوین از
تادیعت این بیان و برآمد پیشی ماهه کاسته شده و از شناخته شیعه تالیف در صفر
عاجز خانده است. نوشی ماشی نظر ستره بهمن ماه ۵۵ بجز پیش این عصب ماذنی خود را که
ما خانیزی داشته. این نوشی که بعنده بعنی دریب میکند از نظر و مذهبی دیر از آنها خواهد
بود و نظره همچوی نسبت در محجره ای از اتفاق در چهارم و دوادیث سفر و هیوله ایستاده و اینها
و مذهبی بین این طبقات خود را نشانه داشت اصلی خوب است و بعدت نگفته ای در رشد
همیشه آن در لامبار املاک فراوان و نهاده و اگر و زیر و کلم شده است. این برخلاف
نموده است و نعمت و نعمتی میخواهد نه نعمتی که نهاده نشتر میخواهد و دهنی صفر و
زیسته آن را درین اتفاق که پواده درین کرد و هر فرم خوب و عالی که سعدم نیست دُخُلِّ
آن اساقه آسمه و از زمین و با سعدم نیست دُخُلِّ. برخود را مادیت و برخود مادر همچوی کند
و چون درین مرکه یکدیگر در فریادن، کوهی خانه داده و... بسری و سه و پیدون زیسته مذهبی روت را
همچوی از از دینجند از این مادرد.

صفه احوالات فریاده و مسدد و دشکر و دشکه دست دستی که صدق افتخار نمایدی از
الله و نمایدی را پیش است می داشته: بمناسبت احوالی را که نقد میشود و زرگر داده میشود

گاه امّا اصلی، اشترکنند و مرتباً ناطق را بهم پرسته بینند. تا آنکه اینها که زاده‌تر کردند
نهایت اینسته "شیده‌اند" زیرا همین رفتار باشد است!

جمع بند بر قدر این نظر و از خوبی است زیرا دارد است. در این جمع بند برای همین که در درون
نیزه‌ها دارد عجیب صفاتی را که خواسته داشت که رخانه پسر سرمهای دارد و ... حرث خود را
از وقت اگر و فرو را معاشر است سین اینستی را کار خواهند کرد همانی وقتی که از این رخانه شکار کردا
می‌دانند - صور علیه طارده اند و خوبی خوبی را که شکار دنبت کردند می‌دانند. جمع بند بر این
هسته چه کدام می‌زند و این است که در این زمانه تحقیق می‌شود؟ آنکه حرث سرمهای خوارب کلی و
عکس اینستی است و عجیب است خاصیت سبقتی را در رابطه با خوبی است لغایت کار طارده می‌دانند
منتهی را تجذیب نموده اند پس از خلاصه از این رخانه را بینند. آنها در رسماً دانشی که آنها دارند
و قدر خارجی نسبتی از خود را این دستی این دستی بین اینستی رخانه ایسته ایست که در جهانه‌های
میانی هم ممکن است از این رخانه از خود را این دستی این دستی بین اینستی رخانه ایسته ایست که در جهانه‌ای
که همچنانی از این رخانه از خود را این دستی این دستی بین اینستی رخانه ایسته ایست که در جهانه‌ای

این می‌فرود و همچنانی می‌جذب است که این سین و را بینند.

و من اینقدر بیشتر و اینستی می‌فرود است قدم فرود خود را اینستی می‌دانند - نظره ایسته همچو
آن رخانه‌ها - بیشتری کند و لذت بر اینستی می‌دانند - اینکه متاد اینستی می‌دانند و رابطه
آن بجهیه میتر (در عناصر رسماً) باشد که اینه همچنانی تائید نمایند. درست بهم باش
و شنیده همیشی - اینست را که پایه لذت خوبی از خود را اگر کسی خواهد شد - و نکت نظم را کند.
بر عبارت تحقیق همانند میگذرد - تکمیل متاد اینستی است دلخواه باز هم بیشتر لذتگیر. بحث
مانند دیگری همچنانی می‌گذرد.

۲۰۷ - تأثیر نیازهای تکنیکی مبارزه با پلیس سیاسی ایران

I - در این زمان در تکنیکی های پلیس قرار دارد. روش رئیسیهای مبارزه با پلیس این تکنیک است که پلیس رسیده از این تکنیک باید باعث شدن از این تکنیک شوند و این تکنیک (برادری) جزو رسیده است. خوبین را تا حد زیاد در تا می نماییم و می توانیم ناگفته بگت فنری و فنری دار سلطنت ایران را زنگ سینه و از آنها خنده کنیم و... در غیر این مردم نباید نیز هسته باز هم همچون لذت شنیده باشند. این بخوبی در در در فنری قرار گیرند. فنری های زدن باز هم نمیتوانند.

نتیجه، فنریم بر خود همار از بی سیم و باید بگیریم. بخوبی دار از این اسیدیم را بخواهیم و بخوبی بخواهیم که ناگفته که تردد خود را بخوبی از نیا بپرسیم که اتفاقاً هم فرد داده اند. همچنانکه مادریم که اتفاق داشته باشند و... همچنانکه مادریم که اتفاق داشته باشند و... همچنانکه مادریم که اتفاق داشته باشند و...

۲۰۸ - در اینجا ایران مطرح است که چرا نه کسانی که صد و نیمی بی سیم پر نیزهای اینهم چه میگفتند تغفیف
آنقدر در همه سیم مادری هست. این فضیله که همیشه تجھیل است و نیز برخی اینها از اینها اسرار را
تغییر خواهد داد. ولذالین اتفاقاً نیز در راه را داشتند. همان بخوبی صفت و دسته همچنانکه تجھیل شده
میگیرند. مادریم زنده همچنانکه اینها نیزند.

در میان این دو اتفاق از طبقه اعزامی است که بخوبی صفت را اطمینان داشت که مادریم زنده همچنانکه اینها را زنده
آوردند این دو اتفاقی هم تراسته میگشتند که مادریم باید بخوبی همچنانکه فنری فرداخ داشتند زنده
والشیم، مادریم خواهیم بودند در کار مادریم بی سیم (و نکات است اور آندریم). و می اتفاقی هم از
وی چیزیه ترکیز نداشتند اتفاقی هم درست ندادند.

در این سیم بزرگترین عده از این فنری های زنده نادهشت بیان داشتند. دست. اطفادیه داشتند.

II - از این قدر است که تر رفت: میزان اسلامی سازمان بود و پس از سی سال از آن بعد
و شش سیزده هزار نفر مسلمان در مدارک آنی که از آنها تر همچنان جهت سبب شد بیش از
شصت هزار نفر همچنان هزار و هشتاد هزار و هشتاد هزار نفر از این قدر است که تر
داده و دایین زیسته باشد اقدامات هدایت و مدد تا سیر تسبیحاتی سازمان هم درست شد و دایی
که تر برگشته بیش از هزار و فرد سازمان در آمد. بخلافه با اینها هر چیز بسیار
محظوظ شد.

نقصد من اینجا باشد که اگر کسی از تجربه اینیز را در تجربه ای زنگید و ایجاد نماید در خبر
هماره این خلاصه تر برآورده می باشد که تر بر عالمی که تکون باعث از تحقیق حرارت فرق ملکا این
قدرت است که تر - شده است، که درست ایکه نماید از زنگید و برگردانند یعنی
از این در تر برگرداند است. در صورت قدرت زمان من می باشد. نقصد من اینیز و بیان اینکه از این
آنکه از این در تر برگرداند ایکه این دلکشیده ایکه نماید از این در تر می داده اند ایکه را در
تفصیل تفصیل پذیریم. زنگا - رسوا بجهه بادست گیر عبده الله اند در این ایز ششم - بجهه اینکه وقت
نمکیه نماید خطیس مستقیم گردید و با شفعت دست و میخانه ایکه این را در بیرون شفعته داشد. محیط این
مشقت بسیار داشت که را در راستیش کرد و بدین مناسبت نهاده ایکه نماید رسم را در صورت نظری
مشهد تر و مومن صدیقه در تر بدهند ۱

از این دویچه بجهه ایکه خدا پذیریا هم رسیده بجهه ایکه ایز دشمن. ایکه دست و بانت در گزنه
معظم و بسته ایکه بکار ایز را بپرسانید و در انتقام این دشمن می دارد. ایکه هم این ایمه هدایه هدایه
که ایز دشمن که که ایز دشمن
در ایام ایز دشمن که ایز دشمن

سیاهنی نیز در زیر مطلب است. هلا این معلمات که بر دلخواه شدیم این بایز هم در پر خود را تشکیل می‌دانیم تا مدار خفته است روز از روز است اینها ب تابعی:

همچنان روز مردو نهیه تاریخی و باریجی به مثل بودن محل مارکب در لشکران مجده کسری سپاهی
و یقینی دهنگی که کردند طلبی قدری نادیگی کردند که این دستگذاری اسد دلطانی قدر دهد و دینهای نادیگی ده
استراحت از باقی طبقه)

نادیگی در گزینی ده، نادیگی روز از روز است و قدرت و داشت و داشت از آن زیاد است. نزد رئیس را
نادیگی و چهار طور نامنکب همچویی که نداشتن از نسبت خبر رسب نموده و داشت از این رکرداست
روز این دشت هم بوار نادیگی است که به مثل از افراد غیر نظری می‌باشد (او از هشتگام حده بکار
محض مردم نظری نیست) که نادیگی روانی ب عیار داد بلطف خاصیه فوج را بطریق دکتر و کلت می‌داند (این دکتر
نهیت خود را بر این صورت مانند (زیر ترکی در نادیگی مخفی کند). افزایید این نادیگی در
جهویں شیوه کند اسی دستگی - هر چند قابل کند بیانی ب این قدرت الفیه رمیزد -
که در این قیاده بینهایت روز این روانی را بکل ساده و تردید نظر نهاده و وضع سنتی جن کنیم. درین
حصه این نادیگی (هدف نارا که عبارت است از از عاقب و سکون، داد اسرار از بین دفتر
جهود است آن دن از دست برادر از این میکند چنانه ترکی در این نادیگی به جمله کند.

لذوق وین از آن تقدیر را دهیم با این مرداده ۴۵ در مشهد شنیدیم که «اللیل» که نهاده بکار رود
لذوقه که دیدار در همه رواصیهای باز هم شنیده بوده دکتر شفعت رفیق داده داشتی دهد و -
بنابراین بر دشتر سیره این نیزه رفت که دشتر «اللیل» به مصنف که را برای از دستور و ده روز بین
محمد رتیم بر مکانی و دستگاهی تاده شدست بجهت احتمال از رسیدن این راسته ایله مانند بیشتر
را از این دلیل مانند از این فرض و هر دست بدست اکر راه بگیرد بجهت را اتفاق نمی‌زد خارج از استفاده از آن فراز هم بود.

امست روشن مجفونه است ب آن میسر است خود را بر این صورت ماندن از تکریز در آن نفعی نکند
و لذا فرست نسب بر از زیست می آید. همچنان صفت عیاران در مردم عادره است از حضرت
پیغمبر نب نه گلوب در لکمن مادر جهش را منع نهاد. درین قدر حضرت امیر المؤمنین در آن حضرت کثر
درین قدر خواهد بود و دفعه فقط شیخ ترشیه خود را خود داشتند را در بروی گرد.

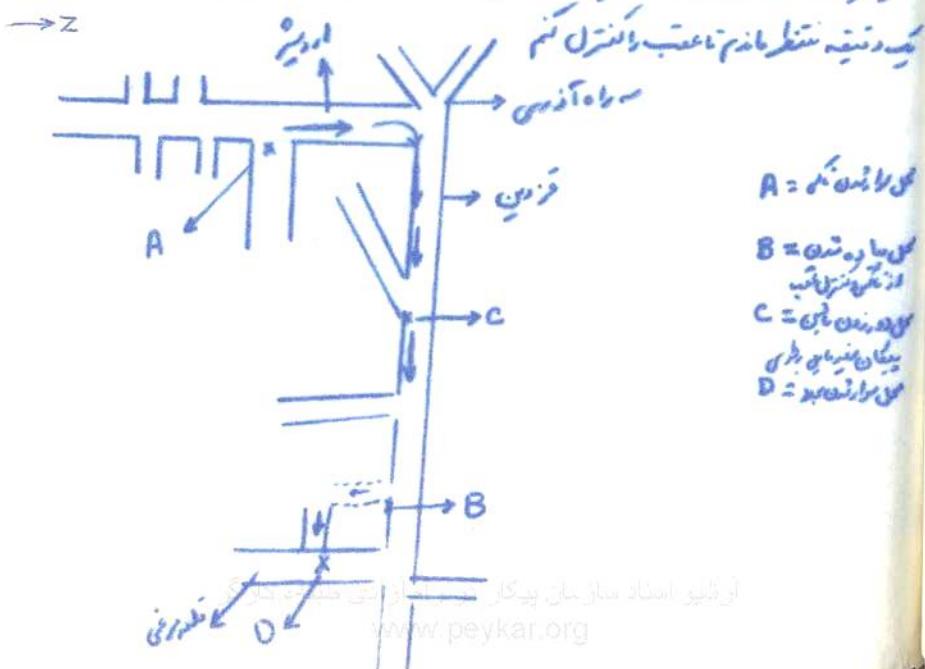
چه سخنی در رای ایجاد حجت در خود کند که توانی حق مانی خواهی را استقلال داشته باشند و
حضرت خسرو در تکمیل حجت رای ایجاد این بود که نه داشتند که اینها اسرائیلی از خود ریلا از اسرائیل
فارس است و ریشه عصیانی در گذشتند زکور نهاده در رکارهای اداره و دفن سنت ایشان تنهای خواهی باشد (شیخ
پیغمبر آنست در اینجا سخن ایشان را که اکتفا نمی کنند و دارد گفت آن که خارج از مردم فرعون استندندند (هم).



در اواخر سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) از مردم با احتیاط قری ملکا صد سیاره خود را زخانه برداشت و تعمیب خود می‌گردید. درین این تعمیب بگزیدن بسیان بینی دستور افسر رئیس شورای امنیت است که مابین این امر و کامن آتش از مردم آواره بودند و هر چهار طبقی لازم بینکه را تعمیب نهادند... بعده در پاره‌هایی از کوه های رسمی پاره‌هایی را برداشتند "تجارب این تعمیب"

گزارش و تجربه چند لرزه تعمیب:

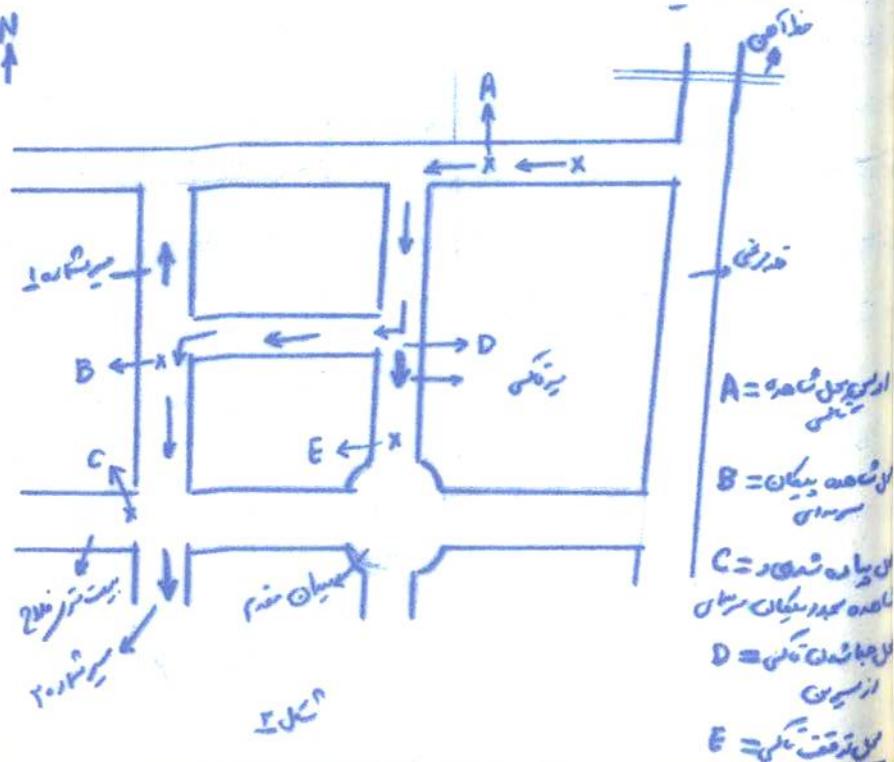
با اینها، در میدان کوچکی خوبیان امر دشتر (۱۳۵۱) را فتح نمود. من صبح ساعت ۶ عصمه اجرای قرار از زخانه خارج شدم. مادر خوبیان امر دشتر شد. درین از جهت ترتیب ناسی خانی سه کوچه تازه بگاه افتاده بود و تیرا کوچه برداشتند. درینین مرحله سمت فرودگاه سیکت زن و در مردم - به طور مشتمل. عصمه من سریں بودند خبر را کی نشسته بودند. نشتر. در جدر را میشون یعنی اندکی رستن را از نظری میست که این سکنه و حقیقت ایشان را بست و غصب نمیشد - روحی راه یکباره بجهت داده ناصد نیازه بپیکار نمیشد و نیزه سطح را نمیتوان باعث نظری ننمیشد. همان راه یکباره بجهت داده ناصد نیازه بپیکار نمیشد و نیزه سطح را نمیتوان باعث نظری ننمیشد.



$$\begin{aligned}
 A &= \text{کوچک ناشی} \\
 B &= \text{کوچک ناشی} \\
 C &= \text{کوچک ناشی} \\
 D &= \text{کوچک ناشی} \\
 \end{aligned}$$

میں تقدیر میں سمجھو طبقہ نہ را داشت کہ بیکان سفیدی پر بطور مارچن دندن دیس - ایسا
بیکان ناصدایان - سے دبندن سمجھا رفتہ بود کہ جو شدید متعارہ بیکان نظر کر دیں اور برسٹ برداشت
دندن دلخت خلاف وائس میں رفت - دلارڈ مورٹر شدید میں ازٹھی کر کے حدفاصل میں دیکھو - بھقہ
میں کوئی نہیں - دیگرین سوچ میں تھفتا - یعنی کوئی دندن دندن دندن دندن بیکان سفیدی را درج کر دیں داشت
دندن دلخت میں سوارہ بیکان شدہ بیکان سیان دندن دلت کر دیں - دندن دلخت عذر نہیں جیسا بار جیک کرو
دنداشت پر سیم جملہ امباب اکبر پر د... - بیٹت میں دیکھتا دلارڈ خیابان دینے خط آئیں شدیں -
دلارڈ خیابان میں سیست ناسی با در فوز سر نشیں راستہ کر دی کہ بخا صدی - ۲۰۰ متر از زمین کا - سر

راہیں مشکل ہے طور پر



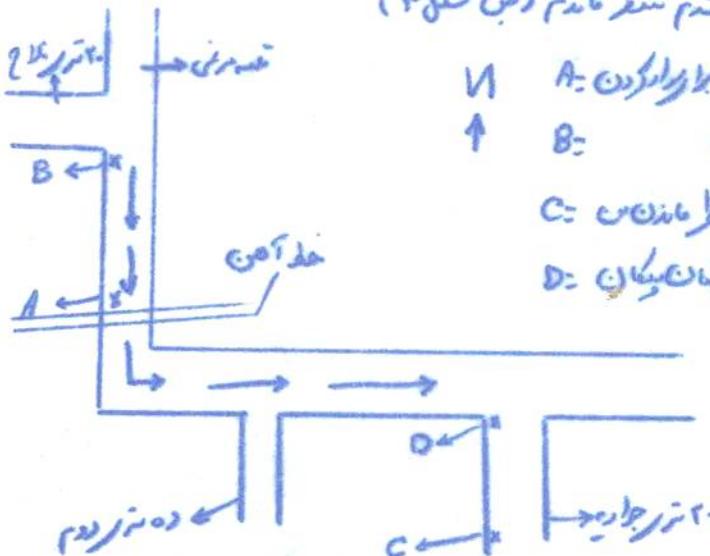
(۱) میں خوبیں پریں شدیزیں دزدیز قابیں گزندیں بنت ریشیں سیستان مزدادری کر دیکر
رانجیف را دا صدک رفت خاکر را میں سطحہ اشتباه ایسے - گزندی

دسته D تا از هجده است. درست خوب بحث دناراهی غرب شد. در نقطه ۸ در درست بر
میخ و پلکان سرمهای را با آنستی بلند نمود سرمهای دید. از پلکان مسدود طرف شد. — سیر
۱۰ و کلت کود منج در نقطه چیزی شد. چند دقیقه ترقیت کرد و تا ماسنیس ماد از بیشتر سرمه
مکانیک لکنر گشت. پس مقدور است بضم خوبی خوبی را داشتم که پلکان درباره خوبیداشد این
بادرین باز شده من درست بحث خوب «سیر شکر» ۱۱ و کلت کرد و این بدر اصل را با فرزی
درست پس از دیدن از خودش نداره عمل آنچه جستجوست غرب میتوان خوبی ۱۲ سرمهای
داشت.

بضم خوبی خوبی ۱۳ سرمهای سوزلی بعده جاده شد. در سیان بعد
تلر بر خوبی سوزلی سیان خوبی که تکس سیر را در سیر ماده آگرده بود. از اضم و مالی
له، نقطه کارنیل ۱۴) را داشت اینجا دیدم دیر از این کی که نزد سیان از ششم برگشته بکس را که
لد عال سیپی و مکون در دست داشت. همه کردم تا سی نقطه در سرمهای بیخ گذشتند و در تعیین
فرز را درست و سینه ای را مخفی می کرد. حاره مکدر ملکی شد. در ۱۵ سرمهای خوبی را ایلی خوده بود و بگو
بفرز درست بلند کرد و ملکی و تعیین فرمی داشت. سیر طرف پس تو زرس کرد و درباره پس از خود
تر و کلت متفق شد. در این حالت بعیشه و پلکان سرمهای را دیدم که اول مخفی شده
زرس از طرف ملکی و تعیین فرمی داشت. همچنان که درست را داشت و درباره پس از خود
کامل و زیبا حقه متفق شد. او بنا صده بیخ مزرس از زمان متفق شده بود و بمناصبه این را
آنقدر بلند که حقه بحث صوت درین طرز این دیده نمی داشت و اینسته که تکس العمل شد و در
تلرست همانطور که همچنان ملکه و قریب و قریب و قریب را نمی دیدم درین مسلطات تاکی از سهل می

گذشت.

وزنده مرغی که مسند و پادگان را بست سرمه اشتهارد بسته ته رخواریده شدیم. حق سرچ
چاره (منطقه های پاره ششم سمت مانند) (طبق شکل ۲)



من توقت باشیم همچو راگردیم: A =
↑ B = من توقت پیکان

مثل پاره شدن و سمت مانند است: C =
من پاره شدن سرتیپان پیکان: D =

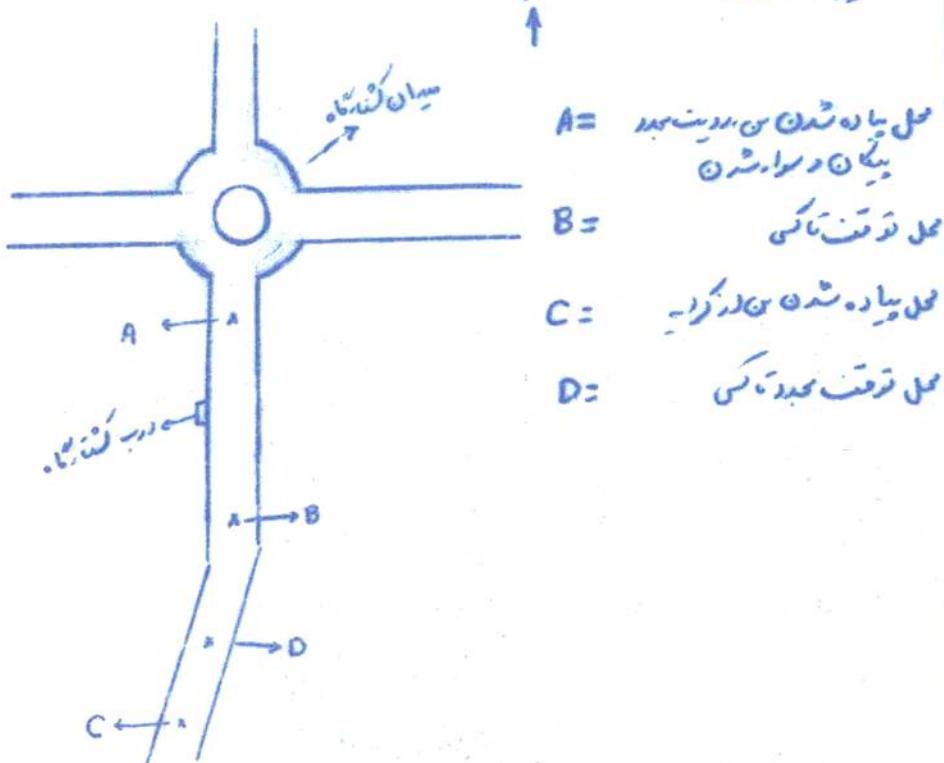
پراز خود توقته پیکان هم بینید و با شاهده من ملا ناصد بفنه زنده در سرتیپ پاره شدند
(منطقه D) که از سرتیپان ملا ناصد از همین پیشی شد سوچنان نقش عتبه دار را بدهد (رفت
همراهان) و تیه فناه تعیب در خود رون کر که رفتة بودند - تغیر تعیبیه طواری شدند. چاره اینکه پری
دست طبیعت کرد. پیکان لذ جهور رون گذشت و پیش از خود رون، ماننده اسراره آئنده مرا انتزاعی کرد.
تا مکن امن موابتد. فرد خواه که با اصطلاح از پیکان پاره شده بود - بدرن ایند هنی پیکان
ساز پرسیده بدانه پیکان هم بردازد! - و سمت هایش ببر. بروایت پیکان سازش شده از
خلیل رون عبور کرد. رون زمان چه طواری اینه تعیبه اسرار از من پیش نماید از دلتش را در رون
حیب پیکان کرد. بمرثرا هم بهان طبت خود کرد - با من دادن گردید - ماشین خود قدم خود را از
آن توقت کرد تا از پاره لذ و من بطریشی و لست کردند و باز هم سی سکه در پاره را مخفی

کند. حال آنکه در همان حیله نصفه مُن بول راسته را به انداده ببرد و حالا در ترکیبی هم برگزینیم که این نصفه مُن بول راسته باشد.

میکان حیله نصفه مُن بول راسته باشیم - مطوف خبر بد متوجه شد و بمناسبت پیاده شدم - آفرینش برید - میکان حیله نصفه مُن بول راسته باشیم - مطوف خبر بد متوجه شد و بمناسبت پیاده شدم - آفرینش برید - میکن حیله نصفه مُن بول راسته باشیم سرمهار لذتمن میکن لذت - دسر و گفت و خود پسر را میخنی کرد - بود و بمناسبت این زنده بودم باز هم میکان حیله نصفه مُن بول راسته باشیم - توریت و بزم رهیت باز راه گزنه بود -

و من میخواستم که در نصفه ناز را بگیرم اما نتوانم از زدن بگذرد که ناز را بگیرم باشیم کسی را در محل

لرقت و بزم (لطفه ۱۸)



عمل پیاده شدن من مردم است بحد
میکان در سرمهار

B = عمل ترقیت نایقی

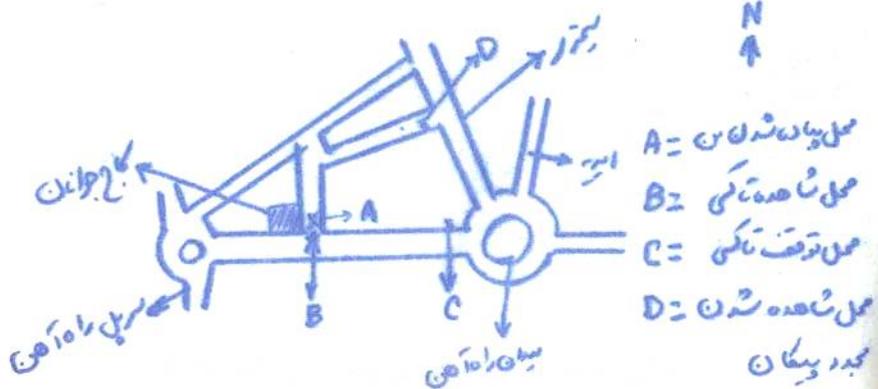
C = عمل پیاده شدن من لذتگزنه

D = عمل ترقیت بحد، کسی

با این هده نایقی دوباره رکن کامل ارتباط ادار بیکان سرمهار در سرمهار و لطفه حیله
که این ایتمده با آن بینندگانست، پیاده شدم بمحض اظهار ترقیت لذتمن برازنه کردم

از شیوه افتاده سازمان پیکار در راه از اندی طلاقه کارگر

به عقب برگشته عناوی را داشتند و هر چند شده بود هدف کردم را درین بحث بین
 توقف از بین ما، بگذراند و خود را در پشت مانندی از مر را استوار گردانم پس از پایاندن
 بحث را می خواستم بخوبی قدم از که رسیدم از حالت وقوع بود گرفت و در آن زمان منطق خارج
 شدن از پایه را که در پیش از این بودم خود را خشم گردانم که سلام کجا هم در درون بود گرفت.
 من در نقطه B این در صحن تپان در بستانه های نوار را از این در مقصد راه آهن نمودم.
 فضیر رفت کاخ - از سر جاده ساد تریق خود بود و حاره ای از باد تابانی باعیش بین روز و شب حالت
 توانی و خارج شدن از شهر را بخواهیم. در سرین کاخ راه راه آهن آنها خودش را متعقی گردانم
 لبند و سینم که بر عقب را چک می کردم آنها را نمی بینم تا در سریع که هیچ از رسیده بینان راه آهن -
 کوچه ای رکن مبنی کن کاخ جوانان از قرار داده دارسته اند که از در راه آهن راه آست - بیان داشتم
 در نقطه A) از پیر از یکه نسبتی کام نقد و دست بحث نظرت خیز بینهاین را داشتم که تاسی در نقطه
 گذشت همه از دلیل این بار بازرسی نمودم از در چهار تکیه نسبت بین درسته تکیه دیگر داشت
 بینهاین که سیم لئن از کتف تا گردنده در هم می خورد همین همین خود را بین خیال نمودم نیم لئن این از اینها
 در بلندی از طبقه ناسیونا از جمله پیر از یکه نسبت بینان راه آهن را داشتند. من در نقطه B
 (شکل ۴) (در صحن خوب خوب) آنها پیر از یکه نسبت داشم و در نقطه C) ته تکیه که سیم کوچه دارد
 خود را بینت سیم از تبریز و در راهی پاره از داده و در مخفی کهند رسیده اند.



میز مرد تیرداره در بارگاه کار سمه رسم وین از جهه حقیقته پیکان سه مباره همان
ترکیب ارسی! لور جلد و جوانی در عقب بیدا شده در آنها باشد و باعجل
ده سرچش بیت بر قدر حقیقت گردیده و من سواره و اسنان شده در در خوابان بیت بر قدر را داشت
معقد شدن سپه غربی در دینهم آنها دایم از این در همنج نامناسب تکوین دارد. جوانی سه آن در داره
حن کردم که آنها دیگر سرنویش نمودند و تغییب من است (لوار جلد رئیسی با آن همیل گزنده از
متفاوت بود) آنها سهی می گردند طوفان را لازم دیدند باعضاً شدن در پیش از تبر و ترقی
ده خانه ای از که دیدن کرد بودند... داده تهدید دارند. ولی کامان لذ عقب نامی آمدند تا سپه غربی
لذاعبیه لذ فیضیه لذ طیز لذ مقدار بخان نه مکانی لذ اسدند در را
لور لذ لذ راه و لذ لذ لذ سپه غربی - سلسیل اسر کوهه ای از رانده (A) پیاره شده بیرون است
مارد که می شدم می بازی می شد از این که در بیرون دیدند کوچه هسته بخواهند نقطه B بکه آنها را
تغییف دارم. سیم را تغییر طوره و مطیعت شرق از سلسیل مذکونه مارد که پی در بودن شدم می پن
بلطف حذب رخصت می از قلعه سپه غربی باز هم مارد که پی در بودن شده لذ اینی طیعت شرق
رفته و خوبین خواب سلطنه می شد و یا میزد لذ خوب راه رفته ای پیاده شده
لذ کوچه لذ مذهبی به خوابان بر می بست. اگر سلطنه مانند دیگرین خدمتی خوبیان داشت
دوباره لذ کوچه در هنوز بین این فیضیه بقیه دین رسمی رسمیم. در سر اشتیا و اندیز جنوب خوابان
عذر. اندیز سر بری (اره دی) در همان وقت بود که خوب راه بود و لذ امداده و از سلطنه
لذ امداده وین از خوبیه دلخیصه دلخیصه شد و خوبیه دلخیصه است.

تغییب های افراطی تغییب لکته:

لکه: پیه داشت - بگوشت - بآشی بآشیه بر کار گزنده رسبی نازک - در ماغی عفایی دلی
بارکه وستاب - بلوز کرم و پیچیده - غیرسلع - بقیه داشت هنوز بین دهیکله یعنی

ماشته پیگان آین: پیش سبیله لا رائت باین تفاصیل که هیچیان خسیر صح در درکوچه
از او بود. مرد رکونه و سبیله باز که کمی طرفت با این کنیده شده بود.
ماشته تکی: در زمینه و دنای این بزرگ دعوی می. مرد لیں تسریط و بیان طریق طرف
بالا. بلند کردم گذار بین داشت.

فرزورم تکی: پیش ترده ام. مرد رکم - کم - با فوهای بزر
نوزدهم پیگان آین: همان بین ۱۰ سال، لافر، بلند، مرد رکونه، که ام خرد. بلند
سبیله عرق ثیه و سرمه بین داشت.

تجارب این تعقیب:

۱- اربیاط پیگان سفید رکه روز مرده اول تعقیب هدنه گردید. مرد رکم باین تعقیب
جواهر و پر زده. از اربیاط داشته باشد. همین باشته آنها با عرض کردن پیگان سفید
هماری کردن آن روز ده تعقیب. هسته گراه گردان مادا اشتبه که اربیاط تعقیب با این تفاوت
نمیتوان گردد و تعقیب را - نیز مرد است - هیچ راسته من تلقی ننمیم.

۲- همچند تعقیب سی من گفته که باید از خبردار ایپ روی از عصب وقت کند (۱)
میو - طلاق مانندیه لزیست ماسیه. حامل مایه تعقیب وست منی زند بند امیت خاصه
خدت ن باشیه ترفظ کرده (۲) و بیشتر رهیفت اتفاقی در خطر اول ایست مانش
حاکمیت را میخواهد.

۳- همین مرغ کفت تعقیب زمان اینسته است. همان گفته که آنی فرمان برمن
درین دهیم و آنی مصده بیدار گفت رامی کند. بایستی گرگه و دکتر میل، بیشتر رعیت را
دو نظر بگیری - بخطه امی - چون آنها بجهن راه بر رهیفت ماسیه، سیه کند ز فرمان
را درگوش ایستاد کنند. نیز در صورت خالکشیر برگزیده ایه من رهنه در عذر

منظور من بایدند

۵- میتوان رتفعیت مرادت خاله نمود که در حقیقت دارد - حدائق نموده بیش از موسم

آنچه کسی بینه سرمه دارد.

۶- کلاً وارد گویی نمی شود و می توان آن را فراموش کرد (۲۳) اماً تفکیک این دست امر

باید رسانید در هاست توانی باستیه سیر را داشته باشد و داشتیت میگشود آن برگشان (۲۴)

۷- استفاده بیشتر از ماسنی - حالت طواره - اثبات انجام، مرضی پذیر رسانید با

استفاده از احتمالات بیشتر را از آنها محظوظ کرد آنها صحبت دنده بیشتر به جان آمدند (۲۵)

می درمیشند بلکه خود از این دهنده مطلع نباشند و وقت لایحه را که هم محفوظ هستند در هر ده دل

تفصیلی - مُثُنا میگیرند - بیشتر قدر - برخلاف تقدیر بسیاری از افراد که تفاصیلی دارند هست

خلاصه میگذرد - میگشند ترتیب فتحه سرمه را در لایحه خود از احتمالات غافل میگیرم

مثل از اتفاق همیز دستیعه اسراری میگذرد بیاده شدن هست لازمه است.

۸- سیر در خودت باید میگردید برگرفت تغییب است. میگشند میگشند لازمه است

این سیر را میگفند صادر مراده ای دارند تغییبه عبارت میگرد.

۹- آنها بجهت رسیدن به اینی سرمه دارند تا میگذرد میگشند بیان برایون شناخته شده

کن میگشند را از زوره خارج میگذرند. خواهنه میگشند از راه آهن رترنوز بیان سرمه از استفاده

نگرانند.

۱۰- میگشند طردان را برای رتفعیت در زیدهه تراز این آماره نگشند.

پا در قی دز رود نموده اینست - نقدس " بر جو، نتفیت خیابان اور زیر

(۱) - خارج سند در دیده شده که میں از بَتْ آئیپ در پیش نموده و فکت میلکه نہ بدن
ترنیتیب که بَتْ آئیپ شفعتاً نموده را تدقیق می کنند و آئیپ با آئیپ دس سر بر آئیپ مذکور
وار بنا لی می کنند . هرگاه مالکین نموده از من شفعت خودت یا برقی و خی عذر کنند و داشته اند
آن محل شفعت خودت باقی رمی . آئیپ تدقیق لکنند و کنند و آئیپ به بر تدقیق
واحد اس سی ره طایین بخواه آنست که هرگاه نموده خوبه از من میں محل کن لکن اینان چیزی را
در برد و اند مرغی بـ شـ سـ مـ آئیپ تدقیق لکنند شده و در این رابطه شدک شده بشد
با ایندیکن آن آئیپ را استراحت می خانند و خود را انتظایی بینند اند .

(۲) - این مرضیع دفعه نمیست . بر حسب اینکه نموده همینه را بخانی نمیم بشه بخیزی اینکه
در سر اهل نموده تدقیق باشد با اینکه هر دنیا بجهه از نموده رسیده باشدند بخیزی . اینکه تدقیق
ما را زیبی می شود که در بادیه و ... وقتی دن زن هم خواهد گرد .

(۳) : این مرضیع فقط مبار مادر بده نموده دلار دهی (در قبیل که مبتلا می شود) نمیگرد . میگرد
همچنان است چهارمین دفعه تدقیق در اینکه بُلَفْ ترکیب از سفر بیاده ، موقد ، لوار و لباس
مکمل تدقیق می باشی . نه لذتی هست برویده از بین . دلار نمی شود در زمانه شده در زمانه شده که
عنان از بیاده به تدقیق نموده که باقی است (از بین ۶۰ - ۴۵) . اینکه باحال رهگان قرار داشت در
سر گزار از خونه لدر سند و تدقیق (دیره بیود) .

البته هرگاه نموده طاره کریم که شود آئیپ از بین موارد اس این بخت و فکت این مدرساتی
که از نه و هیج اس سر این حدیث مبنی نیز می کنند . شلاق بست زمزمه که لفته قدر آنها نستظر
نموده میانه . دری همانطور که لفته شده عنده پیاده نیز راه این موارد کلی می ازند .

حدود اداره طهر و امام کی خواسته بود که قدرت امیر شریعت را فسخ کاری کرد و از
حکومت برپا نمی‌شد. وقتی این مطلب در پی از کارهای امیرین خلابان تقدیر شد و
طبری از این قرارداد است) توصیف این ایام حکومت با عرض آن در کتاب (عہد امیر طبری)
شروع کیم و در آن کارهای این حکومت جزوی این نظر نمود و مستفاده از قضا و امور فتنه بود و سبک امیری،
کار اطمینان و رعایت امنیت اسلام را تصریح نمی‌نمود. بیت هر دو حکومت نامی نداشت. در
استیا ب حکومت منصب بندهادی محل (۱) نزد افتش علامت نام را باز نهاد و در آن جهت هم
حکومت محل حکومت (۲) (در پیروی شب المیزان) (۳) (طبیعت) بدانندگونه حکومت
بلور عهدادی در این دوره کارهای این حکومت خوب نبود و این امر مبنای این حکومت
ویچ کرد. این تاخته باید بلور عهدادی استیا را می‌باشد. بحق از پیغمبر پیش از میرزا
گلزار شاه در این میانه متوجه برخیزندگان آن دوره شد و در آن (قطعه) از این حکومت به این میان
داشت و گذرا نهاده با خود رفته پس از این دو حکومت شیخ عیین عتب شد
که در واقعه اداره این حکومت را خوش طلاق دیده باشد. با این داشت و شکوار از قدر کار را نکلید و پس از
کار از دسته بعد و دستش پوشیده عذر خواهی نمی‌نمود. شیخ عیین پیش از این حکومت
سچ خانه و کلاه شب خوار را از ای اکاره کرد که نزد خانه و کوتاه بخشم آمده و درین
شهر در آمد و است. از همان روز که از آن روز روسیه نشناخته، این دارمین
انداخت. هنر و شهش را غیر عادی شنیدیں و احمد علی از ای اینه کرد و دعوی می‌
کرد: «از دیگر - عیت لک دگر» و درین آنکه از این میانه چیزی نداش - با این حکومت بگذران.
است این طلاقه میانه درین چاهه نهاده شکن بیرون که از تو خوبی - من جیب نه.
و چون شنیده شد است. اما ان بزر خانیانی بآن نظر دارد. و بجهه این ترتیب
و کارهای کارهای III که تا امروز از این حکومت نهاده -

و دیگر اینها که از این حکومت نهاده شدند و اینها که از این حکومت نهاده شدند -

در همین خصی مشهود نزدیم که خیل از زکر کرد سر بر احمد باز است و از این راه آنها کوی لازمه نیزی
 شکم سند خاکخانه نارخ پیوست. بعد از این همه این رفعی عدت نگاه دارد و زیرا در آنها خود را
 نیز ادغام زیده هم میگند - توجه اور به محدودیت نایاب میگذرد از این راه بایز - و اینم.
 مخصوصاً بزم بآزادی بازار را خواهیم دید همین عدالت لازم از اساطیع کوچه III بقدر زدن
 عدالت اول (۱) بگشتم. همین رسمیت بسیجی پوشش نزدیکی بود که "بزم" اور "نزدیکی"
 رهیافت عکسر میباشد و بزم در حق کیم! (فقط) و بزم اما مخفی میگش بجهود اور بجهار تعقیب
 بگشته است. اگر بآنرا سرچ من ارم و سبز که متفقین عین گرفت از همان اینجا راه
 بودم بحدار مخفی هول شد و بجهار ترتیب از این رسان آمد مت دست و طرف نزد
 خوست نمیشد. سه نزد عدالت (۱) متفق نموده این بزم سرچی سطحی دارد III
 (و گذید) ولقیم گرفتند که تهدیر قصنه را درآوردند. از کوچه III بگزیدنی هنجرب
 خشونت قدری علی دهلازرسیدان (III) نزد و طرف شد - بحالت کوچه III (۱)
 خوست کرد. و با طرفی بگفتم که "او" دوباره رسار تعقیب میباشد خواهم گفت یا نه
 در حق فعل کوچه عدالت (۱) و خوب چشمیده ایش باشیم به دیوار گرفتند - لعل ریشه ایش
 سندیم خشنه و خود را نداشتند - منتظر از دسته. و در زیرست کسان تقهرمی هم در دست
 از کوچه III بطریف سندیم خود را نظر خواست که از همینجا و سرمه نزد
 یاد نمیشود - داده کوچه III نزد دهلازرسیدشان از سلطخانه ایش کوچه شب افسوس III نزدی
 نتیجه کوچه III از این روحیه دارد کوچه III نزد و طرف بالا را دارد.
 و این سرچ نیز از این روحیه خود را نظر خود را باختت رساری و از این روز سرمه
 سه بآزادی نزدشان (از کوچه عدالت (۱) و از طرف III متفق نزد). سی هزار تعقیب از خواهان از
 کوچه III بحالت پیش رفته و سی از کوچه III داده شده ایش سند و مخفی داده و صنعت
 شرط طبری بالا خوست کرد. در همین ترتیب از کوچه عدالت (۱) گزشتم - متفقانه

- این کوچ پرستم) "او" با نامه صورت دید تا در میانه روزگاری در مردم از این
که خبر رسید مغایزه (نقطه ۱۰) بگذراند شنید و به عنوان محلی استاده بود راه را
دیگران را در هنوز متوجه میگشتند و بعد از آنقدر رفتن چندین ساعت در میانه عرض
خوبیان را اخوند کردند و بعدهی موقع آمد مادرانه - من، از آنرا این پیوی در روایت
مالوست کردند. از زیر طارد بالا شروع چونکه کرد و از اینها که همان طبق خوش خانه
نهاده میشوند از آنها هنرهاست (نقطه ۱۱) شد، من برشل او را در نهاده جستند. از هر چند
در میانه هنرهاست همچو دیگر همین بحث را میگفتند و بین خبرگزاری از هنرها که
لطفی محلی استاد رسانیده بود (از اورانه) این کوچه به سه از این دفعه کوچ
دوباره از هنرهاست میباشد و از طرفی از این دفعه هم دوم دیده نماید. من همان کوچ
ماضی کردند و از آن طبق خوبیان (نقطه ۱۲) (این خوبیان سازنده هنرهاشند و غرب این)
روزنه میگذرد کوچ در بردن (نقطه ۱۳) شد. در این طبق این کوچ (نقطه ۱۴) را خوانی
برای پنده ببرد و عده هنرها در همین کوچ بودند من با اینکه هنرهاشند کوچ را شد
و نه طارد عاده (نقطه ۱۵). صدور هنرها فیضه از بیرون نداشتند و دو "پیدائیش" نیز هنوز
ساده لالا را جستیت از هنرهاست نه خوبی داشتند و همان کوچ که شد مادرانه درین
بحث نهاده زنده کله نهاده - این همچنان خوبی است را زیارت روز عاده در باره و راهنمای
کوچ بست خوبی داشتند. من خوبی است اینها و قبیل اینها باید هنرهاست بعنوان
کوچند. از هر سه یکی از این همچنان کوچ با خوبیکاری (عبدالنادر) سرمه که درین بست
(نقطه ۱۶) نهاده شد. خوبی کله همچشم را از از اینها در برخورد نداشتند و دو راه مخصوص
نهاده شد را از اینها در آن (آنها از اینها) و همین بحث همچنان خوبیکاری
خرفت کردند. همچنانیه - نه خوبی دیگر از اینها از اینها در برخورد نداشتند
که همان کوچ (نقطه ۱۷) از هنرها در آن دو راه خوبی کله همچشم همچند راه مخصوص
نهاده شد (نقطه ۱۸) از هنرها در آن دو راه خوبی کله همچشم همچند راه مخصوص
www.peykar.org

که با وادعه از نویزه بگردید. سپاه زاده اس ادیانستم از رای اینه و برا وود کلم کردن
لذت میزد از این برتر شده بود. بروای مس صدای قلع خیابان همیشہ مستحبه دارد که صدای دری
لذت بده و دلخواه خوبین ای ای خوب است که اینه. آن روز همیشهم گرفته بودم آن در موضع دنایی رفته
و خود را از شخصیت خود میگذرانم. چنانکه از آنچه بیرون چشم تعقیب و تکثیر نداشت همانجا با
چیز نمود مندگر و بی دلداده فخر را تیره را تعقیب نمی خودم. این که داشتم از اینه میگذرد بسیار
استقیم داشته و تغیر بنا طلبکن نند آنکه من علاقه نداشتم لتو شفته ام. — «هنین حیبت دلای
حصه پیشگیر را که»، و تعقیب آن را در حضیر خواهیم بود. مکور این معرفت است.

«هنین حیبت از خوبین ای ای خوب بدل و نت کرد. و عیشه ای ای داشتن از اینه دلای
ستقدام را من درست بگیر غرب. دلای اینه از نویزه. ۲. هنین حیبت سوار میگزینی
نمود و از منطقه خواجه نمود. و بعد از تعقیب همچنان بپای پایه پایاز شد.

آنستادا س دارای بود است من این را این تعقیب هم.

۱ - بی تدقیق بگفتی شفاهاتشن سلاح زدن نمی داشت... فردی که بین رنگین مرغ عنده میگزیند.
من و نت دلای (یاده از جهت همایزه نهادن رسمه پیراهن). این عجیلی ساقی ترمه خانی خواهد بود
مند سخنیں بندهان سلاح زدن نمی داشت... از اینه پیراهن رسید و ریخت و... چه طوره هستیم
(با زبانهای که کسی نمایند و میگزیند و...) در جهت غیر متینم هم ای ای و ریختیم ای ای
حیب از ناس بود... از آنچه بیرون میگزیند دایید عضو دیده دار سرتیفیکیت ای ای
دانستیم و چند - همچو ای ای بعنوان ای ای ای ای چویی - سیور مرجب بگزینند و بیون
چیز لازم ای ای دارند.

۲ - برخند مرشد سفیر لاده سید از زیارت اولین و نت مندگر (ادین نفعه همیزی دارند
و میگزینند) اما ریست سرتیفیکیت مرغ عنده (عیشه) (از اینه مرد و بین
عیبت عیوب ای ای خام و نت دستگل دستگل پیش از ای ای همه که چویی... چنانکه آیا زاره ای

اینجا بروز ما را در میان زندگی همین وست هزاری بروز به قطعه است (۲۷) مقطعه است آن این بود که وکیل را خدا خلیلی بگفت سوت داده برد په (دایمی دار) (نماینده خانه را بزرگنمایی) و میں صن این وست همیشگار را که بین که آیدار مرا تعجب کی کند یا نه؟ و می داشتی همراه باش من قطعه همچویب بود و درست افغانی دیگر (بیرون راه شده عده سعیت کیا است از سوزانی کی کیان) به قطعه همچویب (۲۸) که این را که آیدار زده تعجب پر نمود (سی و پنجم) که منصب بود این وست را تقویت کی ام این بود که میرزا شاه دیگر عذر این فخر را بگیر که سلطانی خواهد بود . این اتفاقی بزرگ شد عدت سخنگویی داشت (دیگر فرادری) آن دین شداییت (شدن) یا بالای قدر می باشد سلاسل بالای دینی (دار) و گمان شد این بود که با خدمت این تعجب کنم و با عذاب ام از مردان تعجب کنم . داده طرف دیگر ای دیست از پرسنون و بعض علات و توانوتو از این همچویب بود و خود را بر خواهی . چو اکن باشی زریب بالای خود این بدل این شفته هم است و درینها ناشی از این بیان خوبی کشیده . در فرم این شفته هم است عدست احتیب با این خطا سے پرسیدن میں صورتی علات این بود که شاه مکن بود که از دیگران ایند ابعاد هسته هسته و باشند و می داشتند و می کنند شفته و اینها از این داده هم علات سری داشتند اینها می خواهند در دیگر راهیه و دیگر همیشگی داشتن را داشتند عده است که کسری داشتند و این شکایتی داشتند و می داشتند تقویت پروردش از همین آن دیده است که در خطا ای باشد . دیگرین این از این راه منطقه هستند بودند * از همین دیده این شرمن و میخی بینه بین این جمله این شفته بودند . شفته هستند که اینها از دیگرین این و زیر از این راه از این شخص می باشند . ۱۶ و این سعادت همچویب لایه است سعادت همچویب شفته هستند که اینها از اینها که اینها همچویب شفته هستند

و یا اینکه ممکن نباشد این را بایله باشی خواسته باشد ... بعده و تعمیم داده شد که
بعد از عرض تحریر در بایله تحریر کن اگرچه آیده دارد، دختران و زنان تحریر کنند
و همچنان داشتند طریق عبارت ~~بایله را با خود~~ را با خود نداشتند که از همین روی
داده شدند آنرا بخواهد داشتند ...

۳۴) مخصوصاً می‌دانم که از این طبقه از اسناد دلخیسب بودند و دین از این‌ها داده شدند و
آنکه از آن تعلیمات بنته و پسره ~~بایله~~ تحریر شده‌اند آن را تحریر شده بود (تحریر داده شده دین از خود تحریر شده - فصلنامه پدر دلخیسب (۱۰) و دلخیسب دین از خودی
حضرات مسجد و راه را خواسته بود که از همان سمت پسر از خود پادشاه از منظمه و زیر این شفاف
داده شد از این طبقه - مخصوصاً دلخیسب که از این دست سرمه از کارهای گذشت -

حضرات استاد از این طبقه از اسناد (که باتفاق زید و سلطان طوسی بیت سمع از این طبقه) تحریر شده بودند
درین تحریر باور شدند که این اسناد مسجد و راه را خواسته بودند (آن اتفاق داشت که این تحریر از این طبقه کشیده شد)
این سیاست را نایاب افتخار کردند و این فطر و عذر داشتند که با استفاده از این تحریر طلاق ایجاد
نماینده نبودند و این تحریر همراهی و دوستی در دشمن افتخار نمودند و این را بیش
از آن خود را بخواهند که فضیل از این اسناد مسجد و راه را خواسته داشت را داشت
گی سیم "مسیده از خوشی و دین از طبیعت" - با استفاده از این اسناد مسجد و راه را
بیان خواهند کرد.



۲۱

کار

۱۱

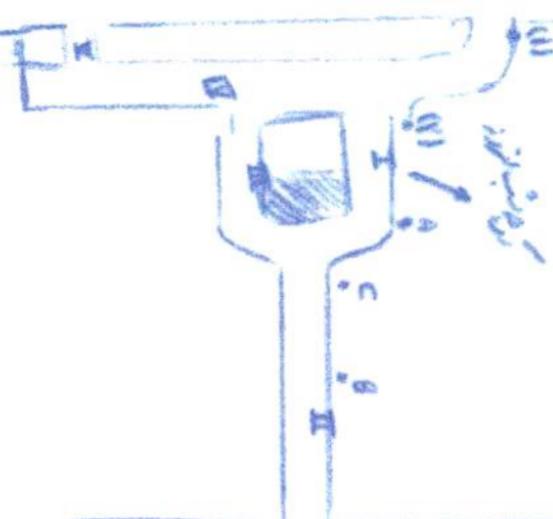
۷
۸
۹
۱۰

نیزه
پلی‌پیپ

۱۱

۱۲

۱۳



نیزه
پلی‌پیپ

نیزه
پلی‌پیپ

« سیو: سوزانن مدارک در موقع اضطراری »

هانطور که در پیش نامه مربوط با تأثیر نشیده امیق آمد، قرار شد این
سخاوه اینسته بود که مخفی دی راجع پساقت یک و سه بزرگ آنها ای مدارک
سوزانه ف به ترتیب که برای رفاقتی که دیده و بخواهی تلیک نداشتند نیز مابل
ساقت باشد، همچنین تو صنایع راجع به سخوه سوزانن مدارک
آورده شود. اینهمه محدود را در درست خاصیم آورد: اول تو صنایع
راجع به سخوه سوزانن ~~و مولا~~ مولا د سوزانه مواد استفاده و دوم
کو صنایع راجع به وسیله آنها ای مدارک سوزاننی و طرز ساختن آن.
اول راجع به مواد سوزانه مدارک دنونه سوزانن آنها: هانطور
که رفاقتها مطلقاً تاکنون از نایابالم برای سوزانن مدارک استفاده
نمی‌کارند آن بهین صورت بود که رفاقت مدارک سوزانه ف را در
یک آنکه آنکه در کنار آن ظرفی (مولا یک بطری یا همچنانی)
نایابالم قرار می‌دادند. در موقع نزدیم نایابالم را در کی مدارک درون
آنکه نیزه بازدن کبریت آنها را به آنکه می‌کنند.
آنسته می‌شود: در تقریب نهان داده به هیچ‌جهه دارای رانه مان بندو.
به طوری که پس از آنها نایابالم و خاموش شدن سفله، آنکه مدارک - بحضور
آخر قداد مدارک زیاد بود و از دفترچه دستابایی بسته برگردان تکمیل
شده بود - بطری نیم سوخته و ماسنیه سوخته بر جای می‌ماند که در درجه
اول ناسی از زیستن هرای کافی به مدارک در حال استعمال به لیل بهم
خشدگی آنها و در درجه دوم ناسی از مقدار کم باده سوزانه نایابالم می‌باشد
که می‌شود که سوراخی بدهن آنکه نیها تا بزرگ همین می‌تواند در جهت
رساندن هر اب مدارک در کار مانند از دستور مکانیک این سوراخها باعث فرز
ارتفع اسلد مازمان پهکار می‌باشد از این طبقه، گلزار

مرصن نایاالم نیز میود بطریک که آگر سلی از آنها نه معرف نایاالم و کی مدارک برخیزد
از آنها خواج شده و نایبری در عمل سوزاندن مدارک تراهد داشت.

از طرف دیراز آجگاه بیونولیت موجود در نایاالم در موقع سوخت دود
زیادک ایجاد می شد. مایع نایاالم برای سوزاندن مدارک در محل کی سر برگردید.
ای مانند اطاق که ضرورت ماندن از ادک در آن نیز الزامی است. مثلاً در
زمان دیرگری با میس و مقاومت سلخانه، مناسب است. نیز ایجاد ناراحتی
گذرن مدارک بقیاده خوب می شود و محدود کی میتوان از افعل
صفق برای سوزاندن مدارک استفاده کرد. حضوریت افعل در سوخت
بدون دود است. البته هر دوست دیرپائی نایاالم بسته به افعل بکثره
است * که این نفیسه را با مصرف سبیله افعل میتوان نمود.

لذا بجای ضرق برای سوزاندن مؤخر مدارک با پسر ایلی ایجاد کرد
که اولاً مدارک در عرض آرین کافی جست سوخت از ایرگرد، هماناً ماده
سوختی به مقدار بیشتر و به طبق مؤخر تر در بحارت مدارک از ایرگرد.
الآن احتی الامکان ~~برای این ماده~~ به جای نایاالم از مایع سوزانده
با دود کی نظیر افعل استفاده شود.

برای اساس طبع ذیل پیشنهاد میشود. این طبع در عمل بجزئه
و نتیجه رضایت سبیله داده است.

حمد و سبیله سوزاندن مدارک: این سبیله برای اساس ساخته
شده که اولاً مدارک از یکه گرد جدا شود و هر کدامی درین آنچه را

* این را هم با یه ترجمه داشت که افعل بسته به سوخت دود است به مانند
نیز و بزرگ و سایر مستفات نقی دایم سفله بحرارت کری است

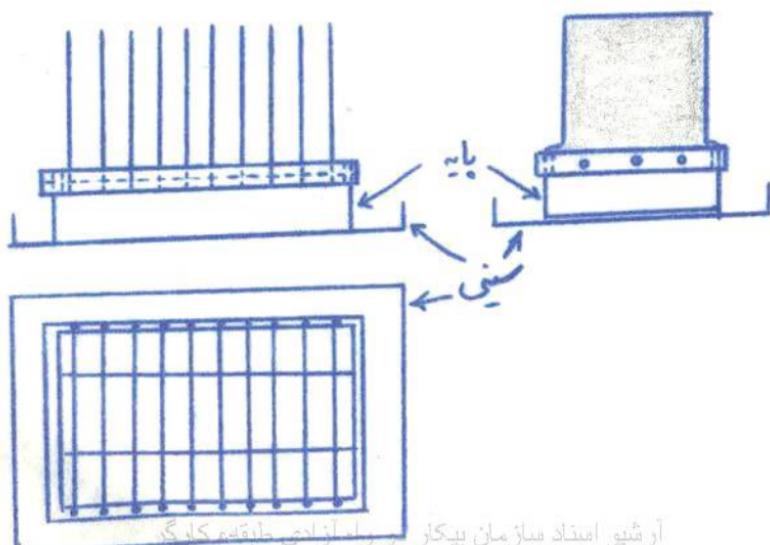
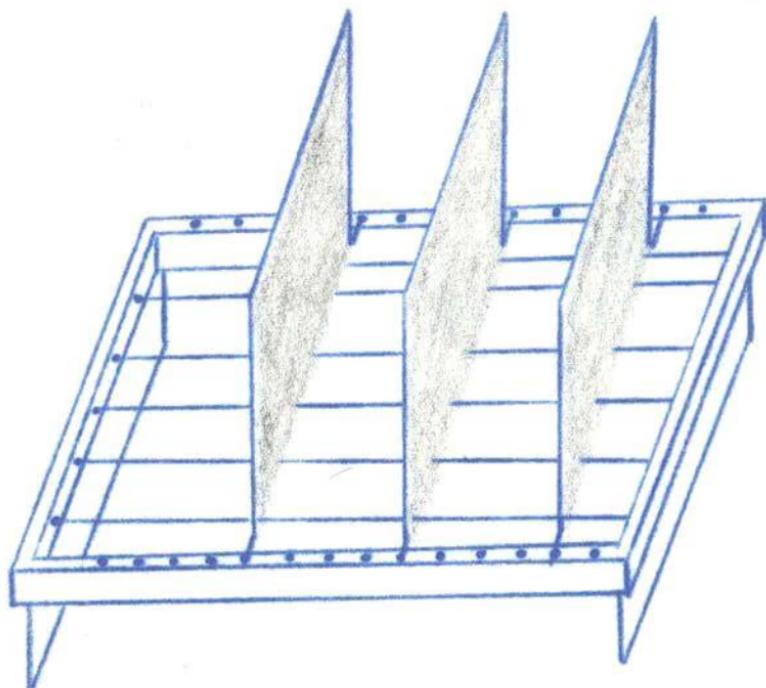
دانسته باشد، تا نیا متری از الکل در زیر مدارک مجرد باشد کاهم از زیر نیز سفله بدارک برآورده‌اند درین متر الکل بجزیه‌ی بتوان بگام ببرد. مثل آن‌دادن تابا و مدارک تکین شده است از تعدادی صفات توکی که مدارک درین این صفات به طور ایجاد، قرار مگیرند. در صورتی که کتابها پریگ باشند میتوان به طریق آن‌بار افزایش داد که مکی دو صفحه کوکی درین صفات آن کتاب جایگزیند. تعداد زیاد سوراخ‌های چارچوب حدود ده هفت - بنت به تعداد صفات توکی - حدود ۱۵ عدد - به خاطر اینست که بتوان تناسب باقطر و شکل مدارک، صفات را در جاهای مناسب روی چارچوب تغییر مکان داد.

هانطوره که معرفت این تابا را با یه صورت ایجاده درین صفات توکی گذاشت، مطابق شکل مذکور



این شکل نماینده دو دلیل دارد. اول آن‌له موضع ریختن الکل روی مدارک، این مایع میتواند لای بگیرد و صفات تاب رفته و باعث نرسختن آن گردد. دوم آن‌له سفله‌ای که از زیر از درون سیپ به مدارک میرسیده باشد و صفات تاب برخورد نکرده بگیرد. برگردان باز و آزاد برخورد نکنند و آنرا امتحان ننمایند. در زیر این مسیله کیاسنی قرار مگیرد، خانجه در نزق این اره مادر بد لیل را نمان بالا رسانیده‌ان هرا - بنت به آبلیش - و همین وجود سیپ، در این مسیله میتوان از الکل صفت به عنوان مایع سوزانند و استفاده کرد. تقدیم مصرف الکل برای حدود یا ترده مدارک هر کدام بحجم نقریه تک دفتر صد گز حدود ۲۰٪ الکل صفت است.

در زیر شکل کمی این سیله دیده می‌گوید.



آشنی استاد مازمان پیکار در راه آزادی مازنکه کارگر

مرتعن ریختن اکل روکی مدارک . مقداری از این مانع به درون میانی را از خود یافته ، علاوه بر آن باید مقدار دیگری اکل بطری مستقیم در میانی رفته باشی . با این عمل مادر حقیقت هم مدارک را از زیر نیز آشنا نمیزند و هم تراویم بلکه تری برای سوزاندن از طریق تکا بردن همچو بسته ای از اکل نامیں گردیده ایم .

این میانی را میتوان از بازار بخواهد کرد . نوع مناسب دارزان آن هنر میانی بی جلس پرسی است که روکی آن عکس و منظره چاپ شده است در حقیقت با بدین مقداری پنهان همیشی کرد . این پنهان مقداری اکل درون میانی را جذب کرد و بدین آنکه سوخت مانع راکنتر می کند ، باعث تداوم مشتبه عمل و در تماش از اکل میگردد .

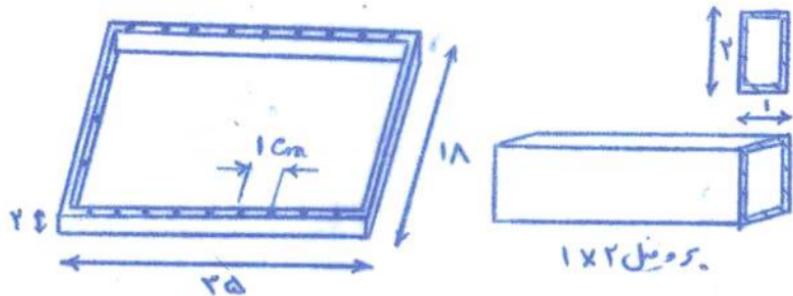
این مسیله تقدیل شده است از یک چارچوب از حبس پروتکل آهن چند تدریجی دلکف این چارچوب قرار گرفته ، پایه یک میانی برای بالا نگاه داشتن چارچوب از سطح میانی ، یک میانی که مسید در درون آن قرار میگیرد . تعدادی اینها که در سوراخی روکی چارچوب قرار میگردند مدارک را جذب از یک دلگیر نگاه میدارند و مقداری توکال میانی .

طنزه میانی : *

۱ - چارچوب . پروتکل نه دناینها بکار میرود دارای مقطعی مستطیل

* ابعادی که در اینجا می آید برای مدارک با جم در حدود هشت عدد دفتر صد و یکی است . مدفع است که این ابعاد متناسب با تعداد مدارک تقابل یافته است . بجز پنجه و مقابله که تعداد کمی مدارک سوزانند دارند میتوانند از طریق ساده تر دلگیری که بدور استفاده از چارچوب پروتکل نزدیکی است استفاده کنند . مکروط با آنکه این نکات در آن طرح در نظر گرفته شود : مدارک عمودی و جدار از یک دلگیر و ارگانزه همچنین سعد آشنا از زیر نیز به مدارک برآید .

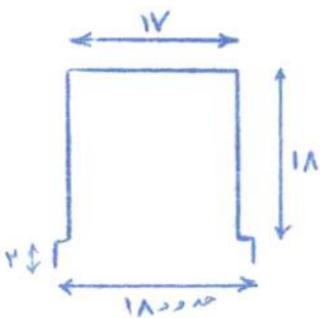
با ابعاد 1×2 متر است. از این پر و میل یک چارچوب با ابعاد 18×25 سانتیمتری کهیم. برای میله آن میله ای ب مقاومت 2 می در و پنجه سری داشته باشد. تعداد زیاد در سطح سرمه جد است مراجعه کنید.



پس در دروسی دو ضلع خود را آن تعدادی سوراخ به قطر 3 میلی متر ایجاد نماییم. بطوریکه اولاً سوراخها دو تا دو مترابه هم بوده و مانندآن صد و سه درجه در عرض از هم دارند. اینسوراخها که حدود 5 حفث میشوند طوری زده میشوند که از هر دو ضلع پر و میل عبور نمایند. کابه رئیسی رئیسیم ؛ ئی که مدار لابلای آنها خواهد گرفته اند با صورت از دو ضلع پر و میل محکم در جای خود استفاده و به طریقی که در راست نشود. هنین تعدادی سوراخ - حدود هشت - در سطح داخلی اضلاع کوچکتر باشد. اینسوراخها جهت قراردادن تعداد 5 عدد دیسم در گف چارچوب برای قراردادن مدار دروسی آن میباشد. توجه کرد که هر کدام از این سوراخها اخیر در یک سطح پر و میل ایجاد شود نه دو سطح، تا دوسرانه 5 عدد دیسم به دو سطح سوراخ نشوند گر کرده و بسیار دل نیفتند.

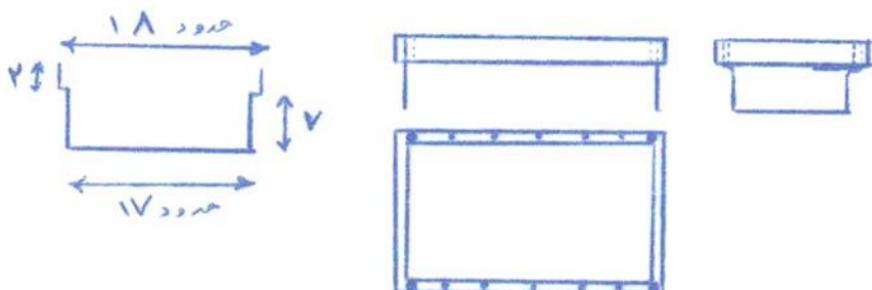
میتوان محل سوراخ را در دروسی اضلاع چارچوب علامت گذرا نماییم با مراجعه بهمان در و پنجه سرمه جد یا تراکتار دیا ... سوراخ در لازم را ایجاد نماید. ارشیو اسناد سازمان پیکار در و راه از ادنی طبقه خواهد شد.

۲- مستث بی سیمی - متنول سیمی که بخار رفته از نوع نر ۳ (متنولی سیستمی) باقی ۳ سیمی متر است که متوان از بازار بهبود نمود. این متنول نارا باید به سه مکمل درآورد. اول تعداد پاترده عدد مطابق شکل زیر برای بالای چارچوب است که تابع آن تغذیه گردد.



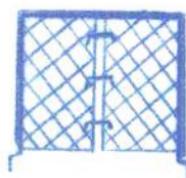
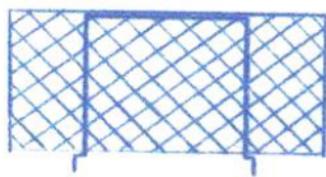
دوم تعداد $\frac{1}{2}$ عدد n
طول حدود 35 سانتی
جهت تراویادن در لف
چارچوب.

سوم: تعداد $\frac{1}{2}$ عدد مطابق شکل زیر بعنوان پایه‌ای چارچوب اینست
پایه‌ای را در دو هفت سوراخی در دو انتهای اضلاع بزرگ چارچوب وجود دارد و از میهم.



۳- گلوری سیمی، از همان نوع معمولی است که برای جلوگیری از وزو دمکس است.
پنجه ۲ مکوند نهاد سیمی سود از نوع سوراخ درست انتساب شردد. نفع ندرست
بهتر صورت است که مانند دیواری - البتہ دیواری که نه فقط مانع حریان یا من
حاشیه بلکه جزو هوا را خوده دایت می‌کند - مانع از بهم جهیزی مدار است
بلکه بگشود. مدار کسی را که لصبرت تابا پرگی سیاسته میتوان به تجربی
روی چارچوب تراویاد که نکنید و صفتی از این توزیع اطمینان را فرموده باشد.

یا سه متّع تقدیم کرد تا سه حق آن آسانتر گردد. این نویسی را باید در اندازه تقریبی 18×44 سانتی‌متر برای مابتواں گذشت باه به و رسیده بسیار بالای چار چوب بمحض مطابق شکل زیر. محل رسیده دو سر آن بهم را برسیده سیم را بسیار نازک تر نشانه کرده ای همان‌ساند دوخت پسکند گیر و محل نهاده.



واضح است تعداد لارم از این نظرات نویسی مادرست باشد اما سیمهای ساخته شده برای بالای چار چوب.

برای مونتاژ و سیمه اول نویسی را باید دو سیم (یکی از آن می‌بندم) (هر یکی است گیر نویسی را راه‌هیچها، باز نیکم در صورتیکه گیر برای رسیده بسیار کوتاه باشد) یا خود همین سیمه را که در نویسی روی آن بیچاره باشد کل آن چهار چوب (بروک آورده) بعد همین سیم را به کمی اضافه ادن در در صلح کوچک چار چوب جای دهیم سپهی پایه گیر را بسیار راحت بسیار فرو کرده داشت و سیمهایی که در آن نویسی پنهانیم را در جاهای خودشان فرو نمی‌کنیم

* پیشوند باستیندا *

در درس حق و میله‌ای و اکنون زدن مدارک سازاندی از

آنچنانکه:

- ۱- چنانچه، فنا بجا همه بطور فرد کی دلخواه است اقدام به خرید ابزار و مواد لازم و سفارش دادن فرمایی لازم نیست، با اینسان معاشر می‌باشد و می‌داند در همینجا نیازی نیست. وقت و ازیری همچنانی - سنت و میله تعداد لازم از این سیم دارند و می‌دانند که این نیازی نیست بلکه می‌باشد. این سیم دارند و می‌دانند که این نیازی نیست بلکه می‌باشد.
 - ۲- خارع میله ابزار و مواد و خدمات لازم بطور استثنای می‌باشد و می‌دانند که این نیازی نیست بلکه می‌باشد.
- لذا این قیمت گرفته شود. میله تعداد لازم از این سیم و سیم دارند و می‌دانند که این نیازی نیست بلکه می‌باشد. این سیم دارند و می‌دانند که این نیازی نیست بلکه می‌باشد.

گزارش و تحلیلی بر
«تفجیر ناخواسته نارنجک در خانه پاچکاهی قلعه مرغی»*

چند نکسی حادثه :

ساخت هر اسیداز نظر روز چهارشنبه ۱۴، ۶۴ کلی از زمان - A - به صبح، اتخاره متصل بود و در آن هنگام متعال لباس پر پریل بقصیده خروج از خانه بود و در حالکله می خواست نارنجک فرسی خود را که در کسن بجهنم رای آتشی لب خود را و سینه آن را نیز در آن فروخته بوده بیرون گشید در از پرسی احتیاط داشت، (پاکسنه؟) شدید که بخطه و ابرم آمد (بعد از آن که دستیابی را ای ماروسن بین) "حلقه" نارنجک کشیده شده و "اشپیل" بیرون آمده و "چاپنی اسماه" عمل کرده، این حال صدای سنتاگه هفته هفته هزار اسباب بازی و جوهره شدیده آن در چه صدای اتفاق رتره هزار اسباب هفت تیر هزار اسباب بازی و جوهره شدیده آن در چه A بین اینجاک طلب می شود، بعد از کمی مدت متوجه علت هدا شد و نارنجک A روز زدنی می کنار و بطرف درب خروجی آنها می روایی در وسط راه گلو یا آن هنوز را و رس نموده است که په مانعها در میز و قدر ایست! مکنی کرد و بعقب سر خود را کاهم کرد، که می بدم خانم دست نارنجک شد و از همه فاصله گرفته است، اینجا دیگر مکنی می شود که اتفاق روز پنجم مکله دیگر قریب الوقوع است لذا سهیت بطرف درب خروجی آنها می دردی داده و نیز داده آشناه درب و بنا صده ۳۶، ۲۵ از محل نارنجک در حالکله نزدیک

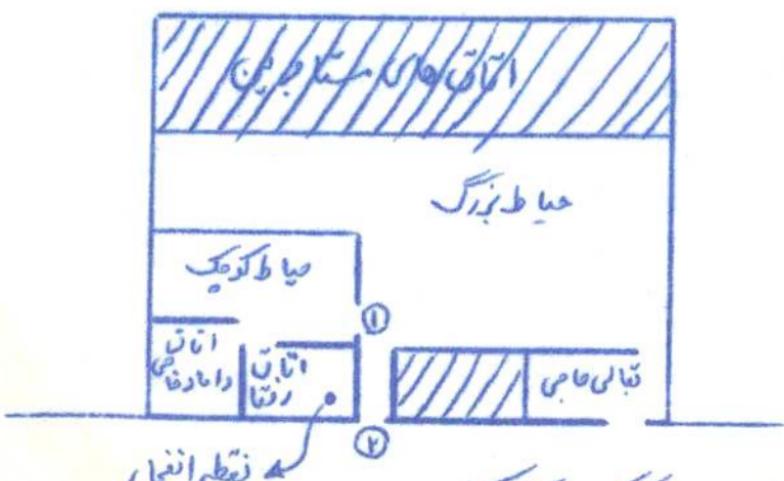
* گزارش تحلیلی نوی تولسا سه نواز اعضا هر گروه مربرطه (A و C و D) نویسه شده بود که بعد از بضرورت / لازمه گردید نسری اینها - نظری و تحقیق و تأثیر داده اند و آن نصرت نداشی از که در نوی ملاطفه خواهد گردید اینها است.

تهنا پاس عتب او در آن بوده نارنجک منیری بود و قطعه ریزک از آن به پلار
 دال داشت او که در پیروس قلعه منیر بوده قرار داشت می فورد، سواره ادار
 سو رانی کند و راهت سلطی از دریا پس اینجا می کند. اساس در دل کسری در آن
 است (نه عتب) خود می کند. انتها از شدت صدا و درج اتفاق روحیان در دنی
 قدر گنج داشت من شور دلی بلانا صله برای قرداش این اسلمه که رفعه ندارد ادار
 آنچ من شور. داخل آنچ را دور غلبه و گرد و خاک ناسی از زیرش غبار از
 سقف (عن از همیش و کاه و کل بوده) گرفته بوده و آنچ الله در حالت مخلوق
 نیز کم نز و بوده حابی در تاریکی زو برد بوده بطریقه با چشم هیچ مائی دیده
 من شده و نفس هم مکمل بوده. با گزره هم بگرد دست محل اسلمه ایده از ده
 و در علاوه خود داخل لس تجیز ای که از سبل بینهایم عازم بدلی ساری بیرون
 می شود که از روپراهنی می پوئد و با جاگه از دل تمام مدار از آنچ
 بیرون می آید. سبل از خود چی از آنچ لحظه ای بین A می خوند که دار از همین طور
 ایها کنند ولی تسا سفاره به لیل آنکه نه نایام و کبیری سار ایش زدن مدار
 در دسترس بوده و نه اصر لامارک افزاوند و در صباوی از سار دارک خبر بوده
 A هیگونه معلمی را جایز نمی داند و نور آنکه خود را پوئیده و در عین در فروج
 از خانه برمی آید. بعد از اتفاق حادی (صادر اینکه ۰.۵ ساله) که در معمازه ایش
 (تعالیه ای که چن از خ نیاش می باشد) مُغزل کار بوده و متوجه فرن که ۱۰-۱۵
 نفر از این اطاف در ب آنچ و در صبا طکه کل و نهیه مستقله که این
 آنچ (و یک آنقدر متعلق ب دفتر و داد حادی) در آن قرار داشت،
 جمع حی گردند و یعنی هاهم بداخل آنچ سرک می کشند که پیشنهاد می
 رفع داده ولی نقلت تاریکی هیزک را من ترا متند بینند ۲۰-۱۰ تقری

هم تا آن موقع که چنان داده در اطراف درب کوچه درب روم که از طرف اتصال به کوه به بازی نموده) و هنگره کوچک آن قیمع شد بودند. موقع خروج از آن می صاحبیانه و لیک در قول هیکل بـ ۴- ع سال دیگر که گردید که از استاد جین بوده ولی آن آذربایجان او را نموده بوده در حالیکه دست اول این درب صراط کوچک تکمیل داده بودند بعداً مانع از خروج A بودند از A می خواستند که پنهان شده. A حواب می داشت "چرا غیر ترکیه!... بروی سیلیان آب بسیار داریم..." آنها حاجی که جریان را سرمه رساند بوده بالکن مستر آندری در حالیکه به چراغ نگذرساند و بخوبی از آن قیمع بوده! اش را هم کنند من گویم" آره، چراغ ترکیه!... حالا سما اینجا باشید..." A که اینها سعی نمکنند با گوش زدن آنها درستادن ای دنبال سیلیان یا... از طبلور درب رسماً کنند وقت آن کوئی سئونی اینجا نمایند می بینند اسلیه خود را من کنم و هنوز هنر از آن را من خواهد که از طبلور درب نمایند بروند. حاجی که اسلیه را می بینند چشمی همان تامین کنند و کنار گردند در قدر هیکل نیز کنار ای خود آنها موضع خروج A از درب زن حاجی که تبعیت زده می نمایند دست A را می گیرند و مانع از خروج اوصی کنند که بالاظه A باشد و دست ای دهان دارند زن خود را از دست اور هم کنم و طرف درب کوچه می دور در آستانه درب کوهه از آنها که زن حاجی و حاجی و متوجهین و... دنبال او راه افتاده بودند و جمیعت زیارتیم (حدود ۲۰ نفر) از ریز و درست اطاف درب آجیان کردند و عملی میورا و را با گند / احکام پذیری می ساختند یک تیر هوائی سلیمانی کنند که خلیلی موغر واقع می شود و جمیعت را در جا فروزد هیکل می کند و A فرار کند. سر اولین پیغام به پشت سر خود رفته که این ۲-۳ نفر را در بـ ۴- ع ترکیب ترس بینند که عالی نمایند و دنبال اوس آنها در اینجا یک

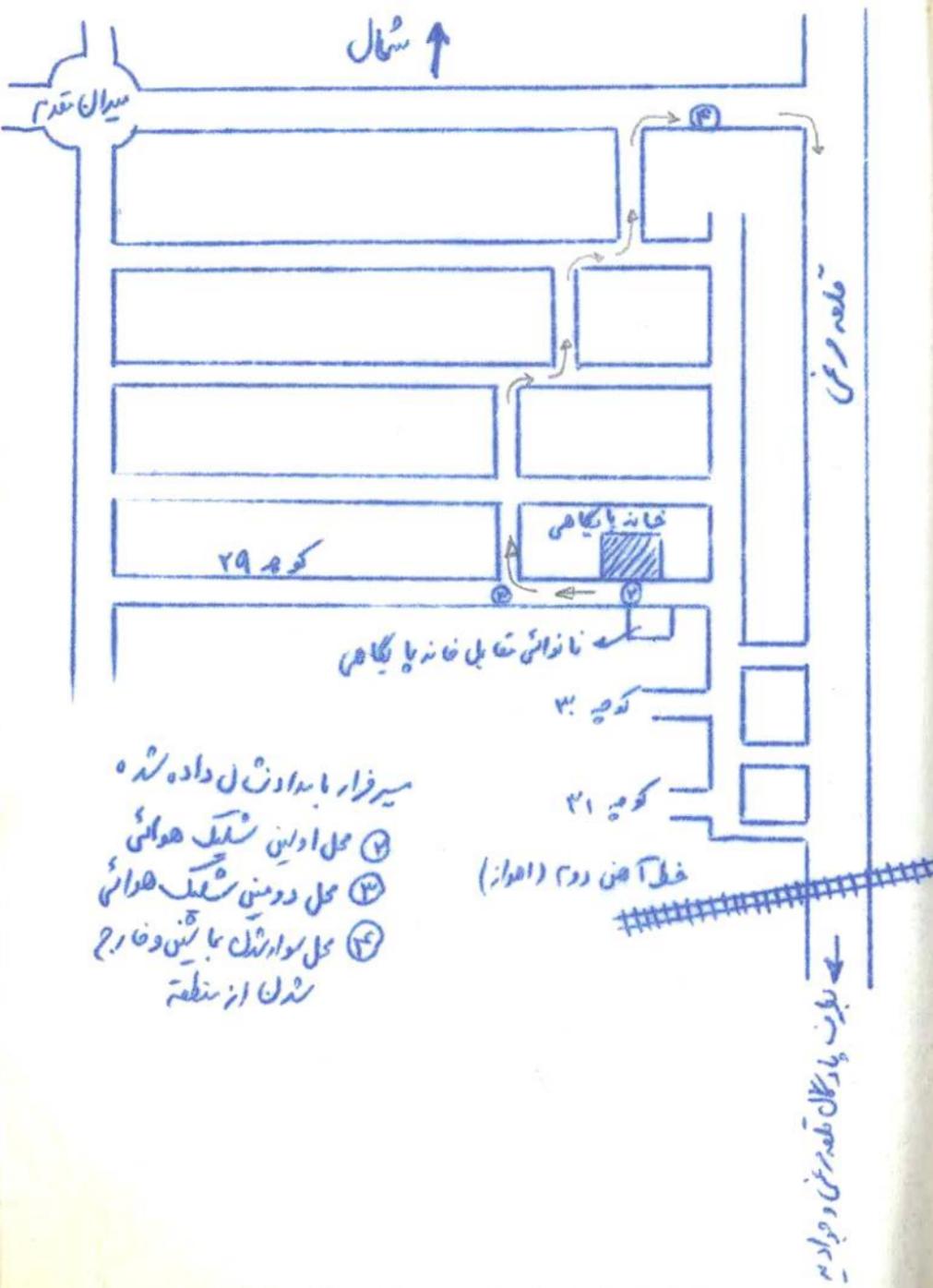
تیرهوانی دیگر هم شنید که نادیگر کس قصد تعقیب او را نداشته باشد از اینجا در اینجا از دله (بلطف سرک که در شکل تعقیب شده) در کوه های زیستگاه زندگانی از تعقیب نمی بیند اما اسلحه را در کس می گذارد و گمراهی اهل خود را می بندد و در اولین خیابان سوارهایش را در منطقه خارج می شود.

A از خروج از منطقه عازم محل خطرخانه که در راه بازمیگرد و لایهون مادریکی نمی تواند بین آور بامداد رور آن خط را زندگه علاوهایده از نزد است و از خیابان بیرون صدمیده نمی شود و از آنجا که امتحان رفت B (عذرخواهی نهاده) زودتر از موقع از کارخانه بیاید (بر لیل قطعه برق یا...) و A قبل از آنکه موقق شود خود را بکارخانه B بسند و اورا خبردار کند B بلافاصله سلامت خانه را کن کرده باشد و عازم محل سلامت خانه می شود و در آنها جلد ای که حاکی از روز خطری بخار خانه است بینید. آنها قاتاً در محل سلامت خانه هستند (اعذرخواهی گردید)



① درب حیاط کوچک و محل سلامت بازی خانی

② درب کوچک و محل سلامت اولین تیره دهاری کارگر



و اکه او هم برای حکم علامت سلطان آنکه آمد و بوده می شند . موظفیع را را بر او
تعزیز می کنند و هر چون اصحاب زیارت رفت که کارت کارخانه بدرخانه جایگاه
باشند و بعلاوه لباس کار آرم دار کارخانه نزد دستگاه مهندسی مورد استفاده نظری این
در منزل بوده تواند گذاشت که برای خود مادری و زدن علامت خلخاله در درو
خواه آغاز عمل کار B شده و اورا خبر کند با خود آن از کارخانه خارج شود
(A محل کار را و اسم محلی B را می دانند) . وقتی A برای اوراد کارخانه می شند B
چنانکه کارتر کارخانه هر افراد هست و در خانه جایگاه ماست ... تیریت که اوران
را ای از وقت کار کنند زیارتیں زد اهرم که تعطیل هستم و دروز گذشته برای تقدیم عبار
و ترک عاری کارخانه ! بکارخانه بیایم !!! آما مالا خود ناچشم اور دست آن
خرمیش فیلم خطرناکی کس برداشت و از کارخانه باساقن کی محمل خارج
می کنند (ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر)

* قریب ۲ روز بود که بجمع A و B و D وارزشی بوده و دو هفته ای ای
که بپارسی خانه پاکیاهی لعنتی میگذرد می خواهد و می خنثی و می خود و می خود که خانه ای
مجدیدگر نشده و دیگر باین خانه رفت و آمد نمی کرد لذا C قرار نمود نیجانه بیان و می
نمایم و باست سلطان A ای ای آن روز بگیرد .

ضریات و حسنهات وارد راین جریان صه بود؟ بعدها
ضریات بالقوه اک که مکن نور راین جریان بخوبیم صه بود؟

داین جریان آگرچه خوشبخت است اما این بیار نیامد ولی مدارکی که داشت
پلیس افتاد تقدیری نمودند که این ضریبه را به ضریبه سفید از نوع خردشانی نکند.
با مدارکی که داشت دستین افتاده تقریباً دیگر نا آن زمان، در طبع سازمان
اطلاعات هم و بالقوه ضریبه زنده است باقی نا آن زمان بوده تا اوراق آن لکینیاً
اطلاعات دستین را در زمینه های سایه ای و استراحتیک و تکلیفاتی از این زمان
ماضی نداشته باشد. این نکشن غیر قابل جبران و همچنان ضریبه بوده است در حال لغایه علاوه

* "اطلاعات بالقوه ضریبه زنده" در تعامل "اطلاعات بالفعل ضریبه زنده"
آورده می‌گوید و "اطلاع بالفعل ضریبه زنده" در واقع هیچ رده ای شخصی درین
مدارک لور فند است که با اولین پیکرها معمول نمی‌پرسی به تواریخ و اتفاکات و...
سازمان یا ضریبی ضریبه وارد نہ است. درین جریان از این نوع اطلاعات عیار از
لایس کار و شناسانه معمولی اش که محل کار اور اسنادی من کرد و خوبیها ن
با سمعت عمل رفقاء بوقتی به خارج کردن A از سارقانه و با کردن این بروزه
اطلاع بالفعل ضریبه زنده و حقیقت است دستین افتاده که عبارت بود از مشخصات
تعدادی از از اراده امکانات بالقوه و... که بجهلی بقیع جنبش می‌توانند بورز
استفاده و از اگرینه. ما اطلاع از پیکرها را می‌پرسی درین سورز نذیریم و من درین
جهه ضرباتی از این طبق، بخوبی وارد نهاده است آنها بحال نور و نیز این نسبت
خود نکشن می‌گیرند از ضریبه وارد راه تکلیف نمی‌دهند. این مشخصات تعدادی دسته از نظریه افراد بوده
است که در این خانه نگهداری کنند و لیکن توانایانه کلید نکشن از این ذهنیه ضریبی
از ۳ ماه بوده که بی محبت در کنار سایر مدارک هدایت اصلی A در ملاشیکی داخل
مدارک تو سعادتی نگذاری! من در والتبه ما هر چهار چند که اعتراف دیدم خوبی خذل را از این
کردند بوده و من لا همهیه بعیدان ضریبه و آنهم بله این حقیقتی بسیار از این برزمیهاست! که
باگیر افتادن این کلید دستین یعنی از تو اند نکشن از در را باز کند.

برایین مادرانیں جو ایں حضرت هار زیاد را بازدشت دادیم کہ میرال پنیر هسته
ولی میرال آن هفتہ هاو بلکہ ماہیا اتریں حینه تن از رفاقت کیلائی را بخوبی
مستعمل نہ داری. البته دیوار ضخم و غیر قابل عبور بین این دو نوع اطلاعات
و این دو نوع حضرت (میرال پنیر و میرال ناینیر) وجود ندارد و در سر الامم
و مناقب ایشان این دو نوع حضرت (میرال پنیر و میرال ناینیر) با ذکر لست مدارک
گیر اتفاق داده ام لغایت تقریباً ترتیب اهمیت حضرت های را که هر دوک در لور فتحی توانند
یک از ممال و خوبی وارد آن مدارک طبقه نباید نمود. البته این طبقه نباید
در رابطه با اطلاعات مایل مدارکی است که تازه ممال این حضرت برای پیش نهادن
سده و بالطبع لور فتح مجدد آن حضرت بیتیه نمی تواند بیاورد. البته این پیش
بطریک موارد تأثیری دایابایه استسا کنون هر دوک اگرچه در مردم بسی
از میل تأثیریک (سلسله شیوه حیل معافی) نزد پیش لور فتح باشد اما بعد از نزد
گیر اتفاق داده از همان تأثیریک پیش را در این به کم و لطف تأثیریک و ممتاز
موردن اتفاق داده بود که هر تأثیریک لذک محکمه و در شیوه دستی احوالی می باشد که
از نیروهای خود بطور آنکه امانت را و مورث را اتفاق داده نباشد.

لیست مدارک لور فتح ترتیب در صفا اهمیت حضرت های را که هر دوک
۱) آنکه نزد مختارانی که بینیان دارند :

الف - در رابطه با آفرین نظرات سیاسی - انترازیک موصود و فتوکر :

۱- در راه کامل نزد مختاران نزد مختاران با انتها بیول از خدا ایان .

* در اینجا نذکر این نکته لازمه است که ما اطلاعات « بالفعل حضرت زنده » را (لور فتح
دفترچه از نزدیک کلید از) در این لیست ذکر نمی کنیم و بار مقصودیت خود را دارد .

۲- مفعون مهندس ک بعد از این نزدیکات .

۳- بـ- در رابطه با هادرین س اول دروی تکیه ای و اخراجات

اصلی موصود (اغلال لار) :

۱- مجرعه تقریباً کامل دارد و بخطبه جرایح اخراجی اخلال طبعته (عیرانیه
پنجم کاظم ها و نقد سازیل برآن و معاده "شکت" مجدد)

۲- صتبه / کاظم با رفین B (در آفرین عس نزد زانه او با B) اطلاعات و تمهیی
که او سطح حی کند پطور کامل در این نامه متعاقس شده (در زانهها و تکلیده /
سازیل آفرین س اول بخوبی من آنرا که ضمیمه اطلاعاتی داشته سطح نشده
بوده . این نامه از نظر تیغه ای م تو ایز سوره کرد و استواره دستن خواهد گردید)

۳- سوره ها و نزدیکه / اخراجات اغلال طبی نند و مجدد در روابط عجایب
خود با A و B داریم (ذکر A)

۴- بـ- در رابطه با آفرین تا گسله / بورد اتفاق ده بار جعل و تسمیه دارد
استیصال و مایه نسیمات و ... :

۱- دارک هدیت جعلی و بورد اتفاق ده، فعلی A س اول بکارت کارخانه او
(فیض زری فر و انتبه بگرد و فنیق "رنا") ه بگ خانم خضریت، سنتانه ای
عکس های متعدد را با قیمت متناسب بگ کارت جعلی همراه (لادان) بکسرها
از این جهت نیز اهیت دارند که مجلس نماینده عکس را نسبی همین مجلس و میں همچو
راد ایمه دبا قیامه جدا و آنهم متناسب از او عکس نداشته . لورتن محل کار
نزد رضی اطلاعات تبعی برادر دستن همراه دارد .

۲- بـ- لباس کار کارخانه B (لیترون) که بار تغیر نیافرده و ده بوده (از بیک
صفته قبل) و پلیس از آن بجمل کارا ود . . . می رله .

۳- شدنیه جعلی مغلق س اول بیکار در راه از اندی هنقهه کارگر
www.neyka.com

- ۵- (ما تمیل زید) آنکه شما کی در این طبقه با یک برنامه فوراً و در راست اجرای راهنمایی
و... باگیر افتاده کن امّا میلیس متدجه این برنامه و تائیک لوزفتدا آنکه در
محسوس از این برنامه وجودی داشته خواهد بود. با وجود آنکه بر این شناسائی ها
وقت بسیار صرف رزوه بوده (حدود ۲۰٪ نسبت وقت کامل یک عضو)
آنچه بدلیل اختیارات لازمه مجبور شدم از آن جسم بیوگرم، برنامه برای دیدار به
تعویق میافتد (به این راست سیاسی و تکنیکی تعویق انتشار خبر و سوروزی نهایت می‌بود)
و اینکه لا بد هسته با صرف محدود از روی ریاضیات اینها و پذیرفتن خطا است
بیشتر تبا نیم برنامه است بسی را اجرا کنند.
- ۶- یک بزرگ، فاتحه خدمت سخنیز، یک پایان خوب است اصلی، تقدیر بر کمال
آن را ده که از این دو این خدمت اصلی و شناسنامه تلقیه شده بوده که همه اینها داخل
یک شناختنی سراسر پاک شده وارد استند و آنکه جعل بودند.
- ۷- ...

۸- در این طبقه با ارزیست داری اسلامی، دستور راه، طبقاً موادر
هستی: ۱- کاهش روزانه طبقاً فرج. این روزها و مخفیون این سیستم روز بعد از تلاش
۹- ساله رفاقت رسول در این زمینه و تکامل سیستم ها و... هست آمده بوده که
با یک نیز یک سیستم دیگر سینی و با صرف از روی ریاضیات اینها پذیرفت.

۱۰- تخلیه یک پایگاه بسیار سختگذر بر لیل احتیل صنعتی که ممکن بود میلس از نوارها
باکر را بد. این دفعه در قدرت میلس نیاید این حادثه نیز و در هدف است رکدن نوارها
ماشیابیوں (که قدر اینکار هم طبق تحقیم قبلی سازمان درست اینهم نهاده بود)
با ز محصور به تخلیه این پایگاه بود که چون همچنانه اطمینان داشت آنکه نوارها
بدست میلس نیافته هست. این دباره هنال اسلامی و... در لیدل
دو قصص مانند این قصه بطریک برآور زنایل آنکار میلس ۳۶۲ و وقت کامل دو عضو را میگرد.

۳- تک عذر نادریج، ۴- دانه فنگ الایمیل دست ساز (درجه ۲)

۵- صدور D عذر از اعلان های روز خاپ شده در قریب باعث ایجاد کارخانه.

۶- گذاهینه اصلی A، دو گراحتینه اصلی B، سه شناسه های جمعی میان B با اسوس لور فرود و لور فرن، کارت کارخانه بینی B (شرکت لادال) با مسئله تبلیغ و لور فرداش، کارت کارخانه بینی B (مانام لور فرن)، سه شناسه های متزوجه قابل استفاده (اعین و غیراعین)، ۷ شناسه های قابل استفاده که داخل پاکت صادر شده بوده و بازی سه خواستم به قیم (چهار $\frac{۱}{۴}$ این شناسه های قابل استفاده در این پریل گردش از انتلاع).

۸- تک عذر آذنش و تئوریک سازمانی نظری: حلب ۲۳۰ نشان $\frac{۱}{۵}$ ، لین، ۲۲ نشان اخلال طلبی لین، چه باید کرد، نظریه محض، اعلانیه های متزوجه،

۹- اعین را پاکیزه دلار، گزارش تکمیلی را مطلب مطلب ۳...

۱۰- معافی باز از عکس داریک رفیق سید (یا ایلر).

---۱

۱۱- در اینجا باز از کلم و لفظ گروه، مسئولیت، آخوند، رسانیده، مرجع و موفع و پر ایک اعین کرد و (کار کارخانه از هر آنها یک تکلیفاتی و مسئولیتی مرتبط نه مکمل دستی از این نوع کمتر دیده بوده) ... :

۱- گزارش ت، نوشته ها، اعلیمه، مدارک انتهایی و...، و بوطیه حدود لا تقریز اعین و یا کس نیکه بکلی درگذشتی حال در اینجا باز و بوده اند.

۲- در این کلم کارخانه رقمن و حق محل کام و B را ایمس.

۳- نظرات و تحلیلهای A و B و اعین در در درست مدل و مدل انتراویک.

۴- بحث پندر حلب آفرینش گردید.

۵- نجفیانه و بوطیه جمعیتی کارخانه ای از اینجا بیرون میگردید.

---۲

۶- در اینجا باز از سریع و دقیق پس از اینجا بیرون و در اینجا باز و...

۷- نوار زد اکرات و قطبیت در بوطیه.

- ۲- نامه آفری سازمان آنها همراه با فرستادل متن اسناده و... بساز آنها
 ۳- یک قرارگیری با ناصله نهان چند هفته از پرالانسعایدل (البته قرار غیر
 تابل اجرا بود) چون سلاسل راهیه قرارداد نشده بود

فر - در اینجا با اضافت هر چه بیشتر و بعد از آن روابط با اقدامات او و مراضع
 آنها مزدیل در تعابیل آنها:

۱- مقدمة انتشار خارجی نشریه دیره کعب ۲ (باصول زیاد)

- ۲- دو نامه مفصل آخر از زبان آنها مورخ دی دیسمبر ۵۵. این سه تا از
 چه در راه آزادی از تهائی خارجی می باشد ولی بر حال چند ماه در مطلع سال داشت
 از این مراضع و این روابط برای صیغه فواید و مقتضی دارد.

۳-

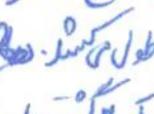
در تحلیل از این ضریب که مانع قبول آن خواهد بود مطالعه کنندگان
 از آنها، فضیله از شدیده و هنوز ایجاد و اتفاق ضریب را تقدیر نمایند و از
 کنیم دیگر لحاظ در تحلیل صنعتی که که موصوب بروز آن ضریب شده اند و در
 نتیجه گیرید که این انتیک دیا مونوفلی مان از ضریب دخواه از از کافی نباشد بلطفی
 نگار، جدا نکردن اصل از فرع و... خواهیم کرد. لذا از این "ضریب بالقوه ای"
 که انتکل زیاد برای این فعل در آنها نهاده و ایجاد ضریب و خواهی است و خواهی است
 من سند ذکر این کنیم:

- ۱- متحمل ترین ضریب ممکن، که تمهیل با جمیع نسل که به در هنگام انتگار
 بود بطور ایکه تنرا از از منطقه بگذرد که بر حال بیان نمودی وی مخرج می شد. فنقری
 کم و تقویت و لمحه ای سرعت عمل کمتر کافی بود تا این تبل از اندک از آن خارج شود و با
 ناصله کافی از محل انتگار داشته باشد، نارجیل متغیر شود و ناصبعه ای ایعده.
 صدای اس عمل ماقصص انتگار خود معدود از برای این مبتدا نمودیم در صد و صد از انتگار

ترمه ها کی ندارد ای که بچه های آن بازی می کنند و داخل هفت یارخانه خودست
 قراصه داشند بوده است * در عین حال جرمه دلوار زیادی هم از بالا زانو خود
 زده بود که هست این نواده هم رفیق را بخوبی بکند * اگر نایاب باشد سرعی انسان
 نباید بعد همین موادر از عدم قابل تعیین در تقدیم گردد -- رفیق باعث می گردد که
 او ندرای ملک کند و سریع عمل لازمه را بخیزد نه هم بلکه می توان حدس فوارز را
 که ۴۶ ناینه زمانی تا پیش از بار این نای را بگیرد فرمات کافی از بوده تا بتواند
 متوجه باشید که وظایف از اذطاق بیرونی یا نایزد طالب اینجاست که حق و حق
 A دالته بلاف در سه آنچه می رفته و سط راه هرگز نهیج که اینسته ۱۹
 تا بینند نای را بگیرد در این حال است آیا وقتی دار منیر شور نای را خیر ۱۹ و -- که
 می بیند خانم رکن نای را بگیرد از بینه بلند نایه که در گرد راینها مطیع می شود و همچنان
 دارد و همچو خبر در شور و قوع است تو می بیند املاک در اینه ها را این اسباب
 تا ساختیک رفیق لامجله همین عکس الفعل و ترد و کند A لپس از تغییر صور (عاجزش نداشتن)
 روشن می شود که تا این حد خطر جان خود A را آشنا نماید کرد .

۲ - خطر بالعمره بعد از گیری اتفاقی B در این جریان بود و زیرا بایس کار کارخانه ای
 که در این موقع B در آن مسکونی کار بده سبلاده همیت بجهلی و مورد احتکار
 اور متسا نامه و نشسته (عدم کوته پرسنده) در منزل بده که اینکله آنکه نمی پس از این وقوع
 * تو فضی اینکه لپس از ها سبدان من این ۳۶ اسباب های این اثاثات عمل کرد و سلطه ای
 ماده نای را بگیرد نه لپس از نایزد ۳۶ ناینه سهل به خوش اصلح (التجهیز) ایده و
 این هایش ماده شتره درون پرسته را منتشر می کند .

* * از نظر تحریر مقاله همین عکس عمل کرد خواهش : نزد و مصالح ای ای ای ای ای ای
 مفید است .

حداره (که از نظر) نا دقیقه او را کارخانه بیوک آمده و کوارتیر سینه کودا در
صدر تیکه A بگاز خانه او بنز نست / B طبق معمول سرتیفیکات کارشناس کارخانه و با سرویس
درست کرده بوده) سراغ محل کار او برو رو همانجا دستگیر سینه کم نست * بعلاوه
این اصول هم و صور داشت که با توجه به مخصوصیت B و خوش فناوری و ... اوصی و تسلیم
دیگر است A برای اراده علاوه سلاوق خانه خانه از زده (در صدر تیکه B/A آنها قیمت اضافه
که من توانست خود را بجهل سلامت برخانه) بخانه بود (ضمن اضافه فاصله ای کم نست)
حدائق دوبار انجام داده بوده لذا اصول جنین بخود رفته بخوبی ایمانه (کم نست)
۳- خط بالتفویه دیگر گیر انتقال D بود. این اصول اگر صحبت نماید و لی
که بحال وجودی داشت نزیرا علاوه خط خانه می باشد در رو محل زده می شود و لیکن این
نه خط اول را از زند در حالتیکه اگر تا قبل از ورار صبع جمعه D با جمیع سوابط احتمال اکثر
برای D می شوند (D عقیمه حذفی هم گردید و بگذارند هفته ای از روز بخانه می شود و در این
او از تیر به این طبیعت می سازد و ضمیم آن جمیع داشتنی های نه طبق نصیحت معی دیگر
عنی باشیت آن خانه وقت داشته باشند) و مجدد راهی آن دل بخانه می شود بنا بر لینه فومن
با اینکه بیشتر فقط خط دوم الی در مسیر او را اداره نشانه هم کرده و بخانه می شود که در
* اینکه طبیعت همچنان متصویه محل کار B شده و په وقتی از آنجا سراغ B را زده برا
ماردن نست بعد این حالات بیار طبیعت اینکار آن ۲۰ ساعت طول می کشد. 
ساعت هر ۵ بقدام آنچه که از اونتها از نیمه آن تقدم برداشته شده ۲ گزین اداره ای
توقف کند رسیده ای در حالتیکه تعداد از سر فیصل هر دو مائیش پیا داشته و هم کنار مائیش
متفوی محیط بوده اند نیست. ۳ رایش طاهر کارخانه نیز و هاور ریشن بوده آنها ل
بعد از طاهر آمدت نزدیک اینچه از دو بر جال هنوز بطور کامل مستقر نشده
بودند صدر این صورت آنچه برشما کی نیاز دارد در زمانه دکوری ها / اطاف
کمین میگشند نادارند و از این نظر اینکه این نیاز همچندیست و ضمیم محل نمایند و در این میانه

آن‌تعدادی از علاوه‌ای خطر داشت در معرض خطر بوده. علت آنکه از علاوه‌ای خطر داشت خطر داشت بوده آن بود که قبل از تزریق بدل نباید محل این علاوه اخراج نمایند... صحت از تعطیف و لذت این علاوه اش بوده و با استفاده گلاب سرد بوده این علاوه لغواره لذا محل آن از خاطر نیز محسوسه بوده و مرتعیله لبلور آنها A، ادار محل علاوه اسماش قاچانه می‌بینند و قرار این تزریق که از خطر را برآورد فقط بلور می‌بینند و جو ریک علاوه از دو خطر از خطر داشت بوده که بار برطرن کردن فکن می‌دانند و علاوه احتماله بار آردن D من گذاشته به C می‌گویند "حسین ابراری" - این ره به محل خطر اول - که درسته C با اطمینان از آنکه خطر دادی و خود زیارت فقط علاوه اول را هزارند. جالب اینکه بعد از آنکه با B صحبت نمودند نه تنز زدن خطر دوم را بعلت تزریق نباید خانه و در میز تزریق ها بودن! ایک سک خطر نک می‌دانند (علاوه از دو) روسی باشه تلقن در مقامه مرغی بین سرمه و خطر اول (می بود) بلکه زدن خداوند راه هم اصولاً زیاده علاوه و مجهشت هم خطر را آن اور محل علاوه اخراج نمایند بودید کجا من بود!!

تحلیل تالیفی - ایدئولوژی این واقعه و ضرب دارد:

۶۸ این حادثه را خ دار؟ صنعت، استیاهات و اسعادات وارد این جریان نموده بود؟ نفس سیراعنا کرد و چه بود؟ کدام صنعتی جمع باعث

گردید که این ضربه ابعادی داشتند گزندگانه ای بخوبی بگیرد؟

در تحلیل این ضربه بطریخان مده باشد گفت که لیبرالیسم نهاده زمینه مسائل اقتصادی نظری

سودی حسن ضربه / و با حسن ابعادی گردیده است.

لیبرالیسم در اشکال متعدد عرض، عدم احساس مولتی، وزیرگاه اش خواهای

ادله از زمانی در زندگی ملی اسرائیل و نظامی، خوشبختی (ماشی از زندگان تغییر داده)

خود را (دوست) / برخورد خوبیها لانه غیر دین عزیز طبع سبلکارانه و درین کلام

برخورد غیر علی من باشد / هر نظامی، عدم لذت متعابی لذت (جهیز) ...

این صنعتی کی هستند که مزد را / بازیز از خود را در این داعم و بطور کلی در روابط و

حقوق صیانت حاکم جوانی کروه دائم است. این در این میان صنعتی / A و B

نفس کاملاً بازیز / دائم است. این لیبرالیسم در این ملی اسرائیل و نظامی خود را

و من قوانین از لیبرالیسم تکلیفات و میان این رفاقتها با اندیشیدهای بازیز از

این اختلافات نیز وجود دارد اما از آنجا که در فرع این نظریه برداشتن بینان

صنعتی کی من توانم این در این مانند به صنعتی که در رابطه با پل اسرائیل و نظامی همچنان

اولین شاهد ایله قبل از هر مزد را در این حادثه نظریه ای بخوبی بگیرد

پل ایله بر خود A و بانویک بعنوان یک و سی و چهارمین نظامی میان این ایله ایله

هرگذرنمی سایری وی را و ... که نیز به محلک دنخواه آنکه اگر در مردم یکی نباشد

موصیب ضریب این کنفیتا بینتران عکلردن ناخواسته (مشکل ناخواسته) ملاع کری دیا
هر آنکه دیگر می‌مورد. این مسلم است که هر حال در از عمل A او زمانیک در موقع بروز کمین
آن از علاف، اکسپلی بولیه حلقة از های خود بیرون ملیده مژده و با رفع این مانع
از سر راه وات صافی راست، این افرم (فناون دست) ملیند شد (از زمانه نارنجک
قاصله کرنده) ورزیمه هائی از اسارت عل کرد که لسی از چند ناسیه مرتب اتفاق
نارنجک گردیده است. بجز وقت و عدم مقتضیت لازم A در پرور رسانی این آنکه
خطانک بوقوع دیده می‌شود این بی مبالغه و... تنها در مورد کمین

نارنجک از علاف که لسمی تانینه در آن زمانه بوده نی باز توهم به مقدرات این انسانه
در پرور دوکاره از قبل رفیق نیز اشاره واکمال دیگر از عصف این نی دهنده

در مکملینه (کس) تجذیبات A چهار جمل تبعیه شده بوده: ۱- جای ملاع کری ۲- چال
مک ختاب افتد ۳- جای نارنجک ۴- جای بر از شنیده از فریه. آنکه نام
A و B و C میباشد آنکه داشتن در آن زمانه آنکه و تجذیبات (نارنجک هدیه قات افتد)
تشکله (افتد) A نزدیک بوده از آنکه و تجذیبات B انتقامه کشند. آنکه A و B داده

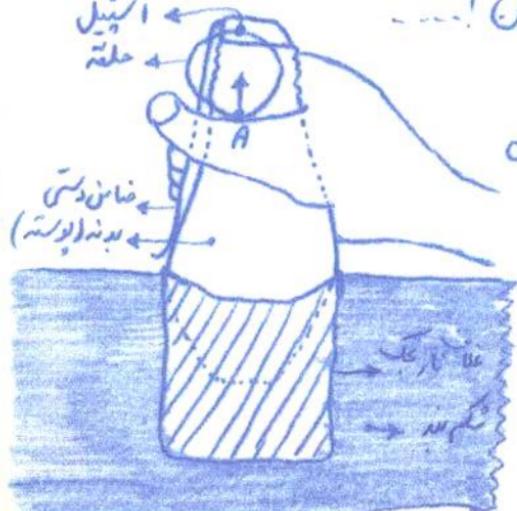


خطاب اضافه بود (شیخ اضافه نداشت) آنکه نهاده هم تعبیرات

داده ایک نایدیک و بیمه شده بوده بولند و درین آن دوبار عرض میک

خطاب بکشیده بوده. چون مکملینه B بر A مناسب نبوده A که عازم هماری نه
از پاگاهه بوده لعنه میگذرد آنکه و تجذیبات B را در مکمل شر خود وارد کند. در اینی ساره
ترین کار و طبیعتی نیز کار آن بوده که A آنکه و نارنجک B را در جای آنکه و باز
نارنجک کش خود نگذاشت و دو خطاب نامه بیمه را باز کرده کمی را داخل چهار
خطاب تکمیل خود داده ایک جای شنیده اضافه نگذاشت. آنکه A بدلاند که به
سیلکار رسانده گزینی بجز وقت و... و در تکمیل نهاده بیمه اینها
نطای خود را گردیده خواهد هم طور شده دو خطاب با این صورت بیمه اینها
در داخل چال یک خطاب بجهانه! که نیازمندی کلیه از این مکلفه (چال)

فایل A برای کسی خاب گشاد و بسته نامناسب بوده ولی برخال دوخته هم در داخل آن جای نمی گرفته !) این قسم هایگر دکدوخته هایی هستند در بجز نارنج گلبدار و نارنج را درجا فایل ! لذا نارنج را از جای خود در آورده دوخته برا درجا کنید (قارچ دهه و دهه می خواسته نارنج را داشته باشد) خاب گلبدار از این بینه سنت داخل می کند باید از این تردیک بین نفس از نارنج را داخل جای خود بمن کند ولی دیگر بسته آن نباشد ! که این طرح هم عجیب است برسی خود را ! و می خواسته نارنج را از جای خود خاب ببریدن بگیرد که با زور اویل نمی شود در همین جا فرضی می باشد همینجا خود را در وینیال می کرده ول در واقع علاوه بر مقیمه نارنج خود را که رایج فراهم از نلافی که تساوی سیاه کان هم درست کرده ایم داشتاج بینه در خیانی هم نهاده ببریدن بگیرم کافی است که آنگاه با با جله هماس نه استه باید را اگر دارو طور ببریدن بگیرم که امکان دارد آینه همینجا را به جله نداشته باشند آما اینجا برای آنگاه خود را در نارنج حلقة زره و بایک فی رضیرتی نارنج را او ایمه تبل لازم آن حلقة نارنج را ! از جایی ببریدن می کنم . در آینه حلقة و اسپیل متعمل باش میکنی و تغییر قفس بایهدل ! ...



* پاورقی :

آنچه این سنت باز رو میگاست . باز نسلت سنت درون بودند نارجیک بسته با این راز نقطه A نزدیکی داشت با لایه حلقة و اورس سور که همچو ببریدن کنید اسپیل میگرد .

محمل ترین حالتی که نظریم از آن استه موقع ببریدن کنید نارجیک اینگاه میگیرد که کل دوز نارنج حلقة خود را بوده اطوار ایمه کند آنگاه

در این مطلب ابتدا که ذکر نموده ام دستگیر از فرود A باشد از ذکر کنیم. پس از از
قبل از این حادثه نسبت فنی دل مکانیسم دقیق نارنجی داشت و تئیین قطعات مختلف
از زندگی نیک ناچیل و ایمنیان بیان می‌نمود. بلکن این مکانیسم در سو توکلیه بازخواهم
از نارنجی استاده کنیم و ملته آن را آنکیم، D قطعات مختلف بین نارنجی دار
هم باز خود را دویه A و C نمی‌دارد. استاد اصل نارنج را از سر نارنج باز کرده و
کسی مالوره ناریک (شامل ملائمه انتربوت، ماده تایپر و جاگزین انتربوت که به جای این)
با باز کرده و آنرا آنباره را بگذاشت نارنج دسترس دور باشد، D دوباره اصل نارنج را بینیده
و بینت A و C در همان اثر کرام با گیندی حلقة منزال معاویت این مکانیسم را
موقع کمیل و نیزه که برای این مکانیم لازمت است اینکه که آن را نیز اینکله
راجی کنند. پس C مالوره ناریک را آواره و D دوباره آنرا سبز صاف خود چشمیده آما
A در حالیه هنوز هم بجا نسبت بوده بدوی آنکه مابین این دو توجه کنند و بدوی آنکه لا افل
وقت قصده باره گیندی حلقة را در بر از اطمینان یکباره بگیرد و اول کنند، با
هز سهی این مملوک را لذ درست حق کنند که مکنند !!! که D فوراً درست او را
چیزی که لوچی گویی "چکاری کنن؟" در اینست کیست؟ مگر نیز در مالوره را دوباره سر
مالیس "می‌خیدم" که A گویی "ا... مگر مالوره را هم سر چاچین کن از اینه ای؟"
دو اسم نیز دو... تو چیزی از این بقیل. هنوز همین دقیقتاً از این استاده
مالیس گفته شده بود و در حالت A و C و D هنوز دورهم نسبت بینه و در بود
نارنجی دو... هیبت نیز در کنار آن خواهد بوده، A یا B یا C
← سفت دویا از حلقة در طرف سایل قرار گرفته باشد که از این دو) زیر حلقة وار
گرفته و در قاعده این دویا، کف سرت و اگلستان بروی بینه نارنجی بطری بالا تغیره
و در نتیجه باش که از زیر حلقة (نقطه A) وارد می‌شیم ای این طرف بالا تغیره
و بازگشت طبق بطری بالا این مکانیسم بینه نیز و حلقة زمین استاده و ...

نار بیک را از تعلیمها / تعقیله دید (اصلان هم ترا نقوت شد) می‌ذارد آن‌لئه خود را
داخل حلقة ناریخ کرد و آنرا می‌گند و گویی دارد با اسب باز را / و می‌گویی
"بایوی" باز را می‌گند آنرا حکمت می‌دهد که در حالیکه C و D از این عمل اوست
و ... می‌گذرد فوراً نار بیک را از دستش می‌گیرد و D با هفتماری دهدام :
این آنکه بسیار رفته که است، نیظری رسید تو بفریده در خود را که نار را
آنچه بیشه بضرور تو بعید خطا ناک است، از این پی بعد و می‌خواست بجع
منیست و هرگز می‌گذرد از اینچه و می‌بینی، تک دست تزلن "
اینست اگر A لحظه ای بعد از قدره که دوزندا / این اکنون راهی که اولتیمه ملنت حلقة
کشیده شود برآمده می‌توانست تعجب کند که ماهیه ای رفع می‌دارد. این‌گه که
در C هم عجز نموده بسیار می‌باشد و ... آماهرا همین تصور و همین اکنون بین A
خطه نمی‌کند؟ این با اصطلاح "خوشنیایی" او "لغه" و "روبا" کی کلام "حق" و
"زینبا" می‌باشد؟ بی‌شک خوشیه قدر "لیبرا سیم" نمی‌تواند موجود این خوشنیایی را باشد
اصلی از آن تغییر ماهر جا اسما از "خوشنیایی" ۲۰ بی‌شک راه بایه "شکل" بروز
این لیبرا سیم است و هرگز "خوشنیایی" را بینیان یک "صفحه مستقل بخود" یک مقوله
محض و تک رئیه از
زینبا و می‌صنعت بازی از دیگرین مادرد که در تخلیل ما و در بور مسخن) که آنرا
بر اساس صفاتیم (صفحه A و همینطور B) این خوشنیایی تفاوت هر لیبرا سیم درینها
نمی‌شود اینست - نظم است - نیز شک این لیبرا سیم از عدم احساس مؤلفت
که دلخواه / حمدانیت و اندیزه مقوله آنقدر هم تردید و در اهم تقویز مقابله دارند که
همواره یکی هاوس تعداد معنی از دیگران را بازدید و صراحت دلیل بر وجود
دیگرهاست .

(و مین ساله آیلند در جیل این خوبی پیش از فوز روحانی است آن بخوبی مطلع نماید
تیران گفت تنها من تو اند تام اینجا در صنف اصلی را باشند لذا مساله مدارک
است : هر چنانچه اصولاً این تعاریف ایجاد شده در جیل دریک جای جمع گردید.
وجود ۲۴ مدارک موجود در پایکاه اختیاب نمایند بوده؟ حالت پیشگیری
میش بین اینها برای احراز واقع افتخار از مبالغه خوبی از زاند سریع تخلیه سریع یا کاه
و... فتد بوده؟ کدام صنعت فریاد از اتفاقی که گردد و هر دیگر که
منزمانی در وجود آمدن حقیق و صنعت در بوز حقیق است باهای از اینجا در گذشت
اینجا در صنعت بعمر نمود؟

در این بیان رکنیت که اینجا در صنعت کمال شارب با اینست و کمیت مدارک و
اطلاعات لور فته می باشد این را می توان بر این بازگاهی به اینست مدارک
لور فته دریافت. لیکن در دوره مدارک پایه تکمیل و معرفه اینست بینی نکرد.
وجود چنین از این مدارک مخصوص چنین حساسی از آن نباشد از این طبق اطلاعاتی
اصول این مورب بوده و می باشد یا این می زندند و یا بیار دیگر از مشعل می شوند

اهم این مدارک عبارت بودند از :

۱- کلیدیک روز بین (از ۲۴ ماه بوده) که تزد A باشند بوده و او کلید وجود
حقیق چندر از این کرد بوده. جیل از این قرار بوده که در اواخر دوره این کذباری
شماره ۰۷ (محبود) هنوز زمزمه زان و مخالفت کرد و مسئول جمع A و B بود که از این
یک سری از فریاد کلید مخصوص باز کردند آن روزها را به این مرحله نمایند
کلید روزه ای باز کرد و با اینکاتما بالقوه افزار ... که در این روزه ای اند
اینست در صدورت امکان قدر را کند بورن آنها و در صدورت ضروری دیدند و ...
برخورد کنند و یعنی گیر لازمه را بینها بین ریلها فاصله روز کلید هارا از این بین بیند. آنچه مورد

آخوند از هر اغلال طلب خانی چهل او آنطور اور با انتقال و بحاصه سویش
کامل باشند و لینه برخورد کردند از سر برید و درای رفع کلیف ظاهر برخورد کلیدها
به A و B می دهد تا خود بازگشته و بینند چند پرس درون آن فوئنه و پرس
برخورد لازم نباشد !! واللهم حضرت آما راهنم در جوان گذاشتند ! A و B روز و کلیدها
را هم گذشتند مقدار از آزاد بازی کشیده هستی از اطلاعات سرچشیده ناقص و عملی برای ما
بلای استاده بوده (التبذله برای ملیس) !) و من دیگر هم که آن استاده بوده به لیل
بلای کلیفی A و B و مسین نکرد بلای از این برخورد باید از طرف سول لامحی،
این نقطه متبع و معطل می باشد که هم کشیده لذا در حالی بعد موظفع را به محمودی گذشتند او
هم که گذید سیار خوب رفزو کلید را نگذشتند تا من از زمان پیر سرم که باشد باز نه چکار کرد !!
(در طایفه خود با صلح عذر و کریت این ایشانی بده و بد مرد ران از هم توپیں کافی)
با وداده هم بوده ام کلید همکن و پست گرس از این قسم تا موقع فرارش هم .
اما A و B نه در آن هست که محمود لغزمشون بوده و نه بعد از وقت او با ابطی
مسئل بعد همچنانه موظفع ایشانی گذشتند که هم کشیده و من یک کوال استاده هم کشیده و بینند گردید
بای احساس مسئولیت کامل نسبت به لسانی نه بگذری است این در این روزهای آدمه
بوده نسبت به امکانات بالقوه مختلف خنیش نسبت به کار که بصیرتی از ندانه
شده بوده و ... - گلچی خس از و بر زاده از راز اسوسی کشیده . فرامحمد و روشن
گردند و اوضاع اغلال طلبانه ، خیانتگارانه و بای احساس مسئولیت های انتقال های
نیز گردند که این اتفاقات بیانی و ... لیبرالیستی او از طرف سازمان برای A و B نیز بای
محکم گردند که این اتفاقات بیانی و سول گذشتند این بازداشت مخفی دقت کرده
و ناید و ارس محبه و نقابانه تمام حکایت و برخورد های ... اور اور کامل کشیده
چه در این نیز نسبت میگردند این مورد نسبتاً نام از برخورد های غیر مسئولانه و انتقامی و ...
محور را بخاطر آوارگی و رشید موظفع تگذاری / رفزو کلید نه هنگام آن به طرح پرداز

A و B هنر در همکاری که این رفرز کلید داشتند بودند و من صحن هنر ز تازه و سطح بودند
اگر ام نداشتم و این رهنه آنها بجزیج من داشته‌اند * رفرزند B و کلید زند A بودند ولی این دو
ارضی همراه محولهای خود متریک در کنار هم بودند اما برخلاف این فاصله این اراده داشتند
و شده‌اند ۱۵ اوز بعد از واقعه اتفاقی بود که بطور اتفاقی و در جریان صلحی متنزه در دور ر
ستم رفرز ... با چشمی از زنگ او بود که این دستیاب دارکار لور فری بیاد A هنر زند
نمی‌باشد این کلید دستیں من توانند نخسی از دفترچه رفرز را که همراه دارکار دیگر گیرا قباده باز
نمی‌باشد و هم نمی‌تواند از اینها با القده و واژه اداد ... که نتوانیم توانند سورر
التفاوت همیشی و از گیرنده مطلع گردد .

آغاز دور دفترچه رفرز : دفترچه نگذار در فرقه سپاه موافقی در این خانه باشند هم بودند
وازنه هنر زند قبل کوار بود که B آنرا تلبیس نمی‌کردند از این سعادت و محبت و

* این رفقاء توانند رفرز کلید را در دو محل جدا از ایمان و در ونجه امن (بله اند از دیوار)
خواهی از محل سکونت آنها کنند و هر دو نزد هم محل آنها را با استفاده از دفترچه زند هم کردند توانند از اینجا
** اینکه چرا همچنان (یا زنگ) اسوانی که در جریان دارکار رفرز و کلید نمی‌گیرد بروزه
(اویتی) که عبور هنر زند از این دست بوده و ما بعد از آن و تا موقعیت هنر زند (حدود سه ماه)

سوال دیگر گیر از این دور می‌زندست هنر زند رفته است از این میان اتفاقاً اینها را
نیز خواهد کرد این رفقاء اهل را و می‌کنند که اینها این اتفاقاً اینها را می‌کنند . البته این اتفاق از این میان
دیگر می‌گذرد از این دست بیهوده ایجاد نمی‌گردد که در این اتفاق ایجاد نمی‌گردد
و هم گفته این بعد از فرار ادویه زنگی این رفقاء اهل دست و در در جای این اتفاق می‌گذرد
بودند سچله ایمین دلایل تا حد ترکیه اند و می‌گردند که این اتفاق ایجاد نمی‌گردد
قطفس A و B و مسول صدیق آنها را تعین کنند .

تفصیلی این بین A و B و D قرار نموده بود که حول آن کسی نه کلمه رفاقت نداشت اول بود که در این سطح با این خانه بوده و نه صورت امکان دارد در صورت وقوع یک هزینه وابع داشتن چشم به رفوبهم به کلمه دکتر سپید آگاه است بایستی B این ذفتر میرا میکس دگر که در کنده و او که غالب او نیست زاده در خانه اش می باشد (برفلات A و B) اما اگر از قبیل دویی و میتوانند در صورت پیش آمد که خطر فرو آمده از راه بین ببرد راه از این روزگار نباشد اگر که دویی این اتفاقاً و عدم احتمال مسویتی و عدم پیگیری هارهای رانیکاریست

گذش این ذفتر را.

۲- یک شناس ای در این طبقه با یک برنا به فوراً و در وقت اجرای مامی گذارد از این شناس ای خود A-۳-۲ لفته بود که دیگر زانه بوده و می باشد از زانه پلنه صفت در تفصیل اگرچه باید قبل از هزار خود خود بوده بود، آنرا بفرمایانک سوزاندن هاگذاشت مخصوصاً اندوک این پالس همچنان تاروز فرمی باقی مانده بوده.

۳- نزدیک تدوین B در درجه صحبتی را انهم با او پاک نمیس این نزدیکی را شدید بوده و می C بر این طالعه چون کند این آنرا کلاه ایسته بوده ولی بعد از خواندن از این برد که اینهم داخل پاکت سوزاندنها سالم بوده است چنانی من اند.

۴- یک بزرگ فنر کمی گواهی عدم بوده بیشنه B که کاملاً زانه بوده واحداً این هنر خود را باست باقی بگذر جویی می بود که اگر گرفتن در کارخانه صعب بر همین خود و گذرا این در این آنکه اطلاعات ملس و از این کسکله ها باشند کند.

شناختن این معلمی فعلی B که این باست همان خود نیز باشد و نه در هنر.

لباس کار آزمد از کارخانه B. این لباس را B برای تغییر علیینه آورده بوده در حالیکه در هر ۵۰ کارخانه می توانست و من باست بازدید کوچک این اند از تغییر لباس حدود ۷۰٪ بوده که این لباس کار در تنزل مانده بوده اند ملس با اینکه با این لباس که فصل که در کنده ایشان شناختن معلمی B که با هم این لباس در کارخانه نگذشتند

قرار داشته باشند، خمام و ضلیل سریع سهل کار او می باشد. این اند مطلع اینست که B

بگذران این ورود کارخانه خود را نه بگیره امّنیتی همانه هنگامه سکه
از کارخانه به خانه برچگشید استه؟! مگر ملیسی خی تواند اورهول محل کارش
درستگیر کند؟ این خوشنیاں بوجعد اسس موئیش در حفظ خود بجزی از نیاز دارد
که حق بر قعیکه ه بکار رانه او حیره دار و از اوصی خواهد که فورآ باسیں را بپکرد و
با اورهول بخانه / از کارخانه خارج شود او ساده لون خانه منزه است آذانیها / که غنی شود
برخواهد آنها اوزر را آفروخت کارهای خود را و پس فراهم که تعطیل هستیم، شنیده از

بروزگار! برای تقدیم حساب و ترک عادی! کارخانه بکار خانه هم آمد!!

B شرکت سناهه محلی ملیس را (لورنده و لوئزنه) رهراه میکارست شناسی سری
عملی (ماستیعات سبلی لورنده که در زیر کارست دیگر ملا انتشاره خواهد بود) و مدار
کارخانه قطبیها استرا میخان ماهلا نگهداز کرده بوده (که با تقدیم تشکیل ملکی عیال
مدارک هویت داشته است!) در حکایتی باشیت شناسانه ها و کارخانه و مدارک
لورنده را با معدوم شاید و با در صورت اکمال اسما و مستحقات آن را پاک کرده و بعیار
استفاده محمد (خرد یا سرین آزاده ساز و پس آنها را هر امکان شناسانه عیال

استند و دیگر از خانه خارج نمیزد و در محل امنیتی نباشند رکمه.

۵- مک خانه خود خودست اینکه خود خودست اصلی و نک شناسانه ه و در کارکرد...

که خونه رهه / بوردن ۲۷۴ را بر حمل آماده کرده بود که بیل پروفورد اتفاقی داشت
مس مس کار / اوره مالکه خود تقریباً همگونه کارست شناسی محلی نهاده آنها
درست نمیکنند و باید از رفتن از این خانه با خودش بردازد خودش باله قا
بالاخوه بیست ملیس س افتاده.

۶-

۱- نیاییست عده مدارک افتخرا / بوردن که اصولاً یا میباشد قبل از
بنی رده هم کردند و باید رکه ملکی ملکه که حق این مدارک افتخرا ابعاد ضریبها
با لقیع گزده کند. آناره در صورت مادره خانه ها بکاره همکاره همی مدارک املاع
و در جراحت فراهم داشت که خود را کارکار آن را بر حمل و بیوردن راند اما باست

نکره خواهی طریق و سمت ملکه نیز که حق اسلامخان باعث گیراقداد این مدارک بهترین
باشد. بساک از منظور خواهی طریق مشتغلی در سازمان ما وجود داشته است آما
نماینده این خذابه های گردد و رعایت نشود. مدارک لوزانی از مدارک
غیر خذابه های حق باشد جدا از بودند و در ظرف مسابی (معقولاً زمانی از میان انتخابه
میگردند) نام موقع سوزانند هوازز ری بالسون برگرد و معتبر بوزاند) لذا این حق میگذرد
که در مکالمات آن ذهنی از نایابیم (تسلیل + یونولیت + تبریز) و تکریت باشد آن ماده بروه
دلی در این وضع بجهلوئید بود!؟ قریب مکاره و نیم بوره که A و B خانه پاکاهم
را آنچه گردد بودند آما در این مدت مدارک اینها بعیت تلبیه اشده بروند
همگذشت در میانه / بروند همگار دل سوزانی ها از تبعیه داخل تک چهاران معقولی و رجیمه
لذه بعد که اینها و همهاست هم داخل همین حد ای اگر این شرط دارد برا فحیله کسی
خواهند بوده بعنی بسته از اوقات که هردو رفیق بزرگار بودند، حد ای این بحث مطلع نقل ممکن
خودش (که با هر کلید چهارانی) و حق باینها قی مافت رفت می تواند قبل آنرا بزرگار دارد این
میگذرد. در این بورد می شک اتفاقاً عده های A و B بری گردید (زیرا اینها با اصل هم
علیه و را ای خانه بوده اند. D آنرا در دروز آن فتحه را بخانه آنها میگذرد و
معنیال مهمل پیش آنها مانده و حق اینقدر رفعی میگردد رفته و آمد و ماذل
او از دید صاحب ندوسته بین قسمی بازد. C نیز تباود و هفته بود که مجمع
A و B و D پیشنهاد بوده و ملکه نایاب نیز بود که هم کاراصلی او و نیز
هرچه ترور خانه / جدره و اتفاقاً زمانی خانه نه بوده است. تا این هفته اول
آنسته بجهلوئید از افت و آنده (سب موابید) C مطلع بوده و تازه بعد از
این تاریخ بوده که محله ای موردنظر صاحب نایابه لفته شد و دیگر اور اینها میگذرد و
عامل A میگذرد. بدینصورت C و D خود متعلق اینها هستند و ملکه نایاب
آنسته نزدیک و تسلیل و یونولیت و آنها میگذرد. راند اینسته و آنها میگذرد از A و B

جز اند که این کار را انجام دهد. ولی C و D تقریباً همان زنگنه نگفته بوده. C بعد از این روزها و اورس نگاه میراث عدم وجود نایابیم و حد اندک دل مدارک سوزاندنی محدود و در این باره علت را از A و B
پرورد و بر این شرط نایابیم و حد اندک دل مدارک C و اصولاً لقتنیه دل مدارک و نوشتیها
تک نند که می‌دهو که بحسن خاطر بالا ذر A مدارک و نوشتیها خود را لقتنیه کرده
و دل مدارک غایب این را در پاکت سوزاندنی هایم گذاشت لایه غیر از A که این افز
که جول داخل طلق مدارک هستیش بوده متوجه می‌شوند). در افزایش از دل مدارک
C مدارک سوزاندنی ایه غیر سوزاندنی مدارک ده و در "ماهی تابه" ایه داخل مدارک
نمی‌گذارد اما اینکار او گونی از دل B (و A) نیاز در بوده است! ~~C~~ مدارک
همچنانکه B با عملیه من فوالت بیان بیوه دعا از این قرار می‌شود دل مدارک
مدارک که نیاز داشت، تمام مدارک چنان و ماهی تابه را هم زدن نظر کرد اما صدور
زیاده دل مدارک غلط نیز نموده در روزهای بعد نیز آن B و C نیز درخواست بودند با این همچنان
بیشتر تقدیم شدند/ دل مدارک داخل چنان دل مدارک دسترسی سوزاندنی و غیر سوزاندنی باقی
نمی‌باشد. C با وجود می‌دهد و توصیه به این احتلال امنیت (نمودن نایابیم و حد ا
نمودن مدارک) هر حال همچنانکه در تحلیل نایابی های اتفاقی و خود را در متن گردد صحن
نگردن برقی است، برقراری میگیرد این لازم رایم کند بطور مکمل نایندزدات و فوالت
او از A و B بنتیجه نیز دخلی خود تراکمه باشد و از این لیکر بینهارد.
آنکه کوسته ای C و D و پیکر این لیل در پیغامرو و میانزده بالیهای این-نی-نی
و B، علاوه آنچه اند ازه می‌توانست مغاید بالله و آنکه اصولاً در عرض ۲-۳ هفته
A و B نایابه اند ازه تغییر کرده و اصلاح گردید و نتیجه عالم این تغییر در میگیر از این
ضریب و میگیر از این نتیجه این ضربه می‌بوده بلکه این میله اس و که دل مدارک کوئی
C و D ای اصلاح و ضعف سه از دل مدارک. با توجه دقت قیق روابطی که به عنق لیهای این

A و B و عقیقی احتمال ممکن است همان فوئن خواهیم داشت که اتفاقی خطا باید رخاند و ...

می توان در این شرکت بیشترین پیگیری C و D یزد من توانست مانع از بوداداری این ضریب را در حقیقت کم کرد اما با ضریب نیز مانع است که داشت ولی اگر از اراده در از حدود نکند کنیم پیگیری کافی C و D در برخور را باید این سیاست نهایی A و B عمل نمایند و باعث می شوند بیشتر موظفین از توالی اینها را درگیر نمایند.

منابع از دیگر از این شرکت باید این سیاست نهایی را فرمودیم لیکن همچنان دیگر را در ... A و B دستیاب نداریم که با این اوضاع باره دو ترسیم کار خواهیم داشت این دو اسیم برای اگر قرن و داران سلامت خانه (خانه قبلی) همانگاه از کار خانه خارج شوندند و هر دو ترسیم باره اول اطلاع از اسلامت خانه (مثلین بدهندگان) که یک قرار اول خانه بود و سلامت را برای تقدیم نمایند آنها وارد می شوند درین لیکن در همه لمحه های اتفاقی که در فضعتی باشند بودند هنوز این اطلاع سلامتی کمتر و داران خانه را باید حفظ کردند این زمانها با خوشبختی می کنند که لوایکس که کار خانه هم را در دیگر خطوط معرفی کنند و خانه اس نمی شود ...

۲- در دست یک عاشر که باین خانه باشد یا کامپر آمده بودند (قبل از آغاز CC باین خانه) هنوز جمل سلامت مناسب برای این خانه تهیه نشده بود و بعلاوه سهم سلطنتی و منابعی هم برای این معاشر خطا تخلیه و صلح محید و رفع اغراض خانه نداشتند از جمله این دلایل از خانه ای بسیار دو ... و خود نهاده ... مثلاً جمل خطا باید باین خانه ترددیک بوده و باین منابعی هم نداشته باشد این معاشر آزادی از دست A و B در مردم خانه نیز را داشت رعایت نمی شود ... همچنان معاشر آزادی از دست A و B در مردم خانه نیز که من بازیت A برای این خانه زد و حق یکدیگر را وحدت دیدند عالیات رفت A و B کل مشترک عالیات را گشت لوزند و خانه منی رو داد.

۳- A و B مدارک و اسنادی های اراده خدایانی که فقط یک قاعده ایمن ساخت و سازه داشت نگذاری می کردند در این لایکیک تقلیل و بیت فکر می شود از این دیدواری که کسی در فنا نه نمی شود ممکن است این خطا را برای فاظت از کنکا و دیگر اقوامی علاوه بر ...

با ستاجین و یا نیس ساده آنها و یادز رویا...) و معمولاً هم در خانهها
یا از جایی که انتداب نمود (برای اسلامیه گنبد) و یا از صیوان با خفت و سبک هم.
D دروزهای اولیه که بجمع A و B وارد شده بود، هنوز استقتنم نیک جایزی ای
برای روارداد اسلامیه هارهای دو اتفاقه کسی در خانه نیست و هر روز فتنه برکار هشتمد
فرمید که جمال حلم چشم را مطلع می کند و A و B می پنداش که اینکار را می تند
ولی بعد از مکثی روشن شد که با وجود زدن کار در دارای مورثگردش بودند بالافاظ و موضع
استقتنم جایز / منتفی نمود و دریخت چشم غیر ضروری داشته سپهان آنکه جمال فریم نمود
اما در این اتفاق این رفاقت عدم احساس مولت لازم نا ایمه بعد از بالافاظ چشمی
D - پیمانه A و B و C و D برای کار را باید سپهان نمودند B برای کنند خوب هم نمود
یک سرمه از روزنی سرو مع بخوبی بخواهند که در حالیله نارنجک او در کوشش تخته ایشان
سل و دجال اتفاق نمود. D بادیل وضع نارنج و قب نB هم از دهد نه
(بیا، بیا...) ولی B می توهم به این اخلاق راه بعد از ۴ بار خواهید بیانی بالافاظ
نارنجک از گوش روی زمین حس افتاد در حالیله - و مترا نظر فتر مک خانواده برای از زخم
نشسته بودند. هوشمندانه کسی متوجه نهار نمی سود و B آنرا فرآ درگزند خود
چنگ کنند. A و C و D که از این ~~حکایت~~ می خانند ها و نارنجکوں ها را غیر مولانه B
ناراحت شده بودند با اینکه دست کشید که هرچوالت را بخوشم کنند و - D چیزی نیست
که بار بتوکنند بیا، بیا... ولی تو همچنین توکنند همین نیز نمایم کنند. جایی اینجا نمود
یکار که B از این انتباوه ماحصل خود متنبه شد فوراً در صدر تو صیکار از رساند
و با گفتن کاملاً احمدی می گفت "نخست! تو سه بار گفت بیا و بار گفت" !!

۶ - A و B باید خود را رونکارانه و غیر توده ای خود را صاحب خانه و ستاجین
شناخته بودند و در واقع خود انتداب بودند در حق لازم با آن بخواهند راز آن اطلاع
اولیه لازم ایمه است آنرا نیز بیکار خود را بانکار و صیکار رونکاره و... در زخم آنها جای
بیان نیز اند و خلاصه با جوشنی با چیزی خود را در محل حاییانند از نمایند. فن اسلی آنها شد

تمام مساجد که در آنها مجاورشان بوده (در ضریح اجس و نسخه‌هایش) در سرتیفیکات
باشد دستگیری شده باشند و جوین می‌فرمایند تا همه مکالمه و ملیحه قابل
و خالص داشته باشند در حالیکه او عذر برای تعلقش بوده و در حق خود را آدمی اهل معابر
و بعلی معرفت "جوین" بور. A و B صراحتاً بمحاباط نیز قادر کارهای
دانسته و شخصی B به ساخته سلیمانی بود که می‌باید می‌باید زن و زنگ در میان
جهنین باشد در این آنچه و در ظرفی که برای رفع حادثت C و D استواره بود
(که آنها محسنه رفت و آنها محکم کردند و در پیش از که موقعاً آنها بودند قرار
گرفته بود که شخص المقدار در وجودشان در خانه لهر جوسوس باشد) رفع حادثت
عنده بور!! این اتفاق بعد از ملیه هنوز شغل تمام مساجد (۹-۸-۷-۶-۵-۴-۳-۲-۱-۰)
دانسته و شخص تمام آنها را نیز می‌دانند و موقعاً که C هنگام ورود خانه
بعد از مساجد و سفل آنها و ... از A کوایل کرد و اینکه پرآناعمال حسنه
اطلاق عاتی را نیز نیاورده اند A ما تبعیب می‌کنیم "آف خطر ما سفل همراه
باشدیم؟" مجموعه بضروره از داشتن آن A و B و عدم جوین می‌باشد خانه
و جا از این حساب خود در خانه ورنند آنها نیز مخفی دستیقعاً باعث
که بقاوی شکوه کانه از ده صاف خانه و مساجد پیش کشیده بوده. این مشکلات متعین
و در عین از مطلع و عدم ترغیب و محل کار از لازم دنبایب برای افت و آمد C بجانه و
کفیون مانند صیغه ماسب اور خانه از نایاب است که در حق C آن دور و زیع ناگزیر در
خانه مانند بوره صاف می‌باشد که با مبتلک شود اور صیغه B همچوی "آن سر
خانه C - C - صیغه ایست" همچنانست کتاب می‌خواند و ... نهاده
فرار از فرالکار، ... می‌باشد. انتی من کسی کارا معلمین می‌دانم کارگردانی هاست
کار خانه C اول دنیا می‌باشد. "در حالیکه اولین کار خانه از از نایاب است
ونزدیک بوده نکلا و کسی C را در حال بحث نمی‌باشد بوده است اینها
ذهن از دستگیری کیم و زیاد اهل مطالعه کند و همچوی که می‌گویند داشته دارا بور.

نتیجه گیری و کسب تجربه از این ضریب:

این دادغاه نظریاً همچنانه بوده باید از کاظم تا تسلیم برآورده باشد اما در
هر قسمی آن بایکس وقت می تواند نتیجه آن نظر را فراهم کند احتیاط باید
کشید نارخک چه عوامی می تواند را که مالک و ائمه باشد داشت سود از اینها
از دارای غیر فرزانه خواسته باشد و ملکه آلسوز دل دادار در
موقع اضطرار را آماده داشت تجربه صحیح است! خلاصه این بعد از
عایقیت نکردن آن تعیین آور است را نکه دادار افسوسی که بقیه دادار درجه
اول را نباشد جمع می شود و با مردم تسبیب دادار سوز از این خود را لفظیه نماید و
زیادی همراه از بین برداشت و تقویم روز یا کلمه که با خطفی
نماید در اینست، اینکه نیت به نگذاردن و تقویم روز یا کلمه که با خطفی

بخارا در می سردد باشد احساس می شود و حساست و درجه از این نکته باشید و مثلاً
از زاده فارع خانه و دربار این پنهان کنیم (الله محل آن را خود نزد چادی بدانست) ااتکه
باشد نیت بسرفوخت امکانات این وغیره قبیل احساس می شود که
و... همچنانم تجربه ای از این توافق نباشد این مسائل بقیه بار از اتفاقی که
در طبع مقول معالیت من کشته می باشد مسائل میشون با اضافه و افزوده و این را
پس از آن کمال میشون آن که آن می باشد یا این ضریب هم چیز تجربه ای و چیز
نتیجه گیری از این اتفاق نگردد و برآورده نگردد و برآورده نزد است؟ خیلی این نظر داشت
و همانند این نتیجه از این فرضیه باشد گرفت:

«تا کیلو بسته و هر چه بیشتر بر می بازد ما باید این افتخار نهادیم در طبع از دل نیز نه
و از آن که هر گونه ای این افتخار از باکلام هر طبقه یا قشری که باید در این وظیفه از این
میشیں که از دادار کی ایصال در عذر و بدبختی گرفتن این افتخار ضمیم دنیو ها / پیوترا / دستوارها

نیووهار آن در صفت منافع طبیعت خود را مایل و در این وحدت از جهات سازمانی چا
که گرایش بورزوی و لیبرالی اخراج اصلی و خطا نک در دولت کیلولانی باشد کیم در هم
در واقع آب پرآسیاب بورزوی از ای لیبرال و نیز است به این مبارزه با لیبرالیسم
امتنی نفاس دفعه ای سعی مبارزه با اخراج است بورزوی و لیبرالی در پنهان تل امنی
و نهادی می باشد . مادریک رحله ضربات شنی از اعلال طبلیل فراز این استول بینم
بورزوی از ای سازمانی در دولت سازمانی خود دید و هنوز هم تباش ای فراز ایکار بیهوده
رسند و حالت سالم سازمانی پردازش می خورد لذا این وظیفه بدم تا در این
که با اقدام شماره واحد اساس موقوت پردازه کافی و باز و دل به کام کاهی و داشت
ما رکسیست - لیست خود در همینجا که وکیل نزدیک اخراج ای لیبرالی در پیاره ای خود دودر
سازمانی باشیم و بی رحابه باشیم بی مبارزه هم خیزیم *

یکی از اندیه های گرایش است لیبرالی را اداره خود را هم گردانه تجسس موقوت فراز ایستاده
لین جمع A و B می بینیم و این اخراج را در پنهان تل امنی - نهادی هنریکیه سنجیل
ایران و ریک - ناتکیل ضربه ای قبار نارنیک و بوطیه رو در پرسکردم . در واقع
لیبرالیسم A و B ناصد و دنبغنا زیاد را تجسس نمایند و آمرزش و در واقع بدآموزی
محود بوده است . معمود لعنی ای عامل خارجی نفس زیاد در راه گرایش است
لیبرالی در این A و B داشته است و دقتاً همین لیبرالیسم بود که فخر به واقعه
انقیار و گرس ابعاد میں ضربه ای رگنده است . در واقع لیبرالیسم نهادی امنی -
نفاس این رتفع ضربه خود را با ای برآر مانعی آور بازی . تجلیل این ضربه ای
دیگر این نظر را که " آندیه مبارزه ای کلوزیک در دولت سازمانی در هم
العarus تها خانی ای اجراء باری است که دخلال کاتکی خوش آلب کرد دام " *

* * * * * صفحه نهم
* در اینجا لیبرالیکه دیگر تو خود را نماید و بگوی " فاخوان " دو طبقه که در آنکه برآر کارد ای
سازمانی تعیین شده جلس می کنیم .

تایید می‌کند. «تاکید بیشتر در همه بیشتر بر مبارزه با بیماری اسم انسن نسل از داروهای^{۱۱۰} این عدو ترین و ملکه تها نشسته گلبر از شنید است که من تعال و با بیان فرمی گرفت. دوزیر منظور تاکید بیشتر باید از صنایع انسن و نفاس و تماری که از گذشت داشته باشیم را ذکر نماید عده اجر آزاد است در واقعه ذوق ضربه خودم، اهم این صنایع و تماری را می‌آورم آن‌گردد که من از این نظر باشند زمانی پاک و هدایت کرد از اینکه لهر کله برعال محبت است جو اگر همه انسانها در این سور بسیار خاصی بوده ولی سند غیر قابل عبور این زمان را این گویی از زبان را از سر دسته کردن (چه اینکند) مسئلانه در ففع این اسباب است نه اینکه بکوئند:

ا- حمل گیر از جمع زدن مدارک زانه که بمن مدارک در صیه اول و خواندن فی درخواست:
 الف - تحقیق مرتب و دوره از لهر هفتاد و یادداشت هر دو فحنه یکی را می‌باید
 د- انتها (تفصیل)، مدارک اخذ شده (بررسیون)، اینکه در انتهاست...
 ب- خواندن مدارک و خواسته از این مدارک در صیه اول (نمایه نشریات انس-
 نظامی) و این بین بردن یار گردان آنرا در اسرع وقت.

ج- از بین بردن مدارک هریت چشم و بروی انتقاده (که بمن اگر آن اسم و
 مستقیم است لور فنه و باشد) و یا پاک کردن این متنیست آن (ماهیت نهانه
 با معانی) تا بر این انتقاده مقدمه دخون یار گیران آنرا در مایل.

د- کتابها و خواسته معلومی و تلوییک و... - راسته این از از کلمه دید نامه
 تزدیک من کو ایم و مزدیت مطلعه ایش را دارم درخواست گذاشتر شود. این نامه

***: نعل از "تحلیل هریک سال ۵۵" نه در هیچ شیوه سرمه آمده است. در
 این تو صیه من که رفعت یکبار دیگر نخیں "رفور اثر از دید باتا کیلر
 دسته" را از این تحلیل بخواهد

زمانی مسروط بین صلح ارباب باشند و امکان رفاقت (صلوا اینبار) خواهد بود.

- ۲- هیچگونه درگیری از کارخانه نباشد کارخانه (نایاب) کارخانه را ببینیم، فسخ نباشد (فرمود).
- ۳- برای رفاقت که نکاریم و نه باید درست شود.
- ۴- معاشرانه و مدارک هدفیت معلمی در راستاده فعلی ما (آن زمانه) مگاهیست معاشر، کامات پیشکش ...) تمامی باید همواره همه اهالی باشد وارد صدر است صریح بود که دل پایگاههای بردیلی در اینجا نیست که مانند این از پایگاههای هستیم سمعنیست فعلی معلمی عالم و خود طی از این کجا ظاهر معلمی قرقی قرار گیرم ...
- ۵- گذاشت عکس در خانه بقیدیم برای رفاقت که هدف نیست بلکن آنها عکسی را بدهند و با آنها بگوییم اینها ای شغل درست ندارد.
- ۶- داشتن نایابیم و میکنیم معلمی که از آن داشت زدن مدارک از خانه نی در واقع افتخار است*
- ۷- بدبادری طرف و محل اوزانشی ها از اس مردانه.
- ۸- خرابودی محل اسلام و مذهب از دشمنیات و درستیش بوردن آنها.
- ۹- داشتن سیم کامل و مطمئن برای واقع افتخار از هزبیه و معلم مجید، حد اکثر مددگری که از تخلیه بمنوره فقط ... دکتری داشتن دوست این سیم تولید مسوسیں
- ۱۰- داشتن حاسه از مناسب مدارک و ... برای از داشتن که بکارهای درون (کفتوں) برای از
- ۱۱- بین ارجاعی به محبت بنا به دلت زد یا آنرا باز و سیمه کرد در واقع ضروری است هم که بخواهیم نارنجک والاز علاوه بمنور ملیم باشد بگوئه اگر گردان نارنج اگرست و کنید که در صدر لفظی آنکه ای دوست این را باز و سیمه کرد

* در این مورد به اتفاقی دستور یافته کنند و دستور العمل که در این سیم معلمی از خانه
مدارک در همین نظریه آنها متعارض نموده.

